



ریاست جمهوری

سازمان اداری و استخدامی کشور

مرکز آموزش مدیریت دولتی



درنامه

آشنایی با اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی امام خمینی (ره)

مدیریت مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری استان لرستان

ویرایش اول

پاییزه ۱۳۹۶

رسالة محمد

معرفی درسنامه

در اجرای ماده ۵۸ قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ و ماده ۲ آئین نامه اجرایی فصل نهم قانون مذکور^۲، «نظام آموزش کارمندان دستگاه‌های اجرایی» توسط معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور (وقت) به دستگاه‌های مشمول قانون مذکور ابلاغ شد^۳.

براساس بند ۵/۴ نظام مذکور، آموزش‌های مدیران به آموزش‌هایی اطلاق می‌شود که در راستای تعالی معنوی و حرفه‌ای مدیران در زمینه‌های بهبود نگرش و بصیرت‌افزایی و توسعه مهارت‌های انسانی، ادراکی و فنی در چارچوب «سامانه و برنامه آموزش مدیران» طراحی و اجرا می‌گردد.

هدف از طراحی و اجرای این دوره‌ها نیز، ارتقاء و تعالی معنوی و توسعه مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی مدیران و متناسب ساختن توانایی‌های آنان با پیشرفت دانش و فناوری در زمینه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت، هدایت و ارزشیابی و نقش‌های مدیریتی و آماده ساختن مدیران حرفه‌ای و کارمندان برای پذیرش مسئولیت‌های جدید است.

به منظور تحقق اهداف پیش گفته، «سامانه و برنامه تربیت و آموزش مدیران»، مشتمل بر عناوین دوره‌های آموزشی مدیران سطوح مختلف، طراحی و طی بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۰/۳۲۶۶۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۵ ابلاغ شد.

همچنین در راستای توسعه همکاری‌های فی مابین و در چارچوب مفاد خط‌مشی‌ها و ضوابط ناظر بر برنامه‌ریزی و اجرای مطلوب فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی سال ۱۳۹۵ مدیریت‌های مراکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها، موضوع بند ۶ ابلاغیه شماره ۱/۶۹۹۶۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶، مبنی بر «مشارکت در تولید منابع علمی و درسنامه‌های آموزشی براساس استانداردهای مرکز»، مقرر گردید از ظرفیت‌های علمی موجود در استان‌ها برای تألیف و تدوین درسنامه‌های آموزشی دوره‌های مذکور استفاده شود.

درسنامه حاضر، به عنوان یکی از منابع آموزشی دوره «آشنایی با اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی امام خمینی(ره)»، از مجموعه دوره‌های قبل از انتصاب مدیران سطح پایه است که براساس سرفصل‌های دوره و برای بهره‌برداری فراگیران، توسط «مدیریت مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری استان لرستان» تدوین و ارائه شده است.

ضمن تشکر از تلاش‌های ارزشمند همکاران محترم مدیریت مذکور، با توجه به ضرورت بازنگری و انجام اصلاحات برای رفع اشکالات و رسیدن به مرحله کمال مطلوب، از همه استادان، صاحب‌نظران و فراگیران محترم تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و ارائه پیشنهادها و دیدگاه‌های خود، ما را در اصلاح این درسنامه و تدوین دیگر آثار موردنیاز کارمندان دولت یاری کنند.

مرکز آموزش مدیریت دولتی

۱. مصوب کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۰۸.

۲. تصویب‌نامه شماره ۲۵۷۹/ت/۴۳۹۱۶ک مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۰.

۳. بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۸۳۴ مورخ ۱۳۹۰/۱/۳۰.

فهرست مطالب

۶	پیشگفتار.....
۷	مقدمه کلی
۹	فصل اول - مفهوم، سیر تحول، موضوع و مراحل اندیشه‌های سیاسی.....
۹	هدف کلی.....
۹	اهداف رفتاری
۹	آشنایی با مفاهیم و واژه‌ها
۹	اندیشه
۱۰	اندیشه سیاسی
۱۲	موضوع اندیشه سیاسی
۱۲	سیر تحول اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).....
۱۳	خلاصه فصل
۱۴	منابع مکمل
۱۵	پی‌نوشت‌ها
۱۶	سؤال‌های چهارگزینه‌ای.....
۱۷	سؤال‌های تشریحی
۱۸	فصل دوم - تمایز اندیشه سیاسی امام از سایر وجوه اندیشه‌های ایشان.....
۱۸	هدف کلی.....
۱۸	اهداف رفتاری
۱۸	خاستگاه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره).....
۱۸	۱- مبانی قرآنی در اندیشه سیاسی امام
۱۹	۲- خدامحوری در اندیشه و رفتار سیاسی امام
۲۴	ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).....
۲۴	۱- رابطه و پیوند دین و سیاست
۲۵	۲- پاسداری از ارزش‌ها.....
۲۶	۳- عدالت
۲۷	۴- آزادی.....
۲۷	۵- استقلال
۲۹	۶- مردم‌سالاری
۲۹	۷- قانونمندی.....
۳۰	۸- فرهنگ
۳۱	۹- وحدت.....
۳۵	۱۰- مصلحت.....
۳۶	۱۱- رویکرد جهانی و بین‌المللی در اندیشه سیاسی
۳۷	۱۲- احیای هویت اسلامی
۳۹	۱۳- سیاست خارجی
۴۳	خلاصه فصل
۴۴	منابع مکمل

۴۵ پی‌نوشت‌ها
۴۷ سؤال‌های چهارگزینه‌ای
۴۸ سؤال‌های تشریحی
۴۹ فصل سوم - اندیشه‌های مدیریتی امام خمینی (ره)
۴۹ هدف کلی
۴۹ اهداف رفتاری
۴۹ اندیشه امام (ره) پیرامون مدیریت
۴۹ ۱- اسلام محوری
۵۰ ۲- اصل خدمت
۵۰ ۳- اصل ساده زیستی
۵۱ ۴- برقراری عدالت
۵۲ اصول مدیریت نوین در شیوه مدیریتی امام (ره)
۵۳ امام خمینی (ره) در نگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران شرق و غرب
۵۳ نتیجه‌گیری
۵۴ منشور اخلاقی امام خمینی در مدیریت
۵۴ تبلور تعهد در نگرش امام (ره)
۵۴ تکلیف‌گرایی
۵۵ آرامش روحی
۵۵ جایگاه مصلحت‌اندیشی
۵۵ استراتژی مدیریت مبارزاتی امام
۵۷ تعهد به دین
۵۷ تعهد به جامعه
۵۸ وظایف مردم و دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)
۵۸ نقش مردم در حکومت اسلامی
۶۱ وظایف دولت در برابر مردم
۶۳ خلاصه فصل
۶۵ منابع مکمل
۶۶ پی‌نوشت‌ها
۶۷ سؤال‌های چهارگزینه‌ای
۶۸ سؤال‌های تشریحی
۶۹ کلید سؤال‌های چهارگزینه‌ای
۷۰ منابع و مآخذ

پیشگفتار

آشنایی با اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان الگویی برای شکل‌دهی ساختار مدیریتی کشور مورد نیاز همه مسئولین، محققان و کارکنان دستگاه‌های مختلف کشور قرار گرفته و در این راستا نقش بی‌بدیل مراکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری استان‌ها در برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاه‌های آموزشی انکارناپذیر است. البته برای تحقق این مهم داشتن منبعی جامع برای تدریس اساتید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که با عنایت حضرت حق و با استفاده از منابع متعددی که بزرگان این فن به زیور طبع رسانده‌اند در سنامه «آشنایی با اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی حضرت امام خمینی (ره)» با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام یافته و مباحث آن در سه فصل جمع‌آوری، تدوین و تألیف شده و در اختیار اساتید و فراگیران محترم قرار گرفت. امید است نواقص را به بزرگواری خویش بر این حقیر بخشیده و در جهت اصلاح، از ارشادات خود بهره‌مند سازند.

باسپاس
عبدالکریم کشوری



مقدمه کلی

یکی از بزرگترین شاهکارهای آفرینش و خلقت الهی در طول تاریخ بشری، آفرینش مردانی بزرگ است که حیات و اندیشه آنان منشاء تحولات عظیم و حماسه‌های پرشور فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی بوده است.

این مردان بزرگ و شاهکارهای خلقت به واسطه برخورداری از روح بلندوالهی و ویژگی‌های منحصر بفردمی توانند الگوی خوبی برای همه انسانهای آزاده در اعصار و قرون باشند. مطالعه عمیق همراه با تجزیه و تحلیل اهداف، اندیشه‌ها و آراء چنین شخصیت‌هایی می‌تواند درس‌های بزرگی را به مایاآموزد.

از جمله چنین شخصیت‌های بزرگ و رهبران الهی امام خمینی (ره) است که با داشتن ویژگی‌های بلند انسانی به شخصیتی کم‌نظیر و اعجاب‌انگیز و بزرگترین نوآورد در قرن اخیر مبدل شد.

امام خمینی (ره) تمام صفات و ویژگی‌هایی را که یک اندیشمند سیاسی الهی و عملگرا باید داشته باشد نظیر: هدف مقدس، ایمان کامل، پشتکار، اعتقاد شدید به مکتب و آموزه‌های دینی، ایمان به مردم و شناخت آن، تربیت نیروی مکتبی و انقلابی، بیان صادقانه ایدئولوژی، استفاده از نیروهای با فکر، عدالت، تقوا و دوری از گناه و شناخت اصولی حرکت را دارا بود.

ایشان با تأسی به آموزه‌های اسلام ناب بسیاری از مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان معاصر را عمیقاً متحول ساخت، نظام‌های مادی و الحادی را به چالش کشاند، الگوی تازه‌ای به جهانیان معرفی کرد و عصر جدیدی را آغاز نمود؛ عصری که ولی امر مسلمین جهان آن را «عصر امام خمینی (س)» نامید.

اندیشه سیاسی و مدیریتی امام خمینی (ره)، همواره به مثابه یکی از مهمترین منابع یا شاخص‌های شناخت تفکر انقلاب اسلامی، مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده؛ از این رو، بررسی و تحلیل اندیشه سیاسی ایشان به عنوان نخستین رهبر سیاسی با نفوذ در جهان اسلام در عصر غیبت، حائز اهمیت است.

در سنامه حاضر دارای ۳ فصل است که در فصل اول مفهوم، سیر تحول، موضوع و مراحل اندیشه‌های سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا قبل از پرداختن به اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی امام لازم است واژه‌ها و مفاهیم معنا شوند زیرا مفاهیم و واژه‌ها در واقع دریچه‌ای هستند برای فهم بهتر موضوعات و پس از تعریف مفاهیم و واژه‌ها در انتهای این فصل سیر تحول اندیشه سیاسی و مراحل اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و تصریح می‌گردد که اندیشه سیاسی امام از ابتدای ورود به جریان‌های سیاسی تا آخر عمر در حال تحول بوده است. اما این تحول، مبتنی بر یکسری اصول ثابتی بوده است. مانند توجه به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی همچون مصلحت، تکلیف و اجتهاد. در فصل دوم تمایز اندیشه سیاسی امام از سایر وجوه اندیشه‌های ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خاستگاه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) برخلاف بسیاری از اندیشمندان سیاسی جهان منبعث از مبانی قرآنی است و خدامحوری در اندیشه سیاسی ایشان دارای شاخص‌های همچون تکلیف‌گرایی، مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم، اخلاص در عمل، طاغوت‌ستیزی و سلطه‌گریزی است.

اندیشه سیاسی امام خمینی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی همچون رابطه و پیوند دین و سیاست، پاسداری از ارزش‌ها، عدالت، آزادی، استقلال، مردم‌سالاری، قانونمندی، وحدت، مصلحت و رویکرد جهانی و بین‌المللی داشتن است. در فصل سوم اندیشه‌های مدیریتی امام خمینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. امام خمینی در اندیشه مدیریتی خود به اصولی همچون اسلام‌محوری، اصل خدمت، اصل ساده‌زیستی، برقراری عدالت معتقد بوده و بر اجرای عملی این اصول پافشاری نموده و مسئولین را به پایبندی به این اصول امر می‌فرمودند. ایشان در مدیریت یک منشور اخلاقی جامع را ترسیم کردند که تبلوری بود از تعهد ایشان در

استراتژی مدیریت مبارزاتی امام می‌توان به عینه تعهد به دین و تعهد به جامعه و مردم را دید. در پایان این فصل وظایف مردم و دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقش مردم در حکومت اسلامی را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد: ۱- سطح مشروعیت نظام سیاسی، ۲- سطح مشروعیت فقیه حاکم، ۳- سطح تصمیم‌سازی که امام خمینی (ره) با عنایت به جایگاه خاص مردم و احترام به آرای آنها، تبعیت از رأی ملت را وظیفه دولت دانسته، می‌فرماید: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام (ص) به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل کنیم» از جمله اقدامات ارزشمند حضرت امام (رحمه‌الله علیه) صدور فرمان هشت ماده‌ای جهت رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی کلیه آحاد ملت بود که در آن ایشان حداقل بر ۲۰ مورد حقوق شهروندی و لازم‌الاجرا بودن آن تأکید ورزیدند.

از دیگر حقوق مهم دولت بر مردم در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مسئولیت‌نظارتی و مشورتی مردم در برابر دولت و زمامداران اسلامی است. مردم در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی زمامداران خود بی‌تفاوت باشند. مردم موظف‌اند بر سیاستگذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی نظارت نموده و با اظهار نظریات مشورتی و خیرخواهانه خود، موجبات استحکام و بهبودی دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش را فراهم سازند.

با دقت در سیر اندیشه سیاسی و مدیریتی حضرت امام (ره) چنین نتیجه می‌گیریم که ایشان هدفش اجرای دستورات الهی برای احیای فطرت پاک انسانی در سایه تعالیم انبیاء برای رساندن به سعادت دنیوی و اخروی بوده و از نظرایشان این امر می‌تواند زمینه را برای ظهور منجی دادگستر فراهم آورد. انشاءالله

ومن الله التوفيق وعليه التكلان

مرکز آموزش مدیریت دولتی

فصل اول - مفهوم، سیر تحول، موضوع و مراحل اندیشه‌های سیاسی

هدف کلی

آشنایی و افزایش دانش فراگیران با مفهوم، سیر تحول، موضوع و مراحل اندیشه‌های سیاسی

اهداف رفتاری

پس از مطالعه این فصل از فراگیران انتظار می‌رود که:

- معنای لغوی و اصطلاحی اندیشه را بیان کنند.
- اندیشه سیاسی را تعریف کنند.
- موضوع اندیشه سیاسی را بیان کنند.
- سیر تحول اندیشه سیاسی را تشریح کنند.
- مراحل اندیشه سیاسی را برشمرند.

آشنایی با مفاهیم و واژه‌ها

آشنایی با مفاهیم و واژه‌ها در واقع دریچه‌ای است برای فهم بهتر موضوعات و اصطلاحاتی که از پیچیدگی معنا برخوردار بوده و به فهم بهتر موضوع کمک می‌کند. هر چه قدر موضوع، فنی‌تر و پیچیده‌تر باشد نیاز به تبیین و روشن نمودن واژه‌ها بیشتر احساس می‌شود. از میان اصطلاحات و مفاهیمی که نیازمند به واژه‌شناسی است مفهوم اندیشه سیاسی است که حوزه‌های مختلف و متفاوتی از ساختار اندیشیدن را شامل می‌شود، زیرا فلاسفه، متکلمان، فقها، جامعه‌شناسان، روانشناسان، ادیبان و نظریه پردازان هر کدام به فراخور حوزه تخصصی خود مسائل سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند به این منظور لازم است معنا و مفهوم واژه‌هایی چون اندیشه، اندیشه سیاسی را به اختصار روشن نمائیم تا با روشن شدن تعاریف زمینه برای مباحث مرتبط فراهم شود.

اندیشه

یکی از وجوه تمایز بین انسان و سایر مخلوقات الهی داشتن قدرت تفکر و تعقل و اندیشه است. هم در آیات الهی هم در روایات و هم در شعر شعرا و هم در نوشته نویسندگان به وفور به عباراتی برمی‌خوریم که در آن به ضرورت و اهمیت استفاده از این نعمت خدادادی تأکید شده است.

افلا تعقلون؟ پس آیا نمی‌اندیشید؟ یعنی بیندیشید. این وجه استفهام انکاری غالباً برای تأکید استفاده می‌شود همچون پدری که به فرزند خود می‌گوید «مگر نگفتم این کار را انجام بده؟» که نشان از اهمیت آن کار برای پدر دارد. همچنین در روایات معتبر رسیده از پیامبر مکرم اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) در خصوص ضرورت استفاده از قدرت اندیشه نکات مهم و شگفت‌انگیزی وجود دارد نظیر:

یک ساعت تفکر افضل از هفتاد سال عبادت است. البته نه هر اندیشه و تفکری بلکه اندیشه و تفکری که منشا؛ تحول و انقلاب در شخص می‌شود به گونه‌ای که ثمرات و فواید بسیاری را به دنبال داشته و عبادت آگاهانه یکی از ثمرات و فواید چنین تفکری محسوب می‌گردد. در شعر شعرا نیز به این نکته به صورتی ظریف اشاره شده:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

الف) اندیشه در لغت

واژه اندیشه معمولاً هم‌ردیف و مترادف واژه‌هایی چون تفکر، تأمل، تدبیر، تعقل به کار می‌رود (البته هر کدام از واژه‌ها ممکن است تفاوت محسوس و جزئی با یکدیگر داشته باشند). [۱]

منطقیون اندیشه را مرتب ساختن امور معلوم برای رسیدن به کشف مجهول دانسته و به عبارت دیگر فکر را حرکت ذهن به سوی امور و مقدمات معلوم و سپس حرکت از آن امور معلوم به سوی کشف مقصود تعریف نموده‌اند و اندیشه را نوعی فعالیت ذهنی انسان عاقل می‌دانند که با مرتب کردن امور معلوم به مطلوب دست می‌یابد و مجهول را به معلوم تبدیل می‌کند. [۲]

ب) اندیشه در اصطلاح

اندیشه در اصطلاح تفکری است منسجم، نظام‌مند و موجه برای حل مسأله. زمانی که انسان با مشکل یا مسأله‌ای روبرو می‌شود و در پی حل آن است فعالیت ذهنی توسط آن شخص برای حل مسأله آغاز می‌شود که این تلاش ذهنی را، تفکر یا اندیشه می‌نامند. فعالیت ذهنی بدین گونه عمل می‌نماید که ابتدا مسأله به طور شفاف، روشن و ملموس تعریف می‌گردد و ذهن راه‌حل‌های مختلفی برای حل مسأله را می‌یابد سپس از همه راه‌حل‌های پیش رو بهترین راه‌حل را بر می‌گزیند و پاسخ مقتضی را می‌یابد.

برخی تفکر را در اصطلاح، تصرف قلب در معانی اشیا برای ادراک مطلوب تعریف نموده‌اند [۳] و یا فکر را، نیرویی می‌دانند که در شخص وجود دارد که معنا را طلب می‌کند و در امری دقیق و باریک می‌گردد و تفکر جولان این نیرو بر حسب نظر عقل است و جز بر آنچه صورت آن در قلب حاصل گردد گفته نمی‌شود [۴] فکر در اصطلاح عامه مردم نیز عبارت است از هر انتقالی که برای نفس در ادراکات جزئی صورت گیرد. [۵-۶]

برخی دیگر تفکر را این گونه تعریف کرده‌اند: «تفکر فرایندی رمزی و درونی است که منجر به یک حوزه شناختی می‌گردد که نظام شناختی شخص متفکر را تغییر می‌دهد» (ایسون، ۱۶۰) و یا گفته‌اند که: «تفکر فرایندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسأله ایجاد می‌گردد.» (سولسو، ۱۹۹۰، ۵۵) و یا «تفکر، تلاشی است ذهنی، برای پاسخگویی صحیح و دقیق به سؤالات ذهنی که به ابزاری چون منطق، خردورزی، دانش، تجربه و درک صحیح موضوع نیازمند است» (میرحبیبی، ۲۰۱۲، ۴۵)

اندیشه سیاسی

یکی از مفاهیم مهم و بنیادی در حوزه دانش سیاسی مفهوم اندیشه سیاسی است. گاهی جامعه با بحران‌ها و سؤالات سیاسی مواجه می‌شود که حل این بحران‌ها و پاسخگویی به این سؤالات منجر به پیدایی اندیشه سیاسی می‌شود که البته دستیابی به این مهم جز در سایه تلاش فکری در حوزه مسائل سیاسی محقق نمی‌شود.

علی‌رغم تلاش، کوشش و رغبتی که اندیشمندان سیاسی به مباحث سیاسی داشته‌اند و نظرات سیاسی خوبی ابراز داشته‌اند اما کمتر خود این اصطلاح تعریف شده است. شاید به این دلیل که برای اندیشه سیاسی نمی‌توانیم تعریف را در معنای منطقی آن یعنی تعریف به حد تام داشته باشیم؛ که جامع و مانع باشد. مفهوم اندیشه سیاسی نیز نظیر دهها مفهوم اجتماعی دیگر از تعریف واحدی نزد اندیشمندان برخوردار نیست. اندیشه سیاسی محصول و دستاورد اندیشه و تفکر بشر در حوزه مسائل سیاسی است اما این تعریف به قول منطقیون مانع نیست چون ممکن است بسیاری از مفاهیم دیگر نیز حاصل تفکر بشر در حوزه مسائل سیاسی باشد.

اندیشه سیاسی یک عبارت مضاعف یا ترکیب وصفی مرکب از «اندیشه» و «سیاسی» منسوب به «سیاست» است پس در اصل دو چیز داریم: یکی اندیشه (موصوف) و دوم سیاسی (وصف). اندیشه کنش ذهنی یا عقلی است اما در اینجا وقتی اندیشه را تعریف می‌کنیم باید بار معرفت شناختی و تاریخی داشته باشد یعنی تعریف به گونه‌ای باشد که معرفت یا علم را بیان کند. به همین جهت، منظور از اندیشه «دستاورد و محصول تلاش‌های ذهنی یا عقلی است که از انسجام منطقی، چارچوب عقلانی، مبنا و بنیان، قابلیت استدلال و ارزش و اهمیت برخوردار باشد.» این تعریف اندیشه به لحاظ معرفت شناختی و تاریخی است. [۷] در اینجا به چند مورد از تعاریفی که از اندیشه سیاسی توسط برخی از اندیشمندان سیاسی ارائه شده اشاره می‌کنیم: برخی مانند ریمون آرون نویسنده فرانسوی، اندیشه سیاسی را اینگونه تعریف می‌کنند که: اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز مشخص کردن ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود. (بشریه، ۱۳۸۶: ۱۲) [۸] ولوی اشتراوس اندیشه سیاسی را تدبیر درباره آرا، ونظرات سیاسی یا ارائه تفسیری از آنها می‌داند و رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌داند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط می‌باشد. حسین بشیریه در مورد اندیشه سیاسی اینگونه می‌گوید: «اندیشه‌های سیاسی در حول علایق عمده اجتماعی شکل می‌گیرد و خود بر آنها تأثیر می‌گذارد و برای دریافت درست آنها باید دیالکتیک اندیشه و واقعیت را بررسی کرد.» (بشریه، ۱۳۸۶: ۵) [۹]

پس با توجه به مقدمات بالا برای اندیشه سیاسی ویژگی‌هایی را می‌توان برشمرد که عبارتند از اینکه: ۱. اندیشه‌های سیاسی زاینده وجود برخی مشکلات و مسائل سیاسی در اجتماع بشری است، ۲. درصدد رفع مشکلی از مشکلات جامعه یا حل بحرانی از بحران‌های جامعه می‌باشد، ۳. سنخیت و رابطه‌ای بین اندیشه سیاسی با مسائل و بحران‌های موجود در اجتماع وجود دارد، ۴. اندیشه سیاسی از کلیت و عمومیت برخوردار است به گونه‌ای که هر نوع از تفکرات و تلاش‌های ذهنی در باب سیاست را نیز شامل می‌شود، ۵. معمولاً اندیشه سیاسی با باورهای فلسفی و اعتقادی همراه هستند، ۶. اندیشه سیاسی خصلت «تراکمی» دارد، یعنی اندیشه‌های سیاسی به توجه به شرایط زمان و مکان، دچار دگرگونی، تغییر و تحول شده و به اصطلاح «صیقل» می‌خورد و به شکل جدیدی ارائه می‌گردد یعنی اندیشه‌های جدید به وجود آمده؛ همواره براساس اندیشه‌های گذشتگان شکل می‌گیرد و در حقیقت مکمل اندیشه‌های سیاسی دوره‌های پیشین است. [۱۰]

و به همین منظور فرهنگ رجائی معتقد است که «اندیشه سیاسی پاسخی بشری است به یک مقوله کاملاً بشری به نام سیاست» «اندیشه سیاسی به عنوان جزئی از سپهر اندیشه در کوشش بشر برای تعریف، تبیین مناسبات خویش با خارج همیشه با زندگی اجتماعی ملازم داشته است. البته هدف اندیشه سیاسی جستار در حقیقت سیاست فی نفسه نبود، بلکه کوششی بود عملی برای پیدا کردن راه‌حلی در جهت بالابردن کارآمدی، تنظیم، عملکرد جنجال‌گریز، و اداره بهتر مدینه» (اشتراوس، ۱۳۸۱: مقدمه مترجم) ابوالقاسم طاهری هدف و فایده اندیشه سیاسی را کارآمد کردن حکومت و اداره بهتر جامعه، بهبود رابطه مردم و حکومت‌ها، کارآمد کردن حکومت‌ها، احیای حقوق مردم، تبیین وظایف و تکالیف و حقوق متقابل ملت‌ها و دولت‌ها، کاربری در سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی کشور و... می‌داند. البته ایشان تعریف مشخص و دقیقی از اندیشه سیاسی ارائه نداده و تنها هدف اندیشه سیاسی را مدنظر قرار داده. علی‌قادری اندیشه سیاسی را مجموعه باورهای فلسفی می‌داند که به‌طور مستقیم به اداره امور جامعه مرتبط باشند.

موضوع اندیشه سیاسی

انسان موجودی مدنی بالطبع است یعنی طبیعتش اجتماعی زیستن است و چون دارای قدرت تفکر و تعقل است روابط اجتماعی‌اش در یک تعامل عقلانی شکل می‌گیرد این نکته سرچشمه پیدایش جامعه سیاسی است پس پدیده سیاسی هر امری است که در جامعه سیاسی تحقق می‌یابد و از جهت سیاسی بودنش پدید می‌آید و چنین پدیده‌ای موضوع اندیشه سیاسی است. بنابراین، نقطه آغاز بررسی چستی اندیشه سیاسی، نظر به جامعه سیاسی و شناخت چستی آن است.

سیر تحول اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) [۱۱]

یکی از ویژگی‌ها و خصایص اندیشه‌های سیاسی این است که با توجه به شرایط زمان و مکان، دچار دگرگونی، تغییر و تحول می‌شود زیرا اندیشه‌های سیاسی تابعی از تحولات اجتماعی و اقتصادی و تاریخی است و اندیشمند سیاسی، متناسب با شرایط و امکانات به تعیین اهداف معقول و تعیین مکانیزم‌های رسیدن به آن اهداف می‌پردازد. پرسش اساسی در این مبحث این است که آیا اندیشه سیاسی امام خمینی نیز در طول عمرشان در حال تغییر بوده است یا خیر؟ برخی از اندیشمندان سیاسی معتقدند که اندیشه سیاسی امام ثابت بوده و آنچه در معرض تغییر و تحول قرار گرفته، که قضایای شخصیه است. [۱۲]

یکی دیگر از اندیشمندان سیاسی معتقد است که اندیشه سیاسی امام مرحله به مرحله کامل شده و معتقد است با توجه به سیر تاریخ و حوادث و آشنایی هر چه بیشتر حضرت امام با اوضاع و احوال زمانه، دیدگاه‌های ایشان روز به روز کامل‌تر شده است. «نخستین فعالیت‌های امام، «درخواست» از حکومت برای اجرای احکام دینی بود. ادامه این جریان به «نصیحت» دولتمردان و فعالیت برای اصلاح چارچوب فکری حاکم منجر شد. اما سیر حوادث و وقایع، امام را به این نتیجه رساند که هدف یاد شده، بدون تشکیل «حکومت اسلامی» تحقق نمی‌یابد. پس، ایشان نهاد سلطنت را فاقد مشروعیت خواند و قانونی بودن آن را زیر سؤال برد. امام در دوره تبعید به جز حرکت سلبی (نفی مشروعیت رژیم شاه) حرکتی ایجابی نیز انجام داد و نظریه ولایت فقیه را به عنوان الگویی بی‌بدیل برای نظام سیاسی ایران ارائه کرد» [۱۳] وی معتقد است که: «اگر مراحل تطور اندیشه سیاسی امام را به‌طور کامل در نظر بگیریم، می‌بینیم که برداشت امام از «سیاست» و «برنامه‌ریزی» گام به گام تغییر می‌کند و پیچیده می‌شود. [۱۴] این تغییر به حدی است که به نظر پژوهشگر مذکور، «تلقی امام از سیاست و برنامه‌ریزی» در پایان عمر «دچار دگرگونی عظیمی شده است.» [۱۵]

برخی از پژوهشگران با تفسیری رئالیستی در تحولات اندیشه امام دیدگاه‌های امام رابه دو قرائت مختلف از حکومت دینی و به قبل و بعد از انقلاب تقسیم می‌نمایند و معتقدند که دو اندیشه و قرائت «دولت دینی» و «دین دولتی» در سیر تحول اندیشه امام به چشم می‌خورد به نظر ایشان، تا قبل از انقلاب، اندیشه سیاسی امام بر محور «دولت دینی» حرکت می‌کرد که «دولت» باید دینی شود، «دین» حاکم و فرمان دهنده و «دولت» محکوم و مجری و فرمانبردار فرامین دینی است. اما پس از انقلاب، امام به «دین دولتی» معتقد بود که طبق آن «دولت» حاکم و فرمان دهنده و «دین» مجری خواسته‌ها و فرمان دولت است. هر کدام از نظریات فوق اشکالات عمده‌ای دارند که شاید وجه مشترک همه اشکالات خلط در مفاهیم، عدم توجه به منظومه فکری حضرت امام و عدم توجه به تمامی دیدگاه‌های امام و نیز عدم توجه به روش‌ها، اصول و ملاک‌های «اجتهاد» است. [۱۶]

پس اندیشه سیاسی امام از ابتدای ورود به جریانات سیاسی تا آخر عمر در حال تحول بوده است. اما این تحول، مبتنی بر یکسری اصول ثابتی بوده است. مانند توجه به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی همچون مصلحت، تکلیف و اجتهاد؛ این تحول، نه تنها نقطه ضعف اندیشه سیاسی ایشان نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نقاط قوت آن بوده و نیز سبب شده که حضرت امام در هر زمان، رفتار سیاسی خویش را به درستی هدایت نماید. البته اگر به صورت منطقی به این تحول بنگریم می‌توانیم تعارضات را جمع کنیم، یعنی باید به متأخر و مقدم بودن موضوعات بیان شده و زمان صدور آن توجه داشته باشیم.

موقعیت زمانی و مکانی بر اندیشه سیاسی امام تأثیر جدی داشت. مثلاً در سال ۱۳۴۸ در جایگاه رهبری نهضت ضد استبدادی ایشان ولایت فقیه را نظام مشروع اسلامی معرفی می‌کنند. ولی در زمان تأسیس حکومت اسلامی ولایت مطلقه فقیه را معرفی و به صورت جدی از آن دفاع می‌نمایند.

خلاصه فصل

* واژه اندیشه در لغت معمولاً هم‌ردیف و مترادف واژه‌هایی چون تفکر، تأمل، تدبیر، تعقل به کار می‌رود.
* اندیشه در اصطلاح تفکری است منسجم، نظام‌مند و موجه برای حل مسأله.

* مفهوم اندیشه سیاسی نیز نظیر دهها مفهوم اجتماعی دیگر از تعریف واحدی نزد اندیشمندان برخوردار نیست.

* با این وجود برخی مانند ریمون آرون نویسنده فرانسوی، اندیشه سیاسی را اینگونه تعریف می‌کنند که: اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز مشخص کردن ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود. ولوی اشتراوس اندیشه سیاسی را تدبیر درباره آراء، و نظرات سیاسی یا ارائه تفسیری از آنها می‌داند و رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌داند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط می‌باشد. حسین بشیریه در مورد اندیشه سیاسی اینگونه می‌گوید: «اندیشه‌های سیاسی در حول علایق عمده اجتماعی شکل می‌گیرد و خود بر آنها تأثیر می‌گذارد و برای دریافت درست آنها باید دیالکتیک اندیشه و واقعیت را بررسی کرد.»

* ویژگی‌های اندیشه سیاسی عبارتند از: ۱. اندیشه‌های سیاسی زاینده وجود برخی مشکلات و مسائل سیاسی در اجتماع بشری است، ۲. درصدد رفع مشکلی از مشکلات جامعه یا حل بحرانی از بحران‌های جامعه می‌باشد، ۳. سنخیت و رابطه‌ای بین اندیشه سیاسی با مسائل و بحران‌های موجود در اجتماع وجود دارد، ۴. اندیشه سیاسی از کلیت و عمومیت برخوردار است به گونه‌ای که هر نوع از تفکرات و تلاش‌های ذهنی در باب سیاست را نیز شامل می‌شود، ۵. معمولاً اندیشه سیاسی با باورهای فلسفی و اعتقادی همراه هستند، ۶. اندیشه سیاسی خصلت «تراکمی» دارد، یعنی اندیشه‌های سیاسی به توجه به شرایط زمان و مکان، دچار دگرگونی، تغییر و تحول می‌شود.

* اندیشه سیاسی امام از ابتدای ورود به جریانات سیاسی تا آخر عمر در حال تحول بوده است. اما این تحول، مبتنی بر یکسری اصول ثابتی بوده است. مانند توجه به مقتضیات زمان و مکان و مفاهیمی همچون مصلحت، تکلیف و اجتهاد.
* یکی از شاخصه‌های خدامحوری مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم است.

منابع مکمل

- ۱- قادری، سیدعلی، امام خمینی برای نسل سوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ.
- ۲- طاهرزاده، اصغر، امام خمینی و خودآگاهی تاریخی، نشر لب المیزان.
- ۳- انصاری، حمید، حدیث بیداری، نشر عروج.
- ۴- ولایت، قادر، حکایت‌های تلخ و شیرین.
- ۵- رحیمیان، محمدحسین، در سایه آفتاب، نشر شاهد.
- ۶- رنجبر کرمانی، علی‌اکبر، روز شمار زندگی امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۷- حاجتی، احمدرضا، عصر امام خمینی، مؤسسه بوستان کتاب قم.



پی‌نوشت‌ها

- ۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۷۷.
- ۲- مظفر، محمدرضا، المنطق، ناشر: دارالعلم، قم، ایران، ۱۳۸۲، ص ۳۲.
- ۳- المصطفوی، التحقیق، «فکر»، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴، ش. ج ۹، ص ۱۲۶.
- ۴- الراغب (م. ۴۲۵ ق.)، مفردات، «فکر»، به کوشش صفوان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۴۳.
- ۵- الشعرانی (م. ۱۳۹۳ ق.)، نثر طوبی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۲۷۰.
- ۶- سایت ویکی فقه.
- ۷- جهان‌بین، اسماعیل، «آشنایی با اندیشه‌های سیاسی مسلمین»، سایت MyStudents و محمدحسین جمشیدی، اندیشه سیاسی چیست؟ گفتگوی اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۳۹۱، شهریور ۹۵.
- ۸- بشیری، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۶.
- ۹- همان، ص ۱۷.
- ۱۰- همان، ص ۱۶.
- ۱۱- لک‌زایی، نجف، «ثبات و تحول در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- ۱۲- ر. ک به: لک‌زایی، نجف، «منطق تحول در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره)»، منتشر شده در مجموعه سی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی ایران با عنوان جرعه جاری، به اهتمام: علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، صص ۶۷-۸۷.
- ۱۳- نبوی، سید عبدالامیر، «تطور اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۶ و ۷، صص ۱۳۰-۱۳۱.
- ۱۴- همان، ص ۱۳۱.
- ۱۵- همان، ص ۱۳۲.
- ۱۶- گنجی، اکبر، «دو قرائت امام خمینی از نظریه ولایت فقیه: دولت دینی و دین دولتی»، مجله کیان، شماره ۴۱، ص ۱۸.

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- اندیشه، مرتب ساختن امور..... برای رسیدن به کشف..... است.

- الف) معلوم - مجهول
 ب) معلوم - مجهول
 ج) بدیهی - غیربدیهی
 د) غیربدیهی - بدیهی

۲- کدام گزینه به ویژگی‌های اندیشه‌های سیاسی اشاره دارد؟

- الف) الف) درصد رفع مشکلی از مشکلات جامعه یا حل بحرانی از بحران‌های جامعه می‌باشد.
 ب) سنخیت و رابطه‌ای بین اندیشه سیاسی با مسائل و بحران‌های موجود در اجتماع وجود دارد.
 ج) اندیشه سیاسی از کلیت و عمومیت برخوردار است.
 د) همه موارد

۳- کدام گزینه غلط است.

- الف) اندیشمند سیاسی؛ متناسب با شرایط و امکانات به تعیین اهداف معقول و تعیین مکانیزم‌های رسیدن به آن اهداف می‌پردازد.
 ب) فرهنگ رجائی معتقد است که اندیشه سیاسی پاسخی بشری است به یک مقوله کاملاً بشری به نام سیاست.
 ج) اندیشه‌های سیاسی امام با توجه به شرایط زمان و مکان، دچار دگرگونی، تغییر و تحول نمی‌شود.
 د) اندیشه در لغت هم‌ردیف و متعارف واژه‌هایی چون تفکر، تأمل، تدبیر، تعقل به کار می‌رود.

۴- نقطه آغاز بررسی چستی اندیشه سیاسی، نظر به..... آن است.

- الف) جامعه سیاسی و شناخت چستی
 ب) شرایط و امکانات
 ج) رفتار سیاسی
 د) اداره بهتر

۵-..... تلاشی است ذهنی، برای پاسخگویی صحیح و دقیق به سؤالات ذهنی که به ابزاری چون منطق، خردورزی، دانش، تجربه و درک صحیح موضوع نیازمند است.

- الف) تعقل
 ب) منطق
 ج) رغبت
 د) تفکر

۶- هر چقدر موضوع..... باشد نیاز به تبیین و روشن نمودن واژه‌ها بیشتر احساس می‌شود.

- الف) فنی‌تر و پیچیده‌تر
 ب) به واقعیت نزدیک‌تر
 ج) ساده و بدیهی
 د) عینی‌تر

۷- امام خمینی نظر به..... را به عنوان الگویی بدیل برای نظام سیاسی ایران ارائه کرد.

- الف) ولایت فقیه
 ب) اخلاق سیاسی
 ج) آینده‌نگری
 د) آرمان‌خواهی

۸- هدف و فایده اندیشه سیاسی کدام گزینه است؟

- الف) کارآمد کردن حکومت و اداره بهتر جامعه
 ب) بهبود رابطه مردم و حکومت‌ها
 ج) کارآمد کردن حکومت‌ها
 د) همه موارد

۹- این تعریف از کدام‌یک از نویسندگان است؟ «اندیشه‌های سیاسی در حول علایق عمده اجتماعی شکل می‌گیرد و خود بر آنها تأثیر می‌گذارد و برای دریافت درست آنها باید دیالکتیک اندیشه و واقعیت را بررسی کرد.

- الف) نجف لک‌زایی
 ب) حسین بشیریه
 ج) اشتراوس
 د) ابوالقاسم طاهری

۱۰- هدف اندیشه سیاسی از نظر اشتراوس چیست؟

الف) کوششی بود عملی برای پیدا کردن راه‌حلی در جهت بالابردن کارآمدی، تنظیم، عملکرد جنجال‌گریز، و اداره بهتر مدینه
 ب) اندیشه‌های سیاسی در حول علایق عمده اجتماعی شکل می‌گیرد و خود بر آنها تأثیر می‌گذارد و برای دریافت درست آنها باید دیالکتیک اندیشه و واقعیت را بررسی کرد.

ج) فرایندی رمزی و درونی است که منجر به یک حوزه شناختی می‌گردد که نظام شناختی شخص متفکر را تغییر می‌دهد
 د) هیچ کدام

۱۱- چه کسی رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌داند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود؟

الف) لوی اشتراوس
 ب) حسین بشیریه
 ج) اشتراوس
 د) نجف لک‌زایی

۱۲- چرا این تعریف از اندیشه سیاسی درست نیست؟

اندیشه سیاسی محصول و دستاورد اندیشه و تفکر بشر در حوزه مسایل سیاسی است؟

الف) زیرا به مسائل سیاسی نظر ندارد
 ب) زیرا جامع و مانع نیست
 ج) زیرا خروجی آن واقعیت‌پسند ندارد
 د) هیچ کدام

۱۳- انسان موجودی مدنی بالطبع است یعنی طبیعتش اجتماعی زیستن است و چون دارای قدرت تفکر و تعقل است روابط اجتماعی‌اش در یک تعامل عقلانی شکل می‌گیرد این نکته سرچشمه پیدایش است.

الف) جامعه سیاسی
 ب) اخلاق سیاسی
 ج) رای سیاسی
 د) رفتار سیاسی

۱۴- نخستین فعالیت از فعالیت‌های امام، قبل از پیروزی انقلاب چه بود؟

الف) درخواست از حکومت برای اجرای احکام دینی بود
 ب) مقابله با کاپیتولاسیون
 ج) مقابله با تحریم تنباکو
 د) هیچ کدام

۱۵- منظور از اینکه اندیشه سیاسی خصلت «تراکمی» دارد، چیست؟

الف) یعنی اندیشه‌های سیاسی امری ثابت است.
 ب) یعنی اندیشه‌های سیاسی به توجه به شرایط زمان و مکان، دچار دگرگونی، تغییر و تحول شده
 ج) یعنی اینکه اندیشه‌ها بر روی هم تجمیع می‌شوند.
 د) هیچ کدام

سؤال‌های تشریحی

۱- معنای لغوی و اصطلاحی اندیشه را بنویسید.

۲- اندیشه سیاسی را تعریف کنید.

۳- موضوع اندیشه سیاسی چیست؟

۴- سیر تحول اندیشه سیاسی را تشریح کنید.

۵- مراحل اندیشه سیاسی را برشمرد.

فصل دوم- تمایز اندیشه سیاسی امام از سایر وجوه اندیشه‌های ایشان

هدف کلی

آشنایی و افزایش دانش فراگیران با اندیشه سیاسی امام و تمایز ساختن آن از سایر وجوه اندیشه‌های امام خمینی

اهداف رفتاری

پس از مطالعه این فصل از فراگیران انتظار می‌رود که:

- ویژگی‌های اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) را نام ببرند.
- خاستگاه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) را نام ببرند.
- الگوی نظری اندیشه سیاسی امام را با سایر اندیشمندان مقایسه کنند.

خاستگاه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

خاستگاه اندیشه و سیره سیاسی امام، اصول ارزشمند و مستحکمی بود که انبیاء الهی و امامان معصوم (ع) از آن بهره برده بودند اصولی همچون جهان‌بینی توحیدی، وحی الهی، اعتقاد به رستاخیز، عالم غیب، عدالت، اجتهاد، پیوند دین و سیاست، عقلانیت دینی، مصلحت، توجه به مقتضیات زمان و مکان و دیگر مؤلفه‌هایی که یک شخصیت الهی و یک فقیه و اندیشمند سیاسی برای هدایت مردم به آن نیازمند است. ایشان چون مطیع محض سنت و سیره معصومین (ع) بود اندیشه سیاسی خود را بر پایه افکار، گفتار و رفتار این بزرگواران بنا نهاده بود.

در مجموع در اندیشه امام «دین» به معنای حقیقی و اصلی خود خاستگاه و منشأ نظام سیاسی اسلام است و لذا ایشان کلیه برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، مباحث و رفتار سیاسی خود را بر مبنای قوانین و احکام دین پایه‌ریزی نموده بود. و دین را به عنوان برنامه‌ای جامع و کامل برای اداره انسان، در همه‌ی اعصار و قرون می‌دانست و بر همین اساس نظریه تشکیل حکومت اسلامی بر اساس اصل متری ولایت مطلقه فقیه را مطرح فرمودند. با تأمل در اندیشه‌های سیاسی امام می‌توان به دین‌مداری ایشان در همه حوزه‌های معرفتی و فقهی و غیر فقهی جهت‌گیری‌ها، رویکردها و گفتار و رفتار ایشان پی برد. در خواستگاه اندیشه سیاسی امام (ره) برخی نقش کلیدی داشته و از اصول و مبانی به حساب می‌آیند و از درجه اهمیت بیشتری برخوردارند، محور و زیربنای سایر موارد هستند.

۱- مبانی قرآنی در اندیشه سیاسی امام

امام برای همه حرکت‌ها و خط‌مشی‌ها و نظریه‌های سیاسی خود، قرآن را محور قرار داده بود. امام قرآن را علاوه بر آنکه یک کتاب جامع دینی معنوی و تربیتی برای هدایت انسان می‌دانستند یک کتاب کامل حکومتی قلمداد می‌کردند و قرآن را در بر دارنده تعالیم حکومتداری، قانونمندی و مدیریت سیاسی، اقتصادی جامعه دانسته که شایستگی این را دارد که سیاستمداران در مدیریت سیاسی خود این کتاب شریف را نصب العین خود قرار دهند. امام همواره تأکید داشتند که نسبت اجتماعات آیات قرآن بیشتر از جنبه عبادی

آن است. [۱]

و بنابراین معتقدند نفی حکومت دینی به معنای نفی حقیقت دین است و می‌گویند «هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.» [۲]

قرآن یکی از اهداف بعثت انبیای الهی را برقراری عدالت اجتماعی معرفی نموده و تأکید می‌کند که این امر میسر نمی‌شود مگر از طریق اجرای قوانین و احکام الهی و تشکیل حکومت اسلامی که موجبات رشد و تعالی و سعادت فردی و اجتماعی را فراهم می‌نماید.

۲- خدامحوری در اندیشه و رفتار سیاسی امام

توحید و خداشناسی یکی از خاستگاه‌های اصلی و اساسی در اندیشه و سیره سیاسی امام (ره) به‌شمار می‌رود که به‌عنوان ریشه و اصل همه اعتقادات ایشان در ابعاد معرفتی، اندیشه‌ورزی و مدیریتی محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر توحیدمداری، اساس رهبری امام در مدیریت نظام است. توحیدمداری امام بر مبانی «هستی‌شناسی» و «انسان‌شناسی» ایشان استوار است؛ نوع نگاه ایشان به هستی و معرفت توحیدی به جهان هستی باعث شده بود که کار ایشان صبغه و رنگ الهی به خود بگیرد و در حقیقت عامل اصلی موفقیت امام در زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی‌اش را می‌توان خدامحوری و اطاعت محض از فرامین الهی و تنها برای خدا کار کردن او دانست. امام به کرات موفقیت‌ها را حاصل لطف و قدرت باری تعالی می‌دانست. و همواره دیگران را نیز به خدامحوری و اتکا به خدا توصیه می‌فرمودند:

«من از همه ملت خودم و از همه شما و از همه ملت‌های مسلمان می‌خواهم که اتکال به خدا بکنید، در همه کارها اتکال به خدا بکنید. قدرت‌ها در مقابل قدرت خدا هیچ است. قوه‌ها در مقابل قوه الهی نابود است، اتکال به خدا بکنید، غلبه به هر چیز می‌کنید. پیغمبر اسلام با آنکه یک نفر بود، در مقابل همه دشمن‌ها با اتکال به خدا غلبه کرد، بر همه. . . برای اینکه اتکال به خدا بود، جبرئیل امین پشت سرش بود. شما هم اتکال به خدا کنید تا جبرئیل امین پشت سر شما و با شما همراه باشد.» [۳]

«اگر ما یک روزی اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت.» [۴]

خدامحوری ایشان باعث شد که از هیچ قدرتی نهراسد و با استبداد و استعمار مبارزه نماید و پیام ستکبارستیزی را به گوش جهانیان رساند، و چون این پیام از عمق جان و قلب خدامحور ایشان نشأت می‌گرفت افکار اندیشه‌ها را به خود معطوف ساخت. خدامحوری ایشان دارای شاخصه‌هایی است که یکی از مهم‌ترین آنها تکلیف‌گرایی است.

شاخص‌های خدامحوری در رهبری امام

۱- تکلیف‌گرایی یا عمل به تکلیف، ۲- مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم، ۳- اخلاص در عمل.

۱- تکلیف‌گرایی

تکلیف یکی از مفاهیم مهم دینی است. معنای لغوی آن یعنی امر کردن به انجام کاری که انجام دادنش برای کسی که به او امر شده سختی و مشقت دارد. [۵] و در اصطلاح، اوامر و نواهی خداوند به بندگانش است در جهت انجام دادن یا ندادن بعضی افعال. گرچه واژه تکلیف در قرآن به کار نرفته، اما روح تعالیم قرآن کریم تکلیف‌گرایی است. یعنی انسان باید در هر شرایطی وظیفه الهی خود را انجام دهد و انسان مؤمن با عمل به تکلیف الهی خود قطعاً پیروز حقیقی است، چه ظاهراً به پیروزی برسد یا نرسد. امام خمینی (ره) با پیروی از تعالیم حیات بخش قرآن در این باره می‌فرمایند: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور

به نتیجه» همچنین می‌فرمایند: ما نباید نگران باشیم که مبدا شکست بخوریم. باید نگران باشیم که مبدا به تکلیف عمل نکنیم. نگرانی ما از خود ماست.

تکلیف‌گرایی نیاز به بینش و بصیرت و قدرت تشخیص و ایمان قوی دارد زیرا در مواقعه‌ای ممکن است انسان تضادی بین ادای تکلیف و رسیدن به نتیجه ببیند و امام خمینی به تأسی از ائمه علیهم السلام که تمام زندگی آنها بر پایه تکلیف‌گرایی بوده چون هم از ایمان قوی و هم از بصیرت و بینش و قدرت تشخیص برخوردار بودند به‌درستی قادر به شناخت تکلیف خودشان بودند. نکته قابل تذکر در اینجا این است که تکلیف‌گرایی به معنای نفی نتایج مورد نظر و بی‌اعتنایی به تدارک تمهیدات برای دستیابی به نتیجه نیست.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند، بر خلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ و آلاً تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج معینی بودند، مگر می‌شود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می‌کند، اگر یک وقتی هم به نتیجه مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمی‌کند... این که تصور کنیم تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست.» [۶]

در اندیشه امام خمینی (ره) تکلیف‌گرایی دارای فوایدی است از جمله اینکه می‌تواند نگاهی عمیق و بلند به شخص داده و ظرفیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فرد و جامعه را در برخورد با مسائل و مشکلات بالا ببرد.

با بررسی سیره عملی امام خمینی (ره) به این نتیجه می‌رسیم که ایشان با عمل به تکلیف الهی به‌عنوان یکی از مبانی نظری‌شان توانست بر عقلانیت ابزاری دنیای مدرن حاکم بر جهان سلطه غلبه و نظام جمهوری اسلامی را مستقر کند. و به همگان چه کوتاه فکran داخلی و چه استکبار جهانی ثابت نمود که عمل به تکلیف الهی پیروزی نهایی را به معنای واقعی خود به دنبال دارد.

البته امام خمینی (ره)، تکالیف الهی را لطفی از الطاف خداوند برای انسان می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند: «تمام تکالیف الهیه، الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است، همه‌اش الطاف است...» [۷]

مصادیق تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام خمینی (ره)

تکلیف‌گرایی امام خمینی تنها منحصر در امور فردی نبود بلکه در امور مختلفی اعم از فردی، سیاسی، فکری فرهنگی نیز مصداق داشت به‌عنوان نمونه در زمینه تکلیف‌گرایی سیاسی، اجتماعی می‌توان به قیام در برابر ستم ستمگران چه ستمگران داخلی و چه قدرت‌های خارجی و عدم سکوت در برابر آنان، مقابله با نقشه‌های پلید رضاخان و... اشاره کرد. و در زمینه تکلیف‌گرایی فرهنگی می‌توان به مبارزه با تفکر جدایی دین از سیاست، نوع نگاه و تکلیف امام (ره) در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مبارزه با ملی‌گرایی، غربزدگی، تحجّر، مبارزه با افکار انحرافی، صدور احکام اسلام به تمام جهان اشاره کرد. و در اینجا به جهت اختصار و با توجه به موضوع درسنامه تنها به ذکر یک مورد از مصادیق تکلیف‌گرایی سیاسی یعنی قیام در برابر قدرت‌های خارجی خصوصاً در برابر برنامه‌های آمریکا در ایران بسنده می‌کنیم.

امام خمینی به سبب همان ادای تکلیف الهی و تکلیف‌گرایی که از اصول نظری اندیشه ایشان بود بدون ترس و واهمه از رژیم ستم شاهی با برنامه‌های آمریکایی شاه مانند لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، اصول ششگانه اصلاحات آمریکایی و تصویب قانون کاپیتولاسیون یا حق مصونیت مستشاران آمریکایی در ایران به مبارزه برخاست و بیانی‌های معروف خود را در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ با عنوان «شاه دوستی یعنی غارتگری» منتشر کرد که باعث خشم رژیم از ایشان شد. امام (ره) در آن بیانیه

تأکید کرده بود که: «... من اکنون قلب خود را بر سر نیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد.» [۸]

که نهایتاً این بیانیه و سخنرانی ایشان در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ در روز عاشورای حسینی، به دستگیری و زندانی شدن امام (ره) و متعاقب آن نقطه عطف انقلاب ملت ایران یعنی قیام تاریخی ۱۵ خرداد اتفاق افتاد. [۹]

۲- مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم

یکی از شاخصه‌های خدامحوری مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم است. برخی در مسیر زندگی شخصی خود رضایت خلق را بر رضایت خداوند مقدم می‌دارند و روابط عمیق با دوستان، اقوام، خویشان و همفکران باعث می‌شود که آنان آگاهانه یا ناآگاهانه رضایت و خوشنودی این دسته را بر رضایت و خوشنودی خداوند مقدم داشته و روابط دوستانه را بر مقررات الهی مقدم دارند امام خمینی (ره) همواره در زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی خود رضایت و خوشنودی خدا را بر رضایت و خوشنودی مردم خصوصاً دوستان و وابستگان خویش مقدم می‌داشتند؛ موارد زیادی اتفاق می‌افتاد که امام بین رضایت دوستان، اقوام، خویشان و همفکران و رضایت خداوند، با صراحت و قاطعیت رضایت خداوند را مقدم و ترجیح می‌دادند و در پاسخ درخواست‌های نامعقول آنان می‌فرمودند:

«با تمام ارادتی که به شما دارم نمی‌توانم رضایت خلق را بر رضایت خالق مقدم بدارم، نمی‌توانم خوشنودی شما را بر خوشنودی خدا مقدم کنم و نمی‌توانم روابط را بر مقررات الهی مقدم بدارم؛ بنابراین باید حکم اجرا شود.» [۱۰] و در مورد دیگری فرمودند: «والله اگر احمد دچار کوچک‌ترین انحرافی باشد و حکمش مرگ باشد، من شخصاً او را خواهم کشت.» [۱۱]

۳- اخلاص در عمل

یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن و رهیافته و ارزشمندترین سرمایه وجودی‌شان بنابر آیه صریح قرآن اخلاص در اندیشه و عمل است که خداوند پاداش اخلاص آنان را این قرار داده که به راههای خود هدایتشان می‌نماید و خداوند با نیکوکاران است. «الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين؛ (عنکبوت ۶۲)

آنها که در راه ما خالصانه تلاش می‌کنند، قطعاً به راههای خود (در راهیابی به کمال)، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.» امام خمینی که خود شاگرد راستین مکتب قرآن بود نمونه‌ی بارز این آیه شریفه بود و همواره در طول زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی‌شان اخلاص را سرلوحه زندگی خود قرار داده و همین امر باعث شد که از طرفی خداوند به وعده خویش عمل نموده و او را بر همه‌ی مشکلات و سختی‌ها پیروز و به سوی هدف والایش هدایتش نمود و از طرفی دوستداران و پیروانش ایشان را به عنوان یک رهبر الهی با اخلاص در مبارزات خود در قلبشان جای دادند. و به وسیله همین سرمایه هدایت و پشتیبانی الهی و توده عظیم مردمی توانست بزرگترین رخداد سیاسی، مذهبی و فرهنگی قرن را رقم بزند. امام خمینی با توجه به تعریف زیبایی که امام صادق (ع) در مورد اخلاص دارند می‌فرمایند: عمل خالص [آن است] که نخواهی کسی جز خدا مدح و ثنای تو را گوید و نیت برتر از عمل است.» [۱۲]

ایشان ریا را وانمود کردن به انجام خوبی‌ها و اعمال پسندیده به مردم، برای اینکه نزد آنها منزلتی پیدا کنی تعریف می‌نمایند که قطعاً این عمل بدون قصد صحیح الهی انجام می‌گیرد.

امام خمینی (ره) به عواقب شوم ریا نظیر افتادن در ورطه‌ی شرک و نفاق و کفر و همچنین سرافکنندگی در پیشگاه با عظمت عدل ربوبی، بندگان صالح خدا، انبیای عظام و ملائکه مقربین اشاره می‌کنند و از رسوایی بزرگ انسان ریاکار در روز قیامت خبر می‌دهد. [۱۳]

امام خمینی برای اخلاص و دوری از ریا خیرات و برکاتی ذکر می‌کنند مانند اینکه قلب به تمام معنی کلمه، پاکیزه می‌شود و جمال و انوار الهی در وجود شخص مشهود، و وی آینه‌ی تمام‌نمای ذات و اسماء و صفات حضرت معبود می‌شود و به مقام مخلصین که بسیار مقامی والا و ارجمند است می‌رسد. و به تعبیر ایشان فرد با اخلاص «حجب نور» را پاره کرده و به «معدن عظمت» دست خواهد یافت. نظیر این عبارت نورانی از ایشان در کتاب چهل حدیث آمده که: «این قدر خیانت مکن بر این امانت الهی! پاک کن آینه قلب را تا نور جمال حق در او جلوه کند، و تو را از عالم و هر چه در اوست بی‌نیاز کند، و آتش محبت الهی در قلب افروخته شده تمام محبت‌ها را بسوزاند که همه عالم را به یک لحظه آن ندهی، و چنان لذتی ببری از یاد خدا و ذکر آن که تمام لذات حیوانی را بازیچه بدانی. اگر اهل این مقام هم نیستی و این معانی در نظرت عجیب می‌آید، نعمت‌های الهی را در عالم دیگر که قرآن مجید و اخبار معصومین از آنها اطلاع داده‌اند، از دست مده، به واسطه جلب قلوب مخلوق برای شهرت چند روزه موهوم، آن همه ثواب‌ها را ضایع مکن، از آن همه کرامات خود را محروم مکن، سعادت ابدی را به شقاوت همیشگی مفروش. [۱۴]

همچنین به نظر امام (ره) هر چه مرتبه اخلاص و حضور قلب، که دور رکن رکین عبادات است، کامل‌تر باشد، روح منفوخ در آن ظاهرتر و کمال سعادت آن بیشتر و صورت غیبیه ملکوتیه آن نورتر و کامل‌تر خواهد بود و معتقدند که کمال عمل اولیا (ع) به واسطه جهات باطنیه آن بوده و الا صورت عمل چندان مهم نیست.

امام خمینی معتقدند که مثلاً، ورود چندین آیه شریفه از سوره مبارکه «هل اتی» در مدح علی (ع) و اهل بیت طاهرینش (ع)، به واسطه چند قرص نان و ایثار آنها نبوده، بلکه برای جهات باطنیه و نورانیت صورت عمل بوده؛ چنانچه در آیه شریفه اشاره‌ای به آن داشته و می‌فرماید: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَأُتْرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَكَلَّا شُكُورًا» ما فقط برای وجه خدا (رضای خدا) شما را اطعام می‌کنیم و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. بلکه یک ضربت علی (ع) که افضل از عبادات ثقلین است نه به واسطه همان صورت دنیایی عمل بوده که کسی دیگر آن ضربت را زده بود باز افضل بود، گرچه به ملاحظه موقعیت مقابله کفر و اسلام خیلی انجام این عمل مهم بوده، که شاید شیرازه لشکر اسلام از هم پاشیده می‌شد، ولی عمده فضیلت و کمال عمل آن حضرت به واسطه حقیقت خلوص و حضور قلب آن حضرت در انجام این وظیفه الهیه بوده است. [۱۵]

مطالعه در شکل‌گیری باورها و کنش‌های سیاسی انسان‌ها، گروه‌ها و جامعه‌ها نشان می‌دهد که معمول این فرایندها در جهان معاصر تحت تأثیر یکی از چند عامل زیر بوده است:

- منافع، تمایلات و فزون‌طلبی‌های شخصی
- منافع و مصالح مادی مشترک گروهی.
- احساسات نژادی و ملی.

- عواطف انسانی و دفاع از مرزهای حریت، استقلال و عدالت.

در این میان چه‌بسا چهارمین عامل یاد شده، انسانی‌ترین عامل باشد که ریشه در ماهیت فراحوانی انسان دارد، ولی سه عامل پیشین گرچه همیشه ضد انسانی نیستند، می‌توانند نمودهای مثبت و قابل تکریمی را پدید آورند، اما اساساً مخصوص انسان نیستند، بلکه می‌توان شاهد تأثیرگذاری عوامل همسان آنها در حرکت‌های دفاعی و تهاجمی جانداران بود.

پوشیده نیست که هر یک از عوامل چهارگانه یاد شده، زمانی عامل یک حرکت یا باور و نظریه سیاسی به‌شمار می‌آیند که در قلمرو مسائل اجتماعی و نظم و مدیریت جمعی و حکومتی به کار گرفته شوند به هر حال زمانی که مبانی پیدایش یک نظریه یا یک کنش سیاسی یکی از عوامل یاد شده باشد، به‌طور معمول به نوعی اقتدار و سلطه منفی می‌انجامد که برای اصلاح آن نیاز به اقدامی دیگر است و در بیشتر موارد، تضمینی برای استفاده صحیح و انسانی از این عوامل نیست.

تدبیری که در نظام تفکر دینی و اندیشه قرآنی برای حل این مشکل پیش بینی شده این است که برای تنظیم، تصحیح و مهار این عوامل طبیعی، عامل و مبنایی را قبل از آنها و مشرف بر آنها طراحی کرده است و آن عبارت است از مبنای (خدامحوری). تاریخ، نمونه‌های بسیاری را در خاطر دارد که افراد یا گروه‌هایی با انگیزه مبارزه با استعمار، استبداد و یا انگیزه عواطف انسانی به اقدامات سیاسی روی آورده‌اند ولی در نهایت خود به استبدادی دیگر بدل شده‌اند! و به فرموده امام:

در عالم، نهضت‌های زیادی واقع شده است و انقلاب‌های بسیار، لکن اکثر نهضتی بوده است که از یک ظالمی بر ضد ظالم دیگر، از یک ستمکاری برای ستمکار دیگر... یک رژیم ظالمی می‌آمده است و رژیم ظالم دیگر را از بین می‌برده است و خودش جایگزین آن می‌شده است و به ظلم ادامه می‌داده است. آن دستوری که قرآن مجید در چند کلمه فرموده‌اند برای نهضت، که کیفیت نهضت باید چه باشد، آن، این آیه شریفه است که می‌فرماید: (انما أعظمکم بواحدة) سبأ/۴۶

خطاب می‌فرماید به رسول خدا که بگویند به امت که من یک موعظه فقط دارم و آن این است که قیام بکنید برای خدا اگر یک نفر هستیید برای خدا قیام کنید، اگر جمع هستیید برای خدا قیام کنید، قیام برای خدا در مقابل تمام قیام‌هایی که طاغوتی است، و اگر برای خدا نشد شیطانی است، طاغوت است و الله. قیام هم یا برای خداست یا برای غیر خدا. آن قیام، قیام طاغوتی است؛ غلبه ظالمی بر ظالم دیگر، غلبه چپاولگری بر چپاولگری دیگر و قیامی که خدای تبارک و تعالی دستور می‌فرماید قیام لله است.

۳- طاغوت‌ستیزی و سلطه‌گریزی

در واقع می‌توان گفت که (خدامحوری) در همه رفتارها و اندیشه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انسان مجال طرح دارد، ولی زمانی که خدامحوری را در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی و مدیریت‌های گروهی مورد توجه قرار می‌دهیم، به‌طور طبیعی از آن، طاغوت‌ستیزی، تولد می‌یابد. چرا که طاغوت یعنی تجاوزگر، یعنی هر فرد یا گروهی که خدا و قانون خدا را نادیده گرفته است و خود را در جایگاه خدا و بیرون از قوانین الهی بر جان و مال و حیثیت و اندیشه و فرهنگ مردم سلطه داده است. پذیرش چنین سلطه‌ای چه در شکل فیزیکی آن و چه در حوزه ناپیدا و نامحسوس فکری و اقتصادی آن، چیزی است که با خدامحوری ناسازگار می‌باشد.

امام در تبیین طرح طغیان‌ستیزی و طاغوت‌شکنی قرآن به آیاتی چند استناد کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

- قصص/۵ (و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثین) (اراده خداوند تعالی بر آن است که با رهبری حکیمانانه انبیاء عظام و وارثان آنان مستضعفین را از قید حکومت طاغوت آزاد و سرنوشت آنان را به دست خودشان بسپارد.)

- (الم تر الی الذین یزعمون أنهم آمنوا بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا ان یکفروا به) نساء/۶۰

اگر نگوییم منظور از طاغوت، حکومت‌های جور و قدرت‌های ناروای حکومتی به‌طور کلی است که در مقابل حکومت الهی طغیان کرده و حکومت و سلطنت بر پا داشته‌اند؛ باید قائل شویم که اعم از قضاوت و حکام است، چون رجوع برای دادرسی و احقاق حقوق و کیفر متعددی غالباً با مراجعه به مقامات قضایی انجام می‌گیرد و باز حکم قضایی را مجریان - که معمولاً آنها را حکومت‌کننده می‌شناسند - اجرا می‌کنند، حکومت‌های جور، چه قضاوت و چه مجریان و چه اصناف دیگر آنها طاغوت‌اند، چون در برابر حکم خدا سرکشی و طغیان کرده، قوانینی به دلخواه وضع کرده، به اجرای آن و قضاوت طبق آن پرداخته‌اند. خداوند امر فرموده که به آنها کافر شوید یعنی در برابر آنها و اوامر و احکام شان عصیان بورزید. بدیهی است کسانی که می‌خواهند به طاغوت

کافر شوند یعنی در برابر قدرت‌های حاکم ناروا، سربه نافرمانی بردارند، وظایف سنگینی خواهند داشت که بایستی به قدر توانایی و امکان در انجام آن بکوشند.

امام در سخنان خود تصریح دارد که فلسفه تکرار سرگذشت موسی و فرعون در قرآن، نهادینه کردن مبارزه با استکبار و طاغوت در تفکر دینی و باور مسلمانان است. شرع و حق، حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند، دلایل این کار واضح است، چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن احکام نظام سیاسی اسلام است.

همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز است - چون حاکمش طاغوت است - و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های نارواست، شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینیم، این همان فساد (فی الأرض) است که باید از بین برود و مسبب آن به سزای اعمال خود برسند، این همان فساد است که فرعون با سیاست خود در کشور مصر به وجود آورد (و انه كان من المفسدين) (قصص/۴). در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مؤمن و متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند و رفتار صالحش باقی بماند.

می‌توان ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی را با مراجعه به آثار مکتوب و شفاهی ایشان شناخت.

ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

۱- رابطه و پیوند دین و سیاست

یکی از مفاهیم مهم و محوری در اندیشه امام پیوند دین و سیاست و عجین شدن این دو با یکدیگر و ظهور و حضور «دین» در امور «اجتماعی و سیاسی» است.

ایشان عقیده دارند که دین تنها در معنویات ظهور پیدا نمی‌کند، بلکه دین مجموعه‌ای از قوانین فردی و اجتماعی است که مسائل سیاسی آن از مسائل عبادی بیشتر است، به شکلی که می‌توان سنگ بنای اساسی اندیشه سیاسی امام را در این موضوع جستجو کرد. اعتقاد ایشان به امور معنوی همچون اراده تشریحی و تکوینی خداوند در طول دوران مبارزات سیاسی در کنار ذکاوت سیاسی، از ایشان اندیشمندی تمام عیار ساخته بود.

پیوند دین و سیاست به‌عنوان نظریه‌ای که امام خمینی (ره) مبدع آن بود پیامدهای زیادی را در پی داشته که یکی از این پیامدها، تحرک و پویایی دین است. اگر دین با سیاست عجین باشد و در تمام صحنه‌های زندگی بشر حضور داشته باشد همیشه پویا و زنده است. اما اگر دین را مجموعه قوانین فردی و عبادی بدانیم، پویایی و بالندگی خود را از دست داده و دچار نقص و رکود و خمودگی و انزوا خواهد شد. پیامد دیگر آن؛ پیوند رهبری دینی و رهبری سیاسی و اثبات ولایت فقیه است. امام خمینی فقیه را رهبر سیاسی جامعه می‌داند و معتقدند که همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم است. [۱۶-۱۷]

امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «رسول خدا (ص) پایه سیاست را در دیانت گذاشته است. رسول الله تشکیل حکومت داده است و تشکیل مراکز سیاست داده است سایر خلفاء اسلام همچنین تشکیل حکومت داده تا آنجایی که به انحراف کشیده نشده بود.»

بنای انبیاء و اهل بیت این نبوده است که از مردم کناره‌گیری کنند، آنان با مردم بودند هر وقت دستشان می‌رسید حکومت را می‌گرفتند.

امام خمینی در همان ابتدای مبارزات خویش بر ضرورت رابطه دین و سیاست تأکید نموده‌اند. و همواره خطر جدایی دین از سیاست را به‌عنوان یکی از افکار خطرناکی که از صدر اسلام توسط بنی‌امیه آغاز و در زمان بنی‌عباس قوت گرفت. سپس از طرف استعمارگران ترویج شده است گوشزد می‌نمودند. و با این تفکر مقابله می‌کردند. ایشان با ارائه دلایل عقلی و نقلی اثبات کرده که دین اسلام دین سیاسی و اجتماعی است و احکامش منحصر به عبادات نیست بلکه اکثر احکامش مربوط به سیاست و اداره کشور و تنظیم امور اجتماع و تأمین سعادت دنیا و آخرت مردم است. بنابراین، وجود حکومتی دینی سیاسی برای جوامع بشری ضروری است. در دیدگاه کسانی که قائل به جدایی دین از سیاست هستند -آنگونه که امام خمینی (ره) حکایت می‌کنند- اگر کسی دم از حکومت اسلامی برآورد و از سیاست سخن بگوید، گویی بزرگ‌ترین معصیت را مرتکب شده است و «آخوند سیاسی» در نظر اینان هم معنای «آخوند بی‌دین» است. [۱۸] ایشان همچنین می‌گویند: «اسلام دین سیاست است با تمام شئونی که سیاست دارد. این نکته برای هر کس که کمترین تدبیری در احکام حکومتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام بکند آشکار می‌گردد.» [۱۹]

۲- پاسداری از ارزش‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پاسداری از ارزش‌هاست قبل از اینکه به بررسی عملکرد امام در خصوص پاسداری از ارزش‌ها پردازیم ابتدا به تعریف واژه ارزش می‌پردازیم.

معنای لغوی ارزش

در تعریف لغوی ارزش می‌توان گفت «هر آنچه که مفید، خواستنی یا تحسین‌کردنی است برای شخص یا گروه و برای آنها دارای ارزش است.» [۲۰] در واقع می‌توان گفت که ارزش از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است. برای همین ارزش‌ها معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می‌دهد» [۲۱]

معنای اصطلاحی ارزش

اصولاً انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه که خوب یا بد، مناسب یا غیر مناسب و ضروری و یا غیر ضروری است داشته‌اند. به این گونه ایده‌ها ارزش گفته می‌شود و هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، سازماندهی می‌شوند یک نظام ارزشی را پدید می‌آورند. [۲۲]

پس؛ ارزش‌ها، نظام‌های نمادهایی که در قالب ایده‌های انتزاعی اخلاقی مربوط به خوب و بد، مناسب و نامناسب، درست و نادرست سازماندهی شده‌اند [۲۳] می‌باشد ارزش‌ها به دلیل عام بودن و انتزاعی بودن وضعیت‌های گوناگون را فرا می‌گیرند، بدین معنا، ارزش‌ها «آنقدر کلی‌اند که قابلیت به کارگیری در موقعیت‌های بسیار متفاوتی را دارند.» [۲۴]

تقسیم‌بندی ارزش‌ها

ارزش‌ها چون مفاهیمی عام و انتزاعی هستند از جهت‌های مختلف آنها را تقسیم‌بندی نموده‌اند. در یک تقسیم‌بندی به ارزش‌های دینی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی تقسیم شده و در یک تقسیم‌بندی دیگری به ارزش‌های حقوقی، ذهنی، عینی که جزئی از ارزش‌های اخلاقی محسوب می‌شوند تقسیم کرده‌اند. برخی دیگر ارزش‌ها را به ارزش‌های

غایی و ارزش‌های ابزاری و یا ارزش‌های عام، نسبی و یا ارزش‌های مطلق، نسبی، سببی و ایجابی تقسیم می‌کنند. امام خمینی (ره) ارزش‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: الف) ارزش‌های الهی، ب) ارزش‌های مادی.

ارزش‌ها به سبب اهمیتی که در جامعه دارند باید پاس داشته شوند و اگر پاسداشت آنها توسط نخبگان و رهبران سیاسی باشد به قوام و مانایی ارزش‌ها بیشتر کمک می‌کند. البته راه و روش نخبگان و رهبران سیاسی در حفظ ارزش‌ها ممکن است متفاوت باشد از نظر امام خمینی (ره) راههایی که باعث حفظ ارزش‌ها می‌شود عبارتند از: ۱- توجه و پاسداشت فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، ۲- دومین راه حفظ ارزش‌ها تمسک به روحانیت راستین و مبارز است. زیرا آنان به آرمان‌ها و ارزش‌های ملت خود خیانت نکرده و مدافع ارزش‌های اسلامی بوده‌اند، ۳- سومین راه حفظ ارزش‌ها از دیدگاه امام ساده‌زیستی و دوری جستن از تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی، ۴- چهارمین راه پاسداشت ارزش‌ها خودباوری و بازگشت به خویشتن است، ۵- پنجمین راه حفظ ارزش‌ها از دیدگاه حضرت امام مسأله ولایت فقیه است. ولایت فقیه در کانون تفکر سیاسی امام خمینی قرار دارد. از نظر ایشان، «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنا که هر کس عقاید و احکام اسلام را، حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت»؛ اما شاید بتوان مهم‌ترین توصیه امام خمینی را در پاسداری از این ارزش در کلام معروف وی بدانیم که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به این مملکت نرسد»

۳- عدالت

یکی از ویژگی‌های فطری و خدادادی و از ضروریات اولیه حیات اجتماعی انسان عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی آنها می‌باشد. به طوری که همه اندیشمندان سیاسی و انقلابیون حقیقی مبنای انقلاب و تحول تاریخی خود را به منظور نیل به عدالت قرار داده‌اند. عدالت واژه‌ای مقدس است که همه جوامع برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. فواید زیادی را برای اجرای عدالت می‌توان برشمرد از جمله اینکه عدالت عاملی است برای رشد و تعالی و رفاه و امنیت فرد و جامعه همچنین می‌تواند باعث وحدت‌آفرینی و یکپارچگی در جامعه شود. فضیلت و استقامت و اعتدال ارمان جامعه‌ای است که عدالت در آن وجود داشته باشد.

عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) است که ایشان در سیره نظری و مواضع عملی خود، از آن استفاده و برای تحقق قسط و عدالت در جامعه تلاش می‌نمودند و چه در برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌های حکومتی و در قانون‌گذاری‌ها، و چه در اجرا و در قضا برای رسیدن به هدف متعالی خود از آن استفاده می‌کردند. امام خمینی حکومت را ابزاری برای تحقق عدالت و معنویت در جامعه می‌داند، زیرا اگر عدل در جامعه حاکم شود انسان در مسیر رشد و سعادت حرکت می‌کند، اما اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد خبری از رشد و تعالی و سعادت نیست. و در این خصوص می‌فرمایند: «عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم... یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد؛ اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد؛ اسلامی که در آن شخص اول با آن فرد آخر، همه علی‌السواء در مقابل قانون باشند». در جای دیگر می‌فرمایند: «حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی، همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود»

ایشان با اشاره به اینکه یکی از اهداف بعثت همه انبیای الهی طبق آیه صریح قرآن، برقراری قسط و عدل می‌باشد یکی از مهم‌ترین اهداف نظام سیاسی و حکومتی جمهوری اسلامی را تحقق قسط و عدالت در جامعه بیان می‌کند و در این باره می‌فرمایند: «خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم... که مردم قیام به قسط کنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد» و این سخن امام اشاره به این آیه دارد که می‌فرماید:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزل معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس...»

۴- آزادی

یکی از موهبت‌های الهی برای بشر آزادی است. پیامبران الهی از آدم تا خاتم‌الانبیاء آمده‌اند تا انسان را از قیود بندگی و بردگی درون مانند هواهای نفسانی بندگی طاغوت‌های بیرونی برهاند. قرآن یکی از علل انحطاط مسلمین در بعضی از اعصار و قرون را بردگی و عدم آزادی ذکر می‌کند. در اسلام به آزادی عقیده تأکید شده است، زیرا از یک سو انتخاب عقیده در فضای آزاد و به دور از اجبار و اکراه، امکان‌پذیر است و از سوی دیگر، نمایاندن اندیشه منطقی و عرضه برهان قوی، در فضای آزاد و هنگام وجود آزادی بیان میسر است. امام خمینی (ره) آزادی را از مفاهیم بدیهی می‌داند که نیازی به تعریف ندارد، لذا ایشان فرمودند: «آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامش نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامتان نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی، آزادی یک چیز واضحی است.» [۲۵]

امام خمینی (ره) آزادی را از حقوق ابتدایی بشری دانند البته نه به عنوان یک شعار و ابزار سیاسی، بلکه به عنوان یک واقعیتی ضروری که از الطاف فطری خداوندی است که عطیه‌ای الهی برای نوع بشر است که آزاد باشد. و از نظر ایشان کسی نمی‌تواند ادعا کند که به مردم آزادی را عطا کرده زیرا آزادی یک یک موهبی الهی از جانب خداست و ایشان در این مورد می‌فرمایند:

«مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به تو چه که اعطا بکنی؟ تو چه کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم!» آزادی اعطایی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی - حقیقتاً - نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند.» [۲۶] همچنین فرمودند: «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند...» [۲۷]

از نظر امام خمینی منشأ دین و قانون عدالت است و عدالت مهم‌ترین علت تشریح احکام و قوانین است. و به همین دلیل از دیدگاه ایشان، اسلام به عنوان دینی که برنامه‌اش برای به سعادت رساندن انسان کفایت می‌کند نمی‌تواند از عدالت جدا باشد بلکه اساس و بنیان آن را عدل تشکیل می‌دهد.

امام به صورت بنیادین از انواع آزادی چه از آزادی‌های مدنی و اجتماعی و چه آزادی‌های خصوصی و فردی که شامل حوزه‌هایی؛ مانند عقیده، بیان، فکر، احزاب و مطبوعات می‌شود دفاع می‌کردند.

البته، امام برای آزادی خط قرمزهایی معین کرده و فرموده‌اند که آزادی‌ها بدون حد و مرز نخواهد بود. از نگاه امام حد این آزادی‌ها تا آنجا است که مصالح کشور را به خطر نیندازند. امام مرزهای آزادی را رعایت قوانین دینی و قوانین کشور که منبعث از اسلام است می‌دانستند و می‌گفتند در تمام دنیا و تمام کشورها میان آزادی و توطئه مرز وجود دارد.

۵- استقلال

یکی از شاخص‌های مهم در مکتب سیاسی امام (ره) و از ویژگی‌های اندیشه سیاسی ایشان استقلال در تمام زمینه‌ها، الف) استقلال اقتصادی، ب) استقلال هویتی - فرهنگی، ج) استقلال سیاسی است.

الف) استقلال اقتصادی

در زمینه استقلال اقتصادی امام خمینی (ره) در طول سال‌های مبارزه و روشنگری، بر وابستگی شدید مملکت به قدرت‌های بیگانه اشاره می‌کردند و با ذکر مفاسد و سوء تدبیرهای خاندان پهلوی و وابستگی روزافزونی که در پی ضعف‌های فراوان آنان رخ نموده بود نسبت به اسارت کشور در دست آن قدرت‌ها و به یغما رفتن منابع اصیل ثروت مردم واکنش نشان می‌دادند. از منظر امام خمینی (ره) ایران و ملت ایران می‌بایست با تکیه بر منابع طبیعی کشور و با باور به توانایی‌های خویش و یاری خدای بزرگ، خود را در تأمین نیازهای اساسی و ارزاق عمومی کشور به مرز خود کفایی برساند. از نگاه ایشان کشوری که در نیازهای اساسی و ارزاق عمومی‌اش وابسته به دیگران باشد خواسته یا ناخواسته به لحاظ سیاسی و فرهنگی نیز به اسارت آنها در خواهد آمد. امام بزرگوار می‌فرماید: «اگر چنانچه ما احتیاج داشته باشیم در ارزاق‌مان به خارج، این وابستگی برای ما اسباب این می‌شود که در امور سیاسی هم وابسته باشیم. و ما باید وابستگی‌مان را از اجانب و غرب و شرق قطع کنیم. اگر ما بخواهیم که مملکت‌مان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است، خودمان فعالیت کنیم، و ننشینیم دیگران انجام بدهند.» [۲۸]

ب) استقلال هویتی - فرهنگی

اگرچه وقتی سخن از استقلال به میان می‌آید ذهن شنونده پیش از هر چیز، به سراغ مفهوم بی‌نیازی اقتصادی می‌رود اما گستره مفهوم استقلال موضوعات دیگری نظیر استقلال هویتی - فرهنگی، سیاسی و نظامی را نیز شامل می‌شود که اگر به میزان استقلال اقتصادی مهم و اثرگذار نباشند از آن فاصله بسیاری هم ندارند.

امام خمینی (ره) از آغاز مبارزات بر این حقیقت پای می‌فشردند که از خودبیگانگی و مرعوب شدن در برابر تبلیغات پرطمطراق بیگانگان موجب نفی هویت جمعی می‌شود و مرعوب شدن در برابر فرهنگ وارداتی زمینه فقدان استقلال در موضوعات دیگر را نیز شامل می‌شود. از دیدگاه ایشان بزرگترین مؤلفه‌ای که می‌تواند جامعه‌ای بزرگ از انسان‌ها را با هویتی واحد گرد هم آورد و تمایزات موهوم میان آنان را شکسته و نابود سازد، مؤلفه باور و اعتقادات دینی است. تعالیم اسلامی از سویی مرزهای مختلف سیاسی، نژادی و زبانی را در می‌نوردد و از آنها فراتر می‌رود و از سوی دیگر، افزون بر اتصال به وحی الهی دارای تاریخی روشن و پر افتخار است که توجه به آن می‌تواند هویت فردی و جمعی جوامع مسلمان را به بهترین شکل تأمین و تعریف کند. امام راحل می‌فرماید: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست.» [۲۹]

ج) استقلال سیاسی

استقلال سیاسی رکن رکن استقلال در همه ابعاد آن می‌باشد به گونه‌ای که استقلال اقتصادی یا فرهنگی نیز بدون استقلال سیاسی امری امکان‌ناپذیر می‌باشد و اساساً یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، به دست آوردن استقلال بود به گونه‌ای که استقلال سیاسی یکی از شاه‌بیت‌های فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید چنانکه ایشان در این زمینه می‌فرمودند: ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غریزه نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن

گام بردارد. عدم وابستگی، نفی دخالت اجانب، قطع نفوذ بیگانگان، تحت نظر دیگران نبودن و اداره مستقل مملکت تعاریف است که امام از استقلال ارائه می‌دهد. (رک. مقاله استقلال از منظر امام خمینی. سایت ویکی معروف)

۶- مردم سالاری

یکی از ویژگی‌های اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) مردم سالاری و اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است امام خمینی دموکراسی مطلوب را تضمین کننده کرامت و هویت انسانی می‌داند. مفهوم مردم سالاری در بیانات امام (ره) به دو شکل به کار گرفته شده است: نخست، دموکراسی مطلوب و مثبت و دیگر دموکراسی نامطلوب و به تعبیر امام (ره) غیر حقیقی و جعلی که در مغرب زمین بنا نهاده شده و طبق نظر ایشان اساساً دموکراسی نیست. فهم درست امام از ظرفیت‌های مردم باعث شد که ایشان تعریف درستی از مردم سالاری داشته باشند. مردم سالاری مدنظر امام مردم سالاری بود که از متن اسلام گرفته شده باشد نافی استبداد و دیکتاتوری بوده در جهت تأمین و حفظ آزادی و همچنین ملازم با مفهوم استقلال و عدالت خواه باشد. و چنین مردم سالاری حقیقی است؛ و در این زمینه می‌فرماید: «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری کنیم. ما تابع آرای ملت هستیم...». ایشان مردم سالاری امریکایی را اغواگر و فریبنده می‌دانند امام با اتکا به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده پولادین مردم می‌شود در مقابل همه قدرت‌های متجاوز جهانی ایستاد. ایشان نمونه دموکراسی واقعی را نظام حکومتی صدر اسلام (حکومت نبوی و علوی) می‌دانند و معتقدند که اگر دموکراسی مبتنی بر قواعد و قوانین اسلامی باشد از دموکراسی غربی کامل تر و بهتر است. سامی زبیده تفکر سیاسی امام خمینی را بدان جهت به عصر جدید متعلق می‌داند که مردم در آن نقش مهمی دارند. بارزترین نمونه‌های سخنان امام خمینی را در باب نقش مردم، می‌توان در گزاره معروف زیر دانست: «میزان رأی ملت است». ایشان در جای دیگر ضمن تأکید بر ولایت فقیه اظهار داشته است «... تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت، بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین.»

۷- قانونمندی

قانونمداری و قانون‌گرایی از اصول اساسی اندیشه سیاسی حضرت امام است. قانون، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که از سوی مجموعه‌ای از مؤسسات به اجرا گذاشته می‌شود و به عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می‌کند. قانون معرب کلمه یونانی «canon» است که به فرانسه «loi» و به انگلیسی «law» ترجمه می‌شود. مفهوم عام‌تری نیز نسبت به قانون وجود دارد. به عبارت دیگر هر چیزی که تنظیم کننده رفتار انسان باشد، قانون نام دارد. این قانون می‌تواند قوانین فیزیکی باشد که بر انسان تأثیر دارد یا قوانین اخلاقی و یا قانونی باشد که دولت یا قدرت فراتر یک کشور آن را به شیوه خاص و در جایگاه خاصی وضع نموده است. (مارک تیت، فلسفه حقوق، ۲۵، ۲۰۰۷)

امام خمینی به تأسی از سیره و روش امامان معصوم (ع) و پیروی از مکتب علوی همواره قانونمند و قانونگرا بود و برای عمل دقیق به قوانین اسلام اهمیت خاص قائل می‌شد و خود اولین کسی بود که عامل به قانون بود. قانون‌گرایی را عملی حرام و خلاف شرع می‌دانست و قانون‌گرایی را یکی از عناصر مهم و کلیدی نظام مقدس اسلامی دانسته و برای همه ارکان نظام و مسئولین امر توجه جدی به این مسأله را گوشزد می‌نمود و همه اینها را برای تحقق حق و عدالت اسلامی می‌دانست. ایشان رعایت قانون را یک تکلیف شرعی می‌دانستند؛ یعنی حتی مثلاً عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را خلاف شرع می‌دانستند و به عقیده ایشان، عبور ماشین از ورود ممنوع و یا سرعت بیش از حد در رانندگی، کاری حرام و خلاف شرع است. [۳۱]

امام عمل به قانون را برای تمامی افراد جامعه از پایین‌ترین رده نظام تا بالاترین مقامات واجب می‌دانست. در حکومت مورد نظر امام شخص مطرح نیست، ملاک قانون الهی است. همه تابع قانون‌اند و فرقی میان اشخاص نیست. امام معتقد بود در اسلام قانون حکومت می‌کند، به گونه‌ای که حتی پیامبر اکرم (ص) نیز تابع قانون بود.

۸- فرهنگ

فرهنگ هر جامعه‌ای در حقیقت عنصر اساسی و زیربنای سیاست و اقتصاد آن جامعه است. هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد که باعث تمایز آن جامعه از دیگر جوامع می‌شود، حیات هر جامعه‌ای در گرو فرهنگ آن جامعه است به گونه‌ای که بدون فرهنگ هیچ جامعه انسانی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

مفهوم فرهنگ دارای معانی بسیار و ابعاد استعمالات گوناگون وسیع و پیچیده است. حدود ۴۰۰ تعریف درباره‌ی فرهنگ در لغت‌نامه‌های فارسی، عربی، اروپایی (غربی) ذکر شده است که دال بر با ارزشی و وسعت مفهوم این واژه دارد. از دلایل پیچیدگی فرهنگ می‌توان بیان داشت که فرهنگ از یک مقوله متجانس نیست بلکه متشکل از عناصر و دارای کثرتی است با این وجود که انسجام خود را حفظ کرده و یک کل تجزیه‌ناپذیر و پویا را تشکیل داده است و نیز این واژه در گذر زمان وارد علوم مختلف شده و از دیدگاه افراد با تخصص‌های متفاوت و رویکردهایی (اعم از مادی و معنوی) با تعاریف و مفاهیمی متعدد بیان شده است.

کثرت معانی فرهنگ

دلایل گستردگی و پیچیدگی واژه فرهنگ

وجود این همه معانی و تعاریف برای فرهنگ دارای علل و توجیهاات گوناگونی است که بر غنا، گستردگی و پیچیدگی هر چه بیشتر این مفهوم دلالت دارند.

برخی معتقدند علت گستردگی واژه فرهنگ به خاطر به‌کارگیری وسیع این اصطلاح در شاخه‌های علمی مشخصی است و بعضی دیگر از نویسندگان تعدد کارکردهای اصطلاح فرهنگ را نتیجه مستقیمی از تعدد جوانب پدیده‌ای که از آن تعبیر می‌گردد می‌دانند و این تعدد در هنگام مطالعه منجر به ایجاد موضوعات و موضع‌گیری‌های مختلف و تکلیف‌های معرفتی می‌شود. برخی دیگر از اندیشمندان سیاسی بیان می‌کنند که دلیل این پیچیدگی این است این واژه باید در چندین و چند رشته مجزای فکری و در نظام‌های فکری متعدد و متمایز برای تبیین مفاهیمی مهم مورد استفاده قرار گیرد.

بعض دیگر از اندیشمندان معتقدند که دلیل گستردگی و پیچیدگی واژه فرهنگ این است که فرهنگ در طول پیدایش تاریخی خود، محل مباحثات جدی فلسفی و سیاسی بوده است، فرهنگ به‌عنوان یکی از مفاهیمی که هم اندیشه اجتماعی و سیاسی اروپا و هم در تأسیس رشته‌های تخصصی دانشگاهی در قرن حاضر به‌طور جدی مورد بحث بوده است، در بسیاری از چارچوب‌های فکری در رشته‌های مطالعاتی، معانی کاملاً متمایز و اغلب مانع‌الجمعی به خود گرفته است. علامه محمد تقی جعفری چنین بیان می‌کند: «دلیل این است که فرهنگ از یک مقوله متجانس نیست و بر یک واقعیت مفرد دلالت نمی‌کند. بلکه تعداد زیادی از عناصر را در سطوح مختلف در برمی‌گیرد. از آن جمله‌اند عقاید، عواطف، ارزش‌ها، هدف‌ها، کردارها، تمایلات و اندوخته‌ها.»

یکی دیگر از اندیشمندان، دلیل گستردگی فرهنگ را ازدیاد علاقه شاخه‌های دیگر علوم به این مفهوم می‌دانند. وجود تعریف و معانی زیاد برای مقوله فرهنگ، تنها معلول و دال بر پیچیدگی، عدم تجانس، تعدد موضوع‌ها و گستردگی نیست بلکه منعکس‌کننده عقاید و واقعیت‌ها و امور دیگری نیز هست: متد شناخت، ملاک‌های تعریف، دید، بینش، فلسفه، دانش، امیال، ارزش‌گذاری و گرایش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توجهات خاص اندیشمند و پژوهشگر در این زمینه کارساز است بنابراین می‌توان بیان

داشت که اختلاف در فهم، تعریف و تحدید مقوله فرهنگ بازتابی از اختلاف و تضاد در فهم، بینش، گرایش، جهان‌بینی و... است. اندیشمندان، نظریه‌پردازان و پژوهشگران با بی‌طرفی و عاری از علایق و توجهات خاص به بررسی آن نمی‌پردازند. بلکه به تبع موقعیت طبقاتی، و یا وابستگی‌ها، منافع، امتیازها، گرایش‌ها، قناعت‌ها، افکار و تصورات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فلسفی و با دیدگاه و نگرش‌های خود از فرهنگ بسنده و به ترویج و اشاعه آن می‌پردازند. [۳۲]

فرهنگ در لغت، به معنای ادب، تربیت علم و دانش، و مجموعه آداب و رسوم آمده است. [۳۳]

اصطلاح فرهنگ «culture» در علوم انسانی و اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، استعمال فراوانی دارد. با این حال، مفهوم واحد و مشخصی ندارد همچنان که گفته شد تعاریف متعددی از فرهنگ ارائه شده که یکی از تعاریف بسیار معروف، تعریف ادوارد تایلر است:

«فرهنگ یا تمدن، کلیت در هم بافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد.» [۳۴]

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی

از نظر امام خمینی فرهنگ دارای گستره و وسعت معنای عمیقی است که شامل همه رفتارها و نگرش‌ها است؛ فرهنگ در نگرش امام راحل (ره)، عبارتست از فرهنگ اسلامی که عصاره همه فرهنگ‌هاست و با همه معانی و تعاریف فرهنگ که اندیشمندان و علما بیان شده متفاوت و فراتر از آنهاست. ایشان معتقد بود اگر فرهنگ درست شود و انسان درست تربیت شود، همه مشکلات جامعه درست می‌شود: «پس فرهنگ، یک کارخانه آدم‌سازی است، چنانچه انبیا هم برای همین معنا آمدند که آدم درست کنند...». «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت» [۳۵]

از نگاه امام، فرهنگ کامل و انسان‌ساز فقط در درون اسلام وجود دارد و تربیت جامعه و مردم تنها از مسیر فرهنگ اسلامی امکان‌پذیر است: «قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید».

۹- وحدت

معنای لغوی وحدت: وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق. انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام، هماهنگی و همواری آمده است. اتحاد و وحدت ملی مقوله‌ای است که بیشتر جنبه داخلی دارد و در چهارچوب مرزهای کشور معنا می‌یابد و اصطلاحات دیگری همچون؛ وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می‌باشد و در اصطلاح یعنی برنامه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله‌ای مطرح می‌شود (ایرانی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۱).

وحدت در قرآن

قرآن از اتحاد به صورت «نعمت بزرگ» سخنی به میان آورده و از مؤمنان خواسته است تا تلخی و خطرآفرین دوران تفرقه را از یاد نبرند و به یاد داشته باشند که چگونه خداوند میان آنان انس و الفت برقرار ساخت. «واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم» آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۳.

در قرآن کریم، وحدت و اتحاد رابا واژه‌هایی همچون «امت» و «امت واحده» می‌توان دید. و با مفاهیمی در قرآن چون «واعتموا»، «تعاونوا»، «اصلحوا»، «اصلاح بین الناس»، «ألف بینهم»، «أمة واحدة»، «أمة وسط»، «حزب الله»، «صبغة الله» و «اخوة» به آن اشاره شده است. (موثقی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۸۳).

وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)

در طول تاریخ، مصلحان و پیشوایان بزرگ دین و مجامع اسلامی تلاش و کوششان را در راه وحدت مصروف داشته‌اند امام خمینی (ره) نیز به تاسی از پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) در راه اتحاد، اندیشه و عمل معنوی و سیاسی خویش را به کار برده‌اند. علاوه بر امام (ره) مصلحان و عالمان زیادی از تشیع و تسنن به موضوع وحدت اسلامی عنایت داشته‌اند که از جمله این بزرگان می‌توان به افرادی همچون، شیخ محمد عبده، سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله بروجردی، شیخ شلتوت، سید قطب، و مقام معظم رهبری و... اشاره نمود.

این موضوع (وحدت) را می‌توان هم در سخنان شفاهی و هم در نوشته‌ها و مکتوبات امام خمینی (ره) و در ابعاد مختلف فقهی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی و همچنین در موضوعاتی نظیر وحدت فرقه‌های اسلامی، وحدت مستضعفان جهان، وحدت همه اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی، وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت میان دولت و ملت، وحدت عناصر دولت و حکومت اسلامی می‌توان دید. امام خمینی (ره) با بینش عمیق و دوراندیشی تمام به ضرورت قدرت‌یابی مسلمانان پی‌برده و جهت در هم شکستن اقتدار تصنعی ابرقدرت‌های جهان؛ مقوله وحدت و انسجام امت اسلامی را مطرح و تبدیل به گفتمان غالب نمودند.

امام خمینی (ره) رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در سایه وحدت می‌دانست و معتقد بود که از برکات انقلاب اسلامی که موجب عزت ملت ایران و امت اسلامی گردید، مسأله اتحاد بود.

امام خمینی رمز پیروزی را وحدت می‌دانستند و از میان اندیشمندانی که اندیشه وحدت را در میان جامعه اسلامی مطرح کرده‌اند، از جمله معدود افرادی بود که به چنین موفقیتی دست یافت. زیرا بعضی از نظریه‌پردازان و اندیشمندانی که به وحدت دعوت می‌کردند به دلیل وجود افراد تندرو، متعصب و قشری مذهب موفق نشدند اما امام خمینی با توکل بر خدا و اعتقاد راسخ به وحدت کلمه به این مهم دست یافت. امام خمینی (ره) با بینش عمیق و دوراندیشی تمام به ضرورت قدرت‌یابی مسلمانان پی‌برده و جهت در هم شکستن اقتدار تصنعی ابرقدرت‌های جهان؛ مقوله وحدت و انسجام امت اسلامی را مطرح و تبدیل به گفتمان غالب نمودند.

تلاش در جهت بیداری فردی و گروهی مسلمانان و ایجاد وحدت برای پیاده کردن اسلام واقعی در جهان و بازگشت عزت و کرامت مسلمانان، از خصوصیات بارز امام خمینی (ره) بود. امام وحدت را به عنوان یک استراتژی قبول داشت؛ وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی؛ انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمانان و ضربه نخوردن اسلام و قرآن، و اتحاد بین مستضعفان برای مبارزه با استکبار؛ زیرا ایشان بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمانان تأکید نموده و میوه‌های وحدت را پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمانان و... بر می‌شمرند. امام خمینی (ره) وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی و اسلام و وحدت را ضامن بقای مسلمانان دانسته‌اند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹).

وحدت مورد نظر امام از مرحله بیداری شروع و با مرحله اتحاد جهانی مستضعفان خاتمه می‌یابد که نتیجه آن اجرای عدالت در سطح گیتی خواهد بود. از عوامل ایجاد وحدت، می‌توان به تحمل حرف‌های مخالف و اعتقاد به حل مشکل از طریق گفت‌وگو اشاره کرد که این امر میسر نمی‌شود مگر با خودسازی و مبارزه با نفس؛ از این‌رو، در اندیشه امام، مسأله مبارزه با نفس، برای رسیدن به وحدت بسیار مهم و ضروری است تا جایی که وی قائل است کسانی که مسائل تفرقه‌انگیز را مطرح می‌کنند درد دین و اسلام ندارند بلکه در بند خودخواهی هستند (ایرانی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۲).

امام خمینی (ره) رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در سایه وحدت می‌دانست و معتقد بود که از برکات انقلاب اسلامی که موجب عزت ملت ایران و امت اسلامی گردید، مسأله اتحاد بود.

نمونه‌هایی از سخنان امام پیرامون وحدت و اتحاد

«باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکای به قرآن مجید است، حفظ کنیم و همه با هم به پیش برویم و حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم.» [۳۶]

«ما اگر این وحدت کلمه و این خاصیت که عبارت از اسلامیت است که در آن همه چیز هست، اگر این را ما حفظ کنیم، تا آخر پیروز هستیم و اگر خدای ناخواسته آنها اخلاص کنند یا ما شل باشیم و جلوشان را نگیریم و یا خودمان خیال کنیم که پیروزیم و به سستی گرایش پیدا کنیم، من خوف این را دارم که خدای ناکرده با فرجامی دیگر، همان مسائل را پیش بیاورند. اگر ما ایستادگی کنیم و قدرتی که الان در دستمان است که قدرت ملت است، حفظ کنیم، وحدت کلمه را حفظ کنیم، همه پیروز خواهیم شد.» [۳۷]

«اگر مسلمین آن عزت و عظمتی که در صدر اسلام داشتند، باز یابند، به اسلام و وحدت کلمه روی آورند، آن اتفاق بر محور اسلام بود که آن قدرت و شجاعت مافوق‌الطبیعه را به وجود آورد.» [۳۸]

برخی از بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مورد وحدت بین مسلمانان بدین قرار می‌باشد:

شیعه و سنی نباید بگذارند دشمن از اختلافاتشان سوء استفاده کند. کسانی که شعار اتحاد و وحدت و برادری مسلمین را می‌دهند، اینها دشمن مسلمانان نیستند؛ دوست مسلمانانند، خیر مسلمانان را می‌خواهند و مایلند همه‌ی مسلمین عالم عزیز باشند. چه فایده‌ای دارد که در داخل جامعه‌ی اسلامی، مسلمانان از مذاهب مختلف، روبه‌روی هم بایستند و به همدیگر ضربه بزنند؛ از آن طرف هم دشمن بیاید، هر دوی اینها را محاصره کند، سرشان را به هم بکوبد و خودش بنشیند، تماشا و استفاده بکند؟ این خوب است؟

اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این که شما شیعه بشوید؟! ما چنین چیزی نگفته‌ایم.

هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند، همچنان که بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوء استفاده کند. برگزاری هفته وحدت، برای این است. [۳۸]

دنیای اسلام، نیازمند تقریب است. امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب - همان‌طور که مکرر گفته شده - غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهم‌ها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل و بعضی از افکار به‌طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است. حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود. [۴۰]

قدرتمندان، عامل جنگ‌های مذهبی مسلمین در زمان حال، برای این که مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به خصوص از وقتی تشدید پیدا کرده، که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است. به تصور خیلی نزدیک به واقعیت، انگیزه تلاش‌های دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت

اسلام- که امروز به مراحل عملی نزدیک می‌شود- جلوگیری کنند. طبیعی است که اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند؛ با این اختلافات امکان‌پذیر نیست. [۴۱]

با اتحاد مسلمین، دنیای اسلام سربلند خواهد شد. یک میلیارد انسان در دنیا هستند که درباره‌ی خدا و پیامبر و نماز و حج و کعبه و قرآن و بسیاری از احکام دینی، با هم یک عقیده دارند؛ یک چند مورد اختلاف هم دارند. اینها بیایند همان چند اختلاف را بگیرند، با هم بجنگند، تا آن کسی که با اصل خدا و پیامبر (ص) و دین و همه چیز مخالف است، کار خودش را انجام بدهد. آیا این عاقلانه است؟!

ما گفتیم یک عده از علما و متفکران دور هم بنشینند و در سطح علمی و فرهنگی، برای تقریب و نزدیک کردن، «مؤسسه تقریب بین المذاهب الاسلامیه» را به وجود آورند.

چهار مذهب فقهی در اهل سنت هست، مذهب امامیه هست، مذهب زیدیه هست، مذاهب دیگر اسلامی هستند. اینها بنشینند ببینند، در مسائل علمی و دینی، چقدر می‌توانند با یکدیگر همکاری و کار کنند.

ما این مرکز را تشکیل دادیم. انشاء الله برادرانی که مسئول این کار هستند و معین شده‌اند، آن را با قوت دنبال می‌کنند. این کار، کاری است که خدای متعال از آن راضی است و سرنوشت اسلام به این طور کارهاست.

اگر مسلمین دست در دست هم بگذارند و با هم صمیمی باشند، ولو عقایدشان مخالف با یکدیگر باشد، اما آلت دست دشمن نشوند، دنیای اسلام سربلند خواهد شد. [۴۲]

باید به وحدت جهانی اسلام توجه بیشتری شود. یک عده قلم به مزد و مزدور و عالم بی‌دین و ریزه‌خوار سفره‌ی سلاطین و مشکلداران بی‌دین عالم را -که از هر کسی خطرناک‌ترند- اجیر کرده‌اند، تا در برابر ندای وحدت انقلاب اسلامی، فریاد اختلاف و تفرقه سر دهند.

واقعاً عالمی که وجدان بیدار و تقوا نداشته باشد، اضرّ از هر دشمنی بر جامعه‌ی اسلامی است. در روایت دارد که چنین عالمی بر مسلمانان، اضرّ از گرگ بر گله گوسفندان است. شما ببینید، یک گرگ در یک گله گوسفند، چه کار می‌کند؟ این ضررش از آن بیشتر است.

در طول این هشت سال جنگ، بلکه در طول ده، یازده سال انقلاب، دیدیم که این‌طور علما چه کردند؛ اما به برکت نام و پرچم اسلام و نام پیامبر اکرم و به برکت هفته‌ی وحدت، انقلاب بر توطئه‌های آنان فایز آمده است. [۴۳]

وحدت کلمه را حفظ کنید. مبدا کسانی با زبان‌هایی، بدون قصد و غرض سوئی، فقط به علت اشتباه و به خاطر اینکه مصلحت را نمی‌فهمند و نمی‌دانند که چه بگویند، چیزهایی بگویند که مردم را دلسرد بکنند.

متأسفانه گاهی در گوشه و کنار دیده می‌شود که بعضی‌ها مصلحت خود و مصلحت انقلاب و ملت را نمی‌فهمند. با زید بدی می‌کنند، با نظام بدی می‌کنند. می‌خواهند مسئولی را زیر سؤال ببرند، انقلاب را زیر سؤال می‌برند. نمی‌فهمند که این کار، زیر سؤال بردن انقلاب است. می‌خواهند یک جبهه‌بندی درست کنند ولی نمی‌فهمند که این جبهه‌بندی، به وحدت ضربه خواهد زد. [۴۴]

علل تفرقه و جدایی بین مسلمانان از دیدگاه امام

امام با بصیرت کامل و دشمن‌شناسی دقیق و با اشراف کامل نسبت به وضعیت تاریخ جهان و ایران در گذشته و حال و با آینده‌نگری که داشتند، ملت مسلمان ایران را نسبت به عواقب شوم تفرقه و جدایی آگاه ساختند و مواردی را به عنوان علل تفرقه همواره گوشزد می‌نمودند که عبارتند از: ۱- فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام و قرآن؛ ۲- توطئه‌های ابرقدرت‌های سلطه‌گر؛ ۳- اختلاف و تفرقه میان نظرات و آراء عالمان مذاهب اسلام؛ ۴- توطئه دشمنان داخلی.

اقدامات و راهکارهای تقویت وحدت بین مسلمانان

وحدت بین مسلمانان به معنای کنار گذاشتن عقاید و افکار و اعتقادات خود نیست بلکه با حفظ عقاید و اعتقادات خویش بر اموری که همه مسلمانان بر آن اشتراک دارند مانند خدای واحد، دین واحد، قرآن واحد، پیامبر واحد... تأکید شود.

۱- برگزاری برنامه‌های گفتگوی علمی بین عالمان متعهد و مستقل شیعه و سنی در مورد اختلاف‌نظرهای فقهی و سیاسی مثل ربا، کنترل موالید، موسیقی، حد و مرز ارتباط با کفار و... .

۲- برگزاری سمینارهای همفکری در زمینه چگونگی مقابله با فرهنگ مهاجم غربی بین حوزه و دانشگاه.

۳- تأسیس نهادی حوزوی و نه دولتی برای کنترل و نظارت برداشت‌های نادرست و جلوگیری از تحریف معنوی قرآن و سنت.

۴- تأسیس مرکزی برای شناخت و معرفی دقیق اهل بیت (ع) و شبهه‌زدایی از زندگی آنان و جلوگیری از تحریف سیمای عترت (ع) (وزیری، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳).

۵- گسترش فرهنگ انس با قرآن و حدیث در میان قشر جوان و نوجوان.

۶- اهتمام به خودسازی و تقویت مساجد، نماز، زیارت و توسل، دعا و عبادت.

۷- دفاع از آزادی اندیشه و بیان در چهارچوب قرآن و سنت و مقابله با توهین و تحقیر دین، انبیاء و اصول تفکر اسلامی.

۸- حمل گفتار و رفتار مؤمنان بر صحت و پرهیز از اتهام بیجا و طی مراحل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی.

۹- تفاهم و گفتگو با واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگ اسلامی و خودداری از حضور و شرکت در مجامعی که با اصطلاحات و فرهنگ غیر مکتبی در مورد اسلام و مسلمانان سخن می‌گویند (طارمی، ۱۳۸۶ش، ص ۵).

۱۰- احیای روحیه خودباوری و نفی غربزدگی حاکم بر اغلب جوامع اسلامی.

۱۱- خرافه‌زدایی و پاک‌سازی فرهنگ دین باوران از خرافه و دروغ و پیرایه‌های تفرقه‌انگیز.

۱۲- افزایش ارتباطات و دید و بازدید علمی بین حوزه، دانشگاه و مراکز فرهنگی دنیای اسلام.

۱۳- توجه به دشمن اصلی و مقابله با وابستگان فکری، سیاسی و افشای مزدوران کفر جهانی در دنیای اسلام.

۱۴- معرفی تلاشهای وحدت‌آفرین انبیاء و معصومان (ع) و اسوه‌های وحدت اسلامی به نسل جوان دنیای اسلام (مهدی‌پور، ۱۳۷۷ش، صص ۴ و ۵).

۱۰- مصلحت

مفهوم مصلحت

معنای لغوی مصلحت: مصلحت در لغت به معنای سود، صواب، بهبود بخشیدن و شایستگی است و در برابر مفسده به کار می‌رود. معنای اصطلاحی مصلحت: به معنای منفعت و خیری است که موجب جعل (قرارداد) یا انطباق قانونی می‌گردد. و یا کارهایی که انسان انجام می‌دهد و سبب سودبری وی می‌شود، مصلحت نامیده می‌شوند. و اصطلاح مصلحت نگاه داشتن؛ یعنی رعایت مقتضای زمان و مکان.

مصلحت از دیدگاه اسلام، عبارتست از هر کاری که بتواند سعادت دنیوی و اخروی جامعه را تأمین کند مصلحت گفته می‌شود.

مصلحت را تنها در سود مادی دیدن و تفسیر کردن به عقل عرفی درست نیست. مصلحت‌های معنوی بر مصلحت مادی تقدم دارند.

مصلحت از دیدگاه امام

از نگاه امام، مصلحت به معنای منافعی است که به جامعه باز می‌گردد و قلمرو وسیعی دارد؛ به گونه‌ای که منافع دنیوی، اخروی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... را در بر می‌گیرد و این معنا بسی با مصالح مرسله متفاوت است. مصلحت به این معنا از مهم‌ترین ضوابط احکام حکومتی است و رهبران جامعه باید در تصمیم‌گیری‌های خود به آن توجه کنند. هر گاه مصلحت‌ها با هم متزاحم شوند و یا حکم حکومتی در بردارنده مصلحت با احکام شرعی ناسازگار باشد، باید مصلحت مهم و یا حکم مهم را در آستان هم قربانی کرد. امام راحل راهبردهای اجرایی و آیین‌نامه این مسأله فقهی را به گونه‌ای جامع ارائه داد؛ بدین‌سان که مرجع تشخیص مصلحت، مخالفت آن با احکام شرعی و هم و مهم را در جمهوری اسلامی ایران تعیین کرد و چگونگی مشارکت مردم را در تشخیص مصلحت‌ها و بالمآل، صدور احکام حکومتی نمایند. امام درباره مصلحت و احکام حکومتی دیدگاه وسیعی داشت و آن را در چارچوب زمینه‌های معاملات محدود نمی‌ساخت. [۴۵]

امام خمینی عنصر مصلحت را روشی برای رسیدن به هدفی مهم‌تر در حکومتداری مورد استفاده قرار دادند و به مثابه استراتژی سیاسی از آن بهره بردند و این استفاده روشی نیز از ناحیه شارع مقدس همچون عناصر دیگر چون اضطرار، عسر، حرج، تقيه، اهم و مهم، دفع افسد به فاسد و... تأیید شده است. یعنی شارع مقدس چنین اجازه‌ای را به حاکم اسلامی در صدور احکام حکومتی داده است و سیره‌ی عملی حضرت رسول اکرم و امام علی و سایر پیشوایان دین نیز موید این ادعاست. ویژگی امام خمینی در این بود که در عصر غیبت، برای نخستین بار این عنصر را در ساختار حکومت اسلامی نهادینه کردند (خسروپناه، ۱۳۸۰، صص ۱۳-۱۲). از مجموع سخنان امام خمینی چنین بر می‌آید که دایره احکام حکومتی به قدری وسیع است که احکام ثابت و متغیر را در بر می‌گیرد. البته بی‌شک احکام حکومتی ولی فقیه به مصالح جامعه مقید است، به همین دلیل زمانی و مقید خواهد بود (همان، صص ۵۸-۵۷). حکم شرعی، قانونی است که از سوی خداوند برای نظم بخشیدن به حیات انسانی صادر شده است (همان، ص ۵۹).

۱۱- رویکرد جهانی و بین‌المللی در اندیشه سیاسی [۴۶]

یکی از مفاهیم بسیار مهم و کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی رویکرد جهانی و بین‌المللی ایشان است. در اندیشه سیاسی امام دعوت جهانیان به اسلام و گسترش معارف اسلام به عنوان یک وظیفه الهی تلقی می‌شود. و معتقد بودند که باید قشرهای غیراسلامی را به اسلام دعوت کرد. مخاطب امام در سخن و ایده سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه بشریت است. مکتب سیاسی امام این خبر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه امت اسلامی و همه بشریت می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان. البته تفاوت امام با کسانی که برای خود رسالت جهانی قائلند، این است که مکتب سیاسی امام با توپ و تانک و اسلحه و شکنجه نمی‌خواهد ملتی را به فکر و به راه خود معتقد کند. امریکایی‌ها هم می‌گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و افریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغل‌بازی و فریبگری و ظلم و جنایت به چشم می‌خورد. با این وسایل می‌خواهند حقوق بشر و رسالت جهانیان را گسترش دهند! مکتب سیاسی اسلام فکر درست و سخن نو خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند و مثل نسیم بهار و عطر گلها در همه جا می‌پیچد. کسانی که شامه درستی داشته باشند، آن را استشمام می‌کنند و از آن بهره می‌برند؛ همچنان که امروز در بسیار از کشورهای دنیا بهره آن را برده‌اند. فلسطینی‌ها می‌گویند ما حیات دوباره و بیداری خود را از پیام امام گرفته‌ایم؛ لبنانی‌ها می‌گویند ما پیروزی خود بر ارتش رژیم صهیونیستی و اخراج صهیونیست‌ها را از مکتب امام درس گرفته‌ایم؛ مسلمان‌ها در هر نقطه دنیا - جوان‌های

مسلمان، روشنفکران مسلمان، نخبگان مسلمان - فتوحات فکری خود در میدان‌های سیاسی را برخاسته و برآمده از مکتب فکری امام می‌دانند؛ توده‌های امت اسلامی با نام اسلام احساس عزت می‌کنند، این همان نگاه بین‌المللی مکتب امام به مسائل بشر است؛ مخصوص دنیای اسلام هم نیست، لذا امروز مسأله فلسطین برای ما یک مسأله اصلی است؛ مصایب امت اسلامی برای ما دردناک است. آنچه در دنیای اسلام اتفاق می‌افتد، برای ملت ایران و کسانی که به نام و یاد امام بزرگوار دل بسته و دلخوش هستند، مسائل اساسی است؛ نمی‌توانند نسبت به این مسائل بی‌تفاوت بگذرند. برای همین است که دنیای استکبار می‌خواهد بزرگترین جنایت‌ها را نسبت به ملت‌های مسلمان انجام دهد؛ در حالی که دیگر ملت‌های مسلمان نبینند، نفهمند و تصمیم نگیرند. حتی اعتراض هم نکنند. ملت ایران می‌بیند، می‌فهمد، اعتراض می‌کند، موضع می‌گیرد و نسبت به مسائل دنیای اسلام بی‌تفاوت نمی‌ماند. [۴۷]

امام خمینی در موارد مکرر بر پیام انقلاب اسلامی برای تمامی جهان و نیز الگو بودن آن برای تمامی مردم ستم‌دیده تأکید کرده‌اند. در کلامی می‌فرمایند: «امید است انقلاب اسلامی ملت بزرگ ما و پیروزی عظیم آنان بر دشمنان اسلام و مملکت، راهنمایی برای سایر ملل ستم‌دیده و تحت سلطه قرار گیرد و با اتحاد و همبستگی، شرّ همه سلطه‌گران و به‌خصوص آمریکا را از خود کوتاه نموده در تحت تعالیم مقدسه اسلام، عظمت از دست رفته خود را باز یابند.» در جای دیگری نیز بر الگوگیری دیگر مسلمانان از مردم ایران اشاره نموده است: «ملت‌های مسلمان از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف توسعه اسلام بزرگ الگو بگیرند و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنند، به پیش به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند.» [۴۸]

در اندیشه امام خمینی (ره)، با توسعه حوزه مسئولیت‌های نظام اسلامی، هدف از تأسیس چنین نظامی در سه سطح ملی، منطقه‌ای (اسلامی) و جهانی تعریف می‌شود. لذا رویکرد جامع ایشان به نظام سیاسی اسلام در دوران عدم قیادت امام معصوم، از نوع برون‌گرا و جهان‌گرایانه است. یعنی ایشان تلاش در جهت توسعه نفوذ اسلام در دنیا را مسئولیت اصیل دولت اسلامی در ورای مرزهای ملی می‌دانند. در منظر امام، راه موفقیت چنین رویکرد جهان‌گرایانه اسلامی، در صدور انقلابی است که به تحقق یک حکومت اسلامی کارآمد انجامیده است. اندیشه صدور، آرمان مشترک اغلب انقلاب‌هاست که البته نوع و ماهیت چنین اقدامی در انواع آنها متفاوت است. در اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی مبتنی بر مبانی دینی، صدور دارای مختصات خاص خود است. در این رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، صدور انقلاب اسلامی یک راهبرد با دو وجه راهبردی است که براساس نفع طرفین، به تأمین منافع ملی توأمان با پیگیری مسئولیت‌های فراملی می‌انجامد. [۴۹]

۱۲- احیای هویت اسلامی

احیای هویت اسلامی، یکی دیگر از محورهای اندیشه سیاسی و مبارزاتی و بزرگ‌ترین نظریه فلسفی امام خمینی است. هر ملتی برای بقا و تداوم خویش در گستره‌ی جهانی ناچار به شناخت دقیق و صحیح از خود و محیط پیرامون خویش و احیای هویت خویش است. هویت مبتنی بر باورهای مشترک فرهنگی مردمی است که به‌طور تاریخی یک ریشه دارند. [۵۰] امام (ره) احیای هویت ملی - اسلامی را رمز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سلطه قدرت‌های جهانی دانسته و همواره تأکید می‌کردند که: هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، مگر این که ما خودمان را بشناسیم و باور داشته باشیم.

هویت، عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روانی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آنها را در یک طرف زمانی و مکانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد انسان، دارای سه هویت است. هویت شخصی، هویت صنفی، هویت باطنی. شناخت هویت اول، شناخت منشأ بدنی انسان است؛ پدر، مادر، اصل، تبار، اقلیم، آب، خاک، نور، شهر و محله، همگی در ساختن هویت اول مؤثرند. هویت دوم، هویت فکری و فرهنگی

است، که بدانیم در چه بستر فکری و ایدئولوژی و نظام آموزشی و مبانی اعتقادی نشأت گرفته‌ایم. هویت سوم، هویت باطنی است. در شناخت این هویت نیز باید مرکز نشأت یافتن آن را بشناسیم. هویت باطنی ما، روح ما، از چه چیز و از کجا پیدا شده و نشأت یافته است؟ معمولاً افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی الزاماً به یک هویت، وابسته نیستند و می‌توانند هویت‌های مختلفی را پذیرفته باشند. مثل هویت قومی، هویت دینی هویت زبانی، هویت ملی. بنابراین، یکی از معضلات هویت، وجود هویت‌های مضاعف است. [۵۱]

پس هویت ضمن داشتن ثبات و استمرار، از رویدادها و روندهای عمده جهانی مثل انقلاب صنعتی، رنسانس، گفتمان مدرنیته و فرامدرنیسم تأثیرات شگرفی پذیرفته است. [۵۲]

امروزه در آستانه ورود بشریت به هزاره سوم میلادی، عصر ارتباطات، اطلاعات و دانایی، به دلیل شتاب و عالم‌گیری تحولات و جریان‌های دگرذیسی هویت ملی، سرعتی مضاعف یافته و حفاظت و صیانت از مولفه‌ها و عناصر هویت، یعنی دین، سرزمین، جغرافیا؛ پیشینه‌ی تاریخی، وجدان مشترک، زبان ملی، احساس تعلق و دلبستگی به «مای» ملی با چالش‌های جدی مواجه شده است. [۵۳]

تأکید هویت ایرانی و هویت اسلامی پیوسته معطوف به این امر بوده است که انسان در جهان با سربلندی و عزت زندگی کند و خود و نفس انسانی را بالاتر از آن بداند که تن به ذلت سپرد. [۵۴]

امام خمینی (ره) با طرح بازگشت به هویت دینی و فرهنگ اصیل اسلامی، روح استقلال و توانایی مبارزه را در جامعه ایران دمید و مبانی فکری و فرهنگی لازم را برای احیای هویت اسلامی فراهم آورد.

برای امام خمینی هویت یک پیش شرط برای حکومت اسلامی است و اسلام دینی است که مشهور به عدالت حقیقی است. این دین همچنین مورد توجه کسانی است که تمایل به استقلال و آزادی دارند و مخالف استکبار و امپریالیسم هستند. امام از طریق یک انقلاب روشن فکرانه برای تغییرات سیاسی به پاخواست. او خود آگاهی را پیش شرط آگاهی سیاسی می‌دانست. وحدت و هویت اسلامی موضوع‌هایی هستند که به‌طور مکرر در بیانات حضرت امام وجود دارند. او تأکید کرد که اسلام دینی با معیارهای غربی نیست بلکه دینی است که نسبت به همه‌ی ابعاد زندگی اشراف دارد. حکومتی که در تعقیب گسترش ارزش‌ها و اعتقادات غیر دینی است، نمی‌تواند اسلامی باشد. قوانین مربوط به حفظ نظم اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال امت اسلامی، موجب می‌شود حکومتی اسلامی فراتر از نظام دولت-ملت تشکیل گردد. امام اعتقاد داشت که وجود نظام سیاسی غیر اسلامی لزوماً منتهی به اجرا نشدن دستورات سیاسی اسلام شده و بنابراین چاره‌ای نیست جز از بین بردن آن نظام‌های حکومتی که در درون خود فاسد هستند. این وظیفه‌ایست که تمام مسلمانان باید اجرا نمایند. این وظیفه مسلمانان است که از مظلومین حمایت کنند. امام با توجه به طبیعت تمامیت خواه انسان بر لزوم وجود رهبری تأکید داشت و حکومتی فراملی را تحت پرچم اسلام پیش‌بینی کرد. او دولت اسلامی را به مثابه قانون اساسی می‌دید، زیرا حکام در حکومت و اداره‌ی کشور مجبور به رعایت شرایط مخصوصی هستند که در قرآن و سنت پیش‌بینی شده‌اند. دولت اسلامی، یک دولت قانون‌گر است و اقتدار مختص خداوند و قانون، فرمان و دستور الهی است. او تأکید کرد که مافوق بودن فقیه بر حاکم یک اصل پذیرفته شده است. اگر حاکم پیرو اسلام است پس باید مطیع فقیه باشد. حضرت امام مفهوم دولت‌های ملی، روانکاو نوگرایی، بازسازی توسعه و گفتمان دموکراسی غرب را رد کردند و برای یک حکومت و نظام فراتر از دولت‌های ملی که جهان شمولی امت اسلامی را در بر دارد و هویت اسلامی را بالاتر از سایر هویت‌های انسانی قرار می‌دهد، کوشش کردند. [۵۵]

۱۳- سیاست خارجی

یکی از مباحث مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی، که وجه تمایز اندیشه سیاسی ایشان با سایر رهبران سیاسی محسوب می‌شود چگونگی روابط با کشورهای خارجی و نحوه تعامل دولت اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی، و دفاع از مظلومان و محرومان در سراسر دنیا است که حتی قبل از تشکیل حکومت اسلامی نیز بدان عنایت و توجه داشتند. امام خمینی در عصری که برخی از قدرت‌های سلطه‌گرا خلاق‌زدایی و سلطه‌طلبی را منشاء کسب قدرت در روابط بین‌الملل می‌دانستند و در روابط سیاست خارجی خود اخلاق را کنار گذاشته بودند؛ با پارسایی سیاسی خود بحث روابط با کشورهای دیگر در عرصه بین‌المللی را بر پایه اخلاق بنا نهاد و سیاست اخلاقی و دینی را به عنوان یک گفتمان اصیل، جایگزین اخلاق سیاسی کردند.

برای بررسی دقیق دیدگاه امام (ره) در حوزه سیاست خارجی باید با راهبردها، مبانی و اصول سیاست خارجی امام (ره) آشنا شد تا بتوان به عمق دیدگاه سیاسی ایشان در این زمینه پی برد.

الف) راهبردهای سیاست خارجی امام (ره)

چون امام خمینی شخصیتی الهی و قرآنی بود مبنای تمام اندیشه سیاسی خود را بر اساس تعالیم اسلام و قرآن بنا نهاده بود و در بحث سیاست خارجی نیز راهبرد اساسی‌شان در نظر گرفتن اصول ثابت و متغیر بود. زیرا برخی تصمیم‌گیری‌ها و نظرات سیاسی به‌طور عموم و سیاست خارجی به‌طور اخص در طول زمان ثابت و لایتغیر هستند، اما برخی دیگر از جهت‌گیری‌ها به تبعیت از عرف و ضرورت‌های زمانه و مقتضیات زمان قابل تغییر هستند.

ب) مبانی سیاست خارجی امام (ره) [۵۶]

۱- اخلاق محوری در روابط بین‌الملل

در مورد اخلاق محوری در روابط بین‌الملل، بی‌تردید امام یک آرمان‌گرای بزرگ است و هرگز اخلاق را در مصالحه با قدرت، قربانی نمی‌کند و به دنبال اخلاقی کردن سیاست در داخل و روابط میان ملت‌ها است.

البته این بدین معنا نیست که امام تماماً از عنصر قدرت غافل و به آن بی‌توجه است، بلکه ایشان به شدت به روابط قدرت در عرصه بین‌المللی حساس بودند. علاوه بر این بر اساس مبانی فلسفی و عرفانی امام، قدرت فی‌نفسه شر نیست، بلکه جلوه جمال و پرتو جلال الهی است.

با این حال ایشان در عرصه سیاست، اعم از داخلی و خارجی به دنبال پیوند اخلاق و سیاست بودند و بی‌گمان در این زمینه پیشرو آرمان‌گرایان هستند.

۲- تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی در روابط بین‌الملل

تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام نیز با توجه به این مسأله قابل درک است. یکی از اصول مهمی که امام خمینی در سیاست داخلی و خارجی بر آن تأکید می‌کرد، تکلیف‌گرایی فارغ از نتیجه بود که شاید در نگاه اول غیر قابل درک باشد، ولی عملکرد امام و تحلیل آن می‌تواند تا حد زیادی این موضوع را تبیین کند.

سؤال این است که آیا در هر شرایط و در هر زمینه‌ای، تکلیف فارغ از سود و زیان آن مورد توجه است. به نظر می‌رسد که بر اساس عملکرد امام، نمی‌توان به این سؤال پاسخ مثبتی داد. امام در زمینه حفظ اسلام و جلوگیری از هرگونه تعرض به ارزش‌های آن، به تکلیف اسلامی فارغ از هر نتیجه و سود و زیانی عمل می‌کرد، ولی در کلیه زمینه‌های سیاست خارجی اینگونه نبودند.

مورد سلمان رشدی و فتوای امام بر قتل ایشان، بیانگر همین مسأله است. این اقدام با اینکه در اواخر عمر ایشان صورت گرفت و از لحاظ زمانی متأخر بر اقداماتی بود که به نظر می‌رسید در آنها به اصل نتیجه و سود و زیان توجه شده (مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و پایان جنگ)، ولی فارغ از تمام جهت‌گیری‌ها و قطب‌بندی‌های بین‌المللی و با علم به آثار جهانی مترتب بر آن، فتوای مذکور را صادر کرد که می‌توان گفت صرفاً عملی بر حسب تکلیف بود.

این فتوا نشان داد که در جایی که هویت و کیان اسلام در معرض تهدید است و ارزش‌های اساسی آن مورد تحقیر واقع شده، محل تأمل در باب سود و زیان یک فعل نیست؛ ولی پذیرش قطعنامه و پایان جنگ هم نشان می‌دهد که امام همیشه فارغ از سود و زیان و نتیجه، تصمیم نمی‌گرفتند.

در واقع عملکرد خود حضرت امام نشان می‌دهد که این کلام در مقامی مصداق دارد که عمل واقعاً از جنس تکلیف، آن هم یک تکلیف بزرگ و حیاتی است و کیان و موجودیت کل مسلمانان به آن بستگی دارد.

۳- آرمانگرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل

با نگاهی به سیره عملی امام خمینی (ره) می‌توان تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را در رویکرد امام به سیاست مشاهده کرد. براین اساس، آنچه از تدبیر در اقوال و اعمال امام برمی‌آید، آن است که ایشان آرمان‌گرایی واقع‌بین بود و حتی در مواردی که به ظاهر حاکی از آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی ایشان است، صبغه‌هایی از هر دو رویکرد ملاحظه می‌شود، بنابراین می‌توان گفت که حضرت امام در اندیشه‌های سیاسی خود، آرمان‌گرا باقی ماند، حتی برخلاف عقیده برخی از تحلیلگران مبنی بر اینکه ایشان در آرا و مواضع سیاسی اواخر عمر پر برکشان به واقع‌گرایی نزدیک شدند، باز هم رعایت مصالح جامعه اسلامی و فراهم شدن شرایط برای تحقق آرمان‌های اسلام و انقلاب در کانون اتخاذ تصمیمات اواخر عمرشان بود.

به‌طور بسیار واضح‌تر می‌توان گفت رهیافت واقع‌گرا در اندیشه امام به نوع و سطح مناسبات امام در صحنه خارجی براساس تجربه تاریخی و مطالعه وضع مسلمانان و مستضعفان جهان و درکی عمیق از سیاست و رفتار بازیگران این عرصه، به ویژه زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ بود.

بنابراین ایشان به دنبال امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی (به عنوان دو پایه عمده سیاست خارجی) بودند و این گونه نبود که به بهانه اخلاق‌گرایی، اصول عقلانی را در سیاست خارجی نادیده بگیرند. از همین جهت است که در عین آرمان‌گرایی به تأمین منافع ملی نیز اهمیت می‌دهد و این را در مقاطع مختلف نشان داده است.

ج) اصول سیاست خارجی از منظر امام (ره)

۱- جهانشمولی اسلامی

رویکرد امام در روابط بین‌الملل رویکرد انزواگرایی نبود، بلکه ایشان به جهانشمولی اسلامی معتقد بودند. ایشان در این باب فرمودند: «این معنا که گاهی اهل غرض و جهال آن را بیان می‌کنند یا نمی‌فهمند یا غرضی دارند زیرا تا انسان جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد نمی‌تواند بگوید که یک نظام باید از دنیا منعزل باشد ما با هیچ ملتی بد نیستیم ما به حسب طبع اولیه می‌خواهیم با همه دولت‌ها دوست باشیم می‌خواهیم که روابط حسنه با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیز داشته باشیم و آنها احتیاج به یک چیز داشته باشند تبادل کنیم مگر این که دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کنند» [۵۷]

۲- نفی سبیل

خط و مشی جمهوری اسلامی ایران در سیاست برون مرزی، نتیجه تجربه امام از نظم حاکم بین‌المللی در عصر استعمار در ایران و کشورهای مسلمان است. به همین دلیل، در آغاز انقلاب، موضع امام در برابر دولت‌های استعماری و استکباری، موضع روشن و شفاف یک پیشوای دینی مسلمان است که بر اساس قاعده نفی سبیل، به هیچ روی اجازه اعمال نفوذ حکومت‌های غیر مسلمان را در قلمرو اسلام نمی‌دهد، بلکه با تأکید بر وحدت اسلامی، در اندیشه صدور انقلاب اسلامی و گفتمان ارزشی و آرمانی آن است. البته از نظر امام حیطة شمول اصل نفی سبیل، محدود به ایران نیست، بلکه ایشان سلطه هر قدرتی را بر شئون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مسلمین نفی می‌کند. در همین راستا حضرت امام همواره سعی کردند با احیای مذهب، نظامی مستقل از خواست شرق و غرب ایجاد کنند، به گونه‌ای که مبانی تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی براساس قرآن، سنت و اجتهاد قرار گیرد.

در این راستا نظریه نه شرقی نه غربی که (از اصل نفی سبیل نشأت گرفته) به باور محققان انقلاب اسلامی از درون مایه‌های فقهی برخوردار می‌باشد، یکی از مهمترین راهبردهای امام در حوزه سیاست خارجی می‌باشد.

۳- حفظ دارالاسلام

از این نظر، مصالح امت اسلامی از دیدگاه امام اولویت دارد و مصالح ملت ایران هم به عنوان جزئی از امت اسلامی در چارچوب مصالح اسلامی مورد نظر است. حمایت‌های ایشان از ملت فلسطین و مبارزه سرسختانه ایشان با رژیم صهیونیستی، در راستای یکی از اصول عمده سیاست خارجی امام (ره) بود.

۴- اصل دعوت به اسلام

می‌توان گفت این اصل یکی از ابتکارات امام خمینی (ره) در جهان فعلی است و حاکی از شجاعت فکری و اعتماد به نفس ایشان است. در شرایطی که اصل دعوت به اسلام، اصل فراموش شده‌ای بود، ایشان این اصل را احیاء کردند و در یکی از شگفت‌انگیزترین اقدامات خود، در پیامی تاریخی به گورباچف، آنان را به اسلام فرا خواندند.

۵- احترام متقابل و رفتار عادلانه

وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تایم از امام راحل سؤال می‌کند که: در جمهوری اسلامی به‌طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟ امام در جواب می‌فرماید: «جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل، قائل است، در صورتی که آنها هم احترام متقابل، قائل باشند.

بنابراین حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور جمهوری اسلامی ایران را ندارند (به استثنای رژیم صهیونیستی) امری اساسی در سیاست خارجی امام است.

در واقع این راهبرد مبتنی بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و بر مبنای گفتگو و احترام متقابل است. لذا این سیاست که تلفیقی از جهانگرایی و منطقه‌گرایی محسوب می‌شود بستر لازم برای سازگاری و انطباق منافع ملت‌ها را فراهم می‌کند.

۶- صدور انقلاب

استراتژی صدور انقلاب یکی از موضوعات مورد توجه در سیاست خارجی امام است که به معنای صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورهای جهان است. از دیدگاه امام خمینی، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است. در این باره امام می‌فرماید: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم

کشورگشایی کنیم. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند نجات بدهند.»

لذا به صورت کلی می‌توان گفت صدور انقلاب از دیدگاه امام که صبغه فرهنگی دارد، در بردارنده چارچوب و مفاهیمی است که تأکید بر تحقق ارزش‌ها در داخل و اهتمام جدی به انتقال آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب در خارج را هم‌زمان مورد توجه قرار می‌دهد تا رابطه منطقی و معقول بین جامعه انقلابی ایران و دیگر جوامع برای انتقال آموزه‌های انقلابی برقرار شود.

۷- برابری حق - قدرت

راهبرد سیاست خارجی امام در این زمینه نیز یک راهبرد تلفیقی است. به این صورت که حضرت امام به تلفیق موازنه قوا اعتقاد دارند. برای نمونه بلافاصله پس از پایان جنگ با عراق هشدار دادند که «با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرت‌ها و نوکرانشان باید جدی بگیریم.»

یا در جای دیگر برای مقابله با تهاجم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی مرتبط با نظام سلطه وظیفه «طرفداران اسلام را برای احقاق خود، مجهز شدن به حربه تبلیغات دانسته تا چهره اسلام و جمهوری اسلامی در معرض شناخت همگان در آورده شود.»

بر همین اساس پیروی از سیاست خارجی و ایجاد روابطی را که منجر به ضرر و ضعف ملت در برابر ابرقدرت‌ها شود را به صلاح ندانسته، ضمن اینکه ایشان در مورد ضرورت دستیابی به قدرت نیز بر این باورند.

«ضعیف محکوم به این است که ابرقدرت‌ها هر چه دلشان می‌خواهد بگویند و هر کاری می‌خواهند سر این ممالک ضعیف بیاورند و آنها هم صحنه بگذارند.»

۸- دفاع از مظلومان و مقابله با استکبار

حضرت امام عقیده دارند اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی، گسترش اسلام در جهان، دفاع از مظلومان و مستضعفین و کم کردن سلطه جهان‌خواران می‌باشد. با این که در سیاست بین‌المللی هدف کشورها پیگیری منافع ملی و به خدمت گرفتن ایدئولوژی به عنوان ابزار منافع ملی و قدرت است که در حوزه جغرافیایی محدود عمل می‌شود، اما در دیدگاه امام مرزها مفهومی ندارند و ایدئولوژی منافع را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۹- صلح خواهی قانونمند

در عرصه روابط بین‌الملل، صلح و ثبات پایدار از اصول مورد قبول و گاه ادعایی و آرمانی همه کشورهاست که التزام عملی کشورها به صلح بیش از ادعاها و قراردادهای فیما بین و نشست‌های سیاسی اهمیت و کاربرد دارد.

از آنجا که اسلام مبنا را بر صلح‌خواهی گذارده است بنابراین مبانی اعتقادی این اصول در سیاست اعلامی و اعمالی جمهوری اسلامی ایران از سوی امام روشن می‌شود. بر همین اساس نوع نگرش امام به صلح و ثبات، با نگرش‌های رایج در عرف سیاسی و روابط بین‌الملل، تفاوت‌های آشکاری دارد.

به نظر ایشان «منشاء نزاع‌ها و اختلاف‌ها خودگرایی است و چنانچه به خداگرایی تغییر جهت نیابد آرزوی دست نیافتنی بشریت صلح خواهد بود.

خلاصه فصل

* خاستگاه اندیشه و سیره سیاسی امام، از اصولی همچون جهان‌بینی توحیدی، وحی الهی، اعتقاد به رستاخیر، عالم غیب، عدالت، اجتهاد، پیوند دین و سیاست، عقلانیت دینی، مصلحت، توجه به مقتضیات زمان و مکان تبعیت می‌کند.

* شاخص‌های خدامحوری در رهبری امام عبارتند از: ۱- تکلیف‌گرایی یا عمل به تکلیف، ۲- مقدم کردن رضایت خداوند بر رضایت خلق و مردم، ۳- اخلاص در عمل.

* تکلیف‌گرایی امام خمینی تنها منحصر در امور فردی نبود بلکه در امور مختلفی اعم از فردی، سیاسی، فکری فرهنگی نیز مصداق داشت.

* نوع نگرش امام به صلح و ثبات، با نگرش‌های رایج در عرف سیاسی و روابط بین‌الملل، تفاوت‌های آشکاری دارد.

* از ویژگی‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می‌توان به ۱- رابطه و پیوند دین و سیاست، ۲- فرهنگ، ۳- وحدت، ۴- مصلحت، ۵- رویکرد جهانی و بین‌المللی در اندیشه سیاسی، ۶- احیای هویت اسلامی، ۷- وحدت، ۸- فرهنگ، ۹- قانونمندی اشاره نمود.

* امام خمینی علل تفرقه را عواملی همچون: ۱- فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام و قرآن؛ ۲- توطئه‌های ابرقدرت‌های سلطه‌گر؛ ۳- اختلاف و تفرقه میان نظرات و آراء عالمان مذاهب اسلام؛ ۴- توطئه دشمنان داخلی می‌دانند.

* فرهنگ از نظر امام خمینی (ره) یک کارخانه آدم‌سازی و سایه‌ای از نبوت است.

* مبانی سیاست خارجی امام (ره) عبارتند از: ۱- اخلاق محوری در روابط بین‌الملل، ۲- اخلاق محوری در روابط بین‌الملل، ۳- نفی سیل، ۴- حفظ دارالاسلام، ۵- اصل دعوت به اسلام، ۶- احترام متقابل و رفتار عادلانه، ۷- صدور انقلاب، ۸- برابری حق - قدرت، ۹- دفاع از مظلومان و مقابله با استکبار.

* اصول سیاست خارجی از منظر امام (ره) عبارتند از: ۱- جهانشمولی اسلامی، ۲- نفی سیل، ۳- حفظ دارالاسلام، ۴- اصل دعوت به اسلام، ۵- احترام متقابل و رفتار عادلانه، ۶- صدور انقلاب، ۷- برابری حق - قدرت، ۸- دفاع از مظلومان و مقابله با استکبار، ۹- صلح خواهی قانونمند.

* از دیدگاه امام خمینی، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است که صبغه فرهنگی دارد و در بردارنده چارچوب و مفاهیمی است که تأکید بر تحقق ارزش‌ها در داخل و اهتمام جدی به انتقال آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب در خارج را هم‌زمان مورد توجه قرار می‌دهد.

منابع مکمل

- ۱- حاجتی، عصر امام خمینی، مؤسسه بوستان کتاب قم.
- ۲- شفیعی، عباس، الگوی رهبری امام خمینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳- امام خمینی (س)، کلمات قصار: پندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مدح خورشید، مرکز نشر انقلاب اسلامی.
- ۴- مصباح یزدی، سیری در ساحل، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (س).
- ۵- اکبری معلم، علی و همکاران، اندیشه سیاسی امام خمینی و نسل سوم انقلاب اسلامی ایران، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، قم ۱۳۹۴.
- ۶- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، نشر معارف.



پی‌نوشت‌ها

- ۱- امام خمینی، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. محل نشر، بیروت، لبنان، ۱۳۸۸، ص ۱۱.
- ۲- همان، ۲۷.
- ۳- صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۳۴.
- ۴- همان، ج ۱۸، ص ۱۲۶.
- ۵- ابن منظور، تاج العروس من جواهر القاموس، ترجمه مرتضی زبیدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۶- مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۲/۶/۵.
- ۷- صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۵۶.
- ۸- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۷۹.
- ۹- ر. ک. مجیدی، هادی، مقاله: «نگاهی به مظاهر تکلیف‌گرایی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، ماهنامه فرهنگ پویا، ۲۸.
- ۱۰- ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، نشر پنجره، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، صص ۲۳-۲۴.
- ۱۱- ر. ک. آقاپیروز، علی، مقاله: «خدامحوری در رهبری امام خمینی رحمه الله»، ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان، شماره ۱۴۰، ۱۳۸۷.
- ۱۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۶.
- ۱۳- (ر. ک. چهل حدیث امام خمینی، ص ۴۱)
- ۱۴- (چهل حدیث، ص ۴۲)
- ۱۵- رک. پاک‌نیا تیریزی، عبدالکریم، مقاله «اخلاص و خدامحوری در زندگی امام خمینی ره»، روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۱۴ خرداد، ۱۳۹۲.
- ۱۶- ولایت فقیه، ص ۵۷.
- ۱۷- کوثر، فرهنگ، پیوند دین و سیاست از نگاه امام خمینی (ره)، آذر ۱۳۷۷، شماره ۲۱-۵.
- ۱۸- اقتباس از: امام خمینی، صحیفه نور، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰/۲۱، ۱/۲.
- ۱۹- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، ۱/۲۳۴.
- ۲۰- پرویز صانعی، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۲.
- ۲۱- نیک گوهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، بی‌جا، رایزن، ۱۳۶۹، ص ۲۸۰.
- ۲۲- ترنر، جان‌تان‌اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۸۰.
- ۲۳- همان، ص ۴۱۸.
- ۲۴- همان، ص ۸۰.
- ۲۵- صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۹۴.
- ۲۶- صحیفه امام، ج ۳، صص ۴۰۶ و ۴۰۷.
- ۲۷- صحیفه امام، ج ۴، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.
- ۲۸- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۷۳.
- ۲۹- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴.
- ۳۰- صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶۰.

- ۳۱- [برداشت‌های از سیره امام خمینی (س)، ج ۴، ص ۲۹۰]
- ۳۲- معنی فرهنگ چیست (چگونه می‌توان انسان با فرهنگی بود، ۱۳۹۳، مهر ۱۳۹۵.
- <http://www.cloob.com/timeline/ans>
- ۳۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۸۳۵۲.
- ۳۴- هنری لطیف‌پور، یدالله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۲.
- ۳۵- صحیفه نور، ج ۶، صص ۲۳۶-۲۳۷.
- ۳۶- امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۲۲، ص ۲۰۱.
- ۳۷- همان، جلد ۵، ص ۲۵۰.
- ۳۸- همان، جلد ۸، ص ۲۳۵۳۹.
- ۳۹- حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۲۹۴۰.
- ۴۰- حدیث ولایت، ج ۸، ص ۷۹.
- ۴۱- حدیث ولایت، ج ۸، ص ۷۸.
- ۴۲- حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۳۰.
- ۴۳- حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۲۸.
- ۴۴- حدیث ولایت، ج ۵، ص ۹۴.
- ۴۵- حسینی، سیدعلی، «نظریه مصلحت از دیدگاه امام خمینی»، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۰.
- ۴۶- حسینی شاهرودی، سیدمحمد، «نقش مصلحت در احکام فقهی»، شهر یور ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱۷-۹۵.
- <http://nvf-kordestan.ir/publish/archive/>
- ۴۷- ولی‌پور زرومی، ف، سیدحسین، «جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- ۴۸- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، «شاخص‌های مکتب سیاسی امام خمینی (ره)»، مجله حصون، شماره ۳، بهار ۱۳۸۴.
- ۴۹- «ویژگی‌های مکتب سیاسی امام خمینی چیست؟»، پرسیمان، خرداد ۱۳۸۴، شماره ۳۳.
- ۵۰- پروانه، محمود، «صدور انقلاب، به مثابه نقشه راه جهان‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، مجله انسان‌پژوهی دینی، (ره شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۸، صفحه ۱۷۱).
- ۵۱- برگرفته از وبلاگ گروه علوم اجتماعی اداره کل شهر تهران oe17.blogfa.com/post/10
- ۵۲- زنگنه پور، غلامحسین، «هویت»، خرداد ۱۳۸۹، ۱۳۹۵-۶-۱۰.
- <http://hoviyatasllami.mihanblog.com>
- ۵۳- کچویان، حسین، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- ۵۴- مولانا، حمید، مجموعه سخنرانی، ۱۳۸۲.
- ۵۵- مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۹.
- ۵۶- گروه نویسندگان، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله)، (۱۳۸۵) چاپ.
- ۵۷- خدادادی، حسن، ر، مبانی، اصول و راهبردهای سیاست خارجی از منظر امام خمینی، خرداد ۱۳۹۳، (۱۳۹۵-۶-۱۳)
- <http://www.farsnews.com>
- ۵۸- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- امام خمینی کدام عنصر را روشی برای رسیدن به هدفی مهم تر در حکومتداری مورد استفاده قرار دادند و به مثابه استراتژی سیاسی از آن بهره بردند.

- الف) مصلحت
ب) آزادی
ج) تکلیف
د) هیچ کدام

۲-..... به عنوان ریشه واصل همه اعتقادات امام در ابعاد معرفتی، اندیشه ورزی و مدیریتی محسوب می‌شود.

- الف) اخلاص در عمل
ب) توحید
ج) تکلیف‌گرایی
د) مصلحت

۳- کدام گزینه به فواید تکلیف‌گرایی اشاره دارد؟

- الف) نگاهی عمیق و بلندبده شخص می‌دهد.
ب) ظرفیت اجتماعی فرد را بالایی برد.
ج) ظرفیت فرهنگی و سیاسی فرد و جامعه را در بر خورد با مسایل و مشکلات بالا برد.
د) همه موارد

۴- اگر دین باسیاست عجین باشد و در تمام صحنه‌های زندگی بشر حضور داشته باشد موجب می‌شود.

- الف) تحرک و پویایی دین
ب) آزادی مطلق
ج) دموکراسی
د) هیچ کدام

۵-..... نظام‌های نمادهایی که در قالب ایده‌های انتزاعی اخلاقی مربوط به خوب و بد، مناسب و نامناسب، درست و نادرست سازماندهی شده اند می‌باشد.

- الف) ارزش‌ها
ب) حاکمیت
ج) هنجار
د) هویت

۶- کدام گزینه به عواقب شوم از نظر امام خمینی (ره) اشاره دارد؟

- الف) افتادن در ورطه ی شرک و نفاق و کفر
ب) سرافکنندگی در پیشگاه با عظمت عدل ربوبی، بندگان صالح خدا
ج) سرافکنندگی در پیشگاه انبیای عظام و ملائکه مقربین
د) همه موارد

۷-.....، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که از سوی مجموعه‌ای از مؤسسات به اجرا گذاشته می‌شود و به عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می‌کند.

- الف) قانون
ب) ارزش‌ها
ج) حاکمیت
د) هنجار

۸- این سخن از کیست؟ «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است... فرهنگ سایه‌ای است از نبوت»

- الف) شهید بهشتی
ب) شهید مطهری
ج) امام خمینی
د) مقام معظم رهبری

۹- قرآن از اتحاد با عنوان سخن به میان آورده است.

- الف) نعمت بزرگ
ب) خیر کثیر
ج) محبت عظمی
د) همه موارد

۱۰- وحدت مورد نظر امام از مرحله شروع و با مرحله خاتمه می‌یابد.

- الف) بیداری- اتحاد جهانی مستضعفان
ب) فرهنگی- اقتصادی

- ج) اقتصادی- فرهنگی
د) هیچ کدام
- ۱۱- کدام گزینه به اصول سیاست خارجی از منظر امام (ره) اشاره دارد؟
الف) جهانشمولی اسلامی
ب) صدور انقلاب
ج) صلح خواهی
د) همه موارد
- ۱۲- این اصل یکی از ابتکارات امام خمینی (ره) در جهان فعلی است و حاکی از شجاعت فکری و اعتماد به نفس ایشان است.
الف) جهانشمولی اسلامی
ب) صدور انقلاب
ج) صلح خواهی
د) اصل دعوت به اسلام
- ۱۳- صدور انقلاب از دیدگاه امام صیغه..... دارد.
الف) اقتصادی
ب) فرهنگی
ج) سیاسی
د) هیچ کدام
- ۱۴- این تعریف فرهنگ از کیست ؟
الف) یدالله هنری لطیف پور
ب) محمد معین
ج) ادوارد تایلر
د) جان اتان ترنر
- ۱۵- از نظر امام خمینی منشأ دین و قانون چیست؟
الف) محبت
ب) عدالت
ج) ولایت
د) شجاعت

سؤال‌های تشریحی

- ۱- ویژگی‌های اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) را نام برده و به اختصار توضیح دهید.
- ۲- خاستگاه اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) را نام برده و به اختصار توضیح دهید.
- ۳- مهمترین اصول سیاست خارجی از منظر امام (ره) را بنویسید.
- ۴- چگونه امام خمینی (ره) به احیای هویت اسلامی اقدام کردند.
- ۵- از دیدگاه امام خمینی (ره) چه راههایی باعث حفظ ارزش‌ها می‌شود؟ نام ببرید.

فصل سوم - اندیشه‌های مدیریتی امام خمینی (ره)

هدف کلی

آشنایی و افزایش دانش فراگیران با اندیشه‌های مدیریتی امام خمینی (ره)

اهداف رفتاری

پس از مطالعه این فصل از فراگیران انتظار می‌رود که:

- اندیشه امام خمینی (ره) را پیرامون مدیریت بیان می‌کنند.
- منشور اخلاقی امام خمینی در مدیریت را تشریح می‌کنند.
- وظایف مردم و دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) را برمی‌شمرند.

اندیشه امام (ره) پیرامون مدیریت [۱]

مدیریت در دیدگاه دینی و اسلامی نوعی ولایت است، در تقسیم بندی کلی دو دیدگاه پیرامون رهبری قابل تصور است: دیدگاه الهی و دیدگاه غیر الهی، اگر کسی به شکل جامع‌الشرایط مدیریت کند ولایت الهی را نمایندگی می‌کند، طرح تئوری ولایت فقیه دیدگاهی نوین در تفکر سیاسی نظریه ارتباط دین و سیاست بود و انقلاب اسلامی با این تئوری و این دیدگاه نوین نهضت خود را با رهبری و مدیریت امام (ره) آغاز کرد و انقلاب اسلامی را به ثمر رساند. نظریه امام تفکری است کاربردی و توانایی رقابت با سایر اندیشه‌ها را دارد و می‌تواند عظیم‌ترین حرکت‌ها را رهبری کند و راهگشایی برای بسیاری از بحران‌های مدیریتی باشد.

امام در مدیریت والائی خویش اصولی را ترسیم کرد که همگی برای حفاظت از گوهر کرامت انسانی پی‌ریزی شده است. در مطالعه دقیق نحوه رفتار مدیریتی امام به این نتیجه خواهیم رسید که اندیشه و عمل مدیریتی امام منطبق بر نظریات دانشمندان و صاحب‌نظران علم مدیریت است ولی بر اساس اخلاق و احساس تعهد دقیق و عمیق دینی، و توجه به آیات الهی و کرامت انسانی که این موارد وجه تمایز دیدگاه مدیریتی امام با سایر دیدگاه‌های مدیریتی می‌شود.

در رهنمودها، پیام‌ها و نوشته‌های امام درس‌هایی وجود دارد که نشانه‌های اصول رهبری می‌باشند و بسیار از آنها ویژگی‌های یک مدیر در جامعه اسلامی را نیز در بر دارند. در این قسمت به‌طور مختصر به طرح بعضی از این اصول که در بحث تربیت مدیران باید به آنها بیشتر توجه کرد.

۱- اسلام محوری

تبعیت از تعالیم مقدس اسلام و به‌کارگیری همه اصول دینی در خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی و شیوه‌های کاربردی مبنای سبک مدیریت امام می‌باشد. امام خمینی (ره) در تمام فرایندهای رهبری و مدیریتی تعالیم اسلامی را سرلوحه تصمیمات و استراتژی خود قرار می‌دادند، زیرا ولایت الهی باید بر اساس اصول دین مقدس اسلام باشد و همیشه در سخنانشان به مدیران و مسئولین حکومتی سرلوحه قرار دادن اسلام و تفکر اسلامی را تذکر می‌دادند.

باید همه ما اسلامی پیش برویم با برنامه اسلامی پیش برویم. پیروزی ما مرهون اسلام است. نه مرهون من است نه مرهون شما و نه مرهون هیچ قوه‌ای، مرهون اسلام است. اسلام به ما این پیروزی را داده است. این یک نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا کرده است و این نعمت را چنانچه شکرگزاری نکنیم ممکن است که یک وقتی خدای نخواستہ از ما بگیرند. [۲]

به سادگی می‌توان دریافت که مدیران در حکومت اسلامی به هیچ عنوان نباید از مسیر اسلام خارج شوند زیرا با وجود سیر در مسیر اسلامی می‌توان به اهداف والایی دست یافت و از چالش‌های که امروزه به دلیل مدیریت غربی در اقصی نقاط جهان شاهد آن هستیم دور ماند زیرا فقط در دین مبین اسلام است که کرامت و ارزش واقعی انسان رعایت می‌شود و انسان را از پوچی، تهی‌بینی و دنیایی مبتنی بر مادیات دور نگه می‌دارد و معنویات را وارد محیط زندگی و کار انسان‌ها می‌کند.

۲- اصل خدمت

کسی که خود را خادم می‌داند ولو در هر منصبی باشد. امام خمینی (ره) همیشه مدیران و مسئولین دستگاه‌های دولتی را خدمتگزاران مردم می‌دانست و هیچ‌گاه پست و مقام را مانع از خدمتگزاری به مردم نمی‌دانست. خدمت به ملت یکی از اصول اسلامی و جدایی‌ناپذیر حکومت ولایی است و همیشه در فرمایشات امام بحث خدمت به ملت بسیار جدی و به‌طور مستمر توصیه می‌گردید. این ملت حق دارد، دست شما را گرفته آورده این بالا نشانده، شما باید خدمت کنید به این مردم؛ شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم. اینها بندگان خدا هستند، خدای تبارک و تعالی، علاقه دارد به این بندگان و ما مسئولیم، باید خدمت بکنیم. [۳]

امام خدمت به مردم را تا جایی توصیه می‌کردند که مردم قانع شوند و تأکید امام در خدمت به مردم در حدی بود که لذت خدمتگزاری را به رهبری ترجیح می‌دادند و در یکی از بیاناتشان فرمودند: اگر به من خدمتگزار بگوئید بیشتر لذت می‌برم تا اینکه رهبرم بخوانید. می‌توان این برداشت را کرد که حکومت اسلامی حکومت خدمت و رفع مشکلات مردم است و مدیران و مسئولین این حکومت همگی خدمتگزار این مردم هستند تا آنجا که رهبری همچون امام خمینی (ره) خود را خدمتگزار این ملت می‌داند.

۳- اصل ساده زیستی

حضرت امام (ره) در اصل ساده‌زیستی هم خود مرد عمل بودند و هم کارگزاران را به شدت از اخلاق کاخ‌نشینی بر حذر و زیستن همانند مردم عادی و متوسط را توصیه می‌کردند. امام به‌عنوان یک رهبر انقلابی بزرگ با ساده‌زیستی خود یک الگوی زندگی را به جامعه معرفی می‌کند. انگیزه و نیت درونی در این نوع ساده‌زیستی معنوی و قصد قربت الهی است که نمونه‌های از این نوع ساده‌زیستی را می‌توان در سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) مشاهده کرد. در این صورت مسئولین می‌توانند وضعیت معیشتی مردم را در اقسام مختلف مورد توجه قرار دهند و در پی حل مشکلات آنها بر آیند. حضرت امام خمینی (ره) در ارشادات کریمانه خود ساده‌زیستی و دوری از تشریفات را به مسئولین و مدیران نظام توصیه می‌کردند.

یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده‌زیستی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده‌زیستی می‌کردند، آنهایی که منشاء آثار بزرگی بودند، در زندگی ساده‌زیستی کردند. اینهایی که بین مردم موجّه بودند که حرف آنها را می‌شنیدند، اینها ساده‌زیستی کردند. . .

هرچه بروید سراغ اینکه یک قدم بردارید برای اینکه خانه تان بهتر باشد، به همین مقدار از ارزشتان کاسته می‌شود. ارزش انسان به خانه نیست به باغ نیست به اتومبیل نیست، اگر ارزش انسان به اینها بود انبیاء باید همین کار را بکنند. [۳]

در خصوص رعایت ساده‌زیستی در مورد امام خمینی (ره) می‌توان به مجله چینی زبان «گلوبال تایمز» اشاره کرد که مصادف با سی امین سالگرد تأسیس جمهوری اسلامی ایران مقاله‌ای را با عنوان امام خمینی، «بزرگ مرد تاریخ ایران» منتشر کرد که به قسمت‌هایی از این مقاله اشاره می‌کنیم:

خبرنگار این مجله با اشاره به سفر اخیر خود به تهران و بازدید از حسینیه جماران، زندگی امام خمینی را زندگی «بسیار ساده» و خانه آن حضرت را خانه‌ای «محقر» توصیف کرد و نوشت: با عبور از چندین خیابان نه‌چندان عریض به خانه محقر امام خمینی در منطقه جماران می‌رسیم. «ابتدا هر کسی تصور می‌کند که با توجه به عزت و افتخار امام خمینی (ره)، زندگی و منزل او نیز باید بسیار مجلل باشد اما هر بیننده‌ای با تماشای خانه کوچک و بی‌آلایش امام پی به عظمت این مرد می‌برد.» نویسنده در گزارش خود می‌افزاید: یکی از نکات قابل تأمل این است که زندگی امام خمینی از ابتدا تا پایان عمر نیز در همین سادگی و بی‌آلایشی سپری شده است. خبرنگار چینی در گزارش خود از مشاهداتش از اتاق مخصوص اقامت و محل کار امام می‌نویسد: این اتاق فقط ۱۲ متر مربع وسعت دارد و این اتاق محل کار ایشان نیز بوده است. «ماشائولین» با ذکر این مطلب که «اصلاً نمی‌توان باور کرد که خانه امام خمینی آنقدر ساده و بی‌آلایش و کوچک بوده است» می‌نویسد: در اتاق امام یک جلد قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان، یک سجاده و یک تسبیح مشاهده می‌شود و همه مال و دارایی امام خمینی را همین وسایل تشکیل می‌دهند. [۴]

یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های حضرت امام خمینی، ساده‌زیستی ایشان بود. ایشان یکی از بهترین راهکارهای مبارزه با استکبار و ابرقدرت‌ها را ساده‌زیستن می‌دانستند به طوری که می‌فرمودند: اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرت‌ها و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان بدر نکند، خود را به «ساده‌زیستن» عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید. مردان بزرگ که خدمت‌های بزرگ برای ملت‌های خود کرده‌اند، اکثراً «ساده‌زیست» و بی‌علاقه به زخارف دنیا بوده‌اند. . . چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزش‌های انسانی و اسلامی را حفظ کرد. [۶]

به این نتیجه با ارزش می‌رسیم که ساده‌زیستی در زندگی افراد بویژه مسئولین و مدیران آنها را با معنویات و مردم‌عادی نزدیک‌تر می‌کند و دوری از ساده‌زیستی می‌تواند باعث تعلقات قلبی و روحی به جاه و مقام و مادیات و دوری از مردم‌گردد و انسان در برابر نیروهای شیطانی شکست خورده و از مسیر الهی خارج شود.

۴- برقراری عدالت

حضرت امام خمینی (ره) به عدالت اجتماعی و عدالت دینی و قانون‌گرایی بسیار تأکید داشتند و عدالت‌گرایی نزد ایشان از جایگاه و ارزش خاصی برخوردار بود و همه دولتمردان و مسئولین را ملزم به رعایت قانون می‌کردند و از آنها می‌خواست تا در برقراری عدالت پیشقدم باشند و هیچ‌گونه قصور و غفلتی در گریز از عدالت برای ایشان قابل توجه نبود. امام بر عدالت اجتماعی و زندگی عادلانه برای همه مردم اصرار داشتند و همیشه در سخنان ایشان عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گرفت زیرا ایشان معتقد بودند عدالت فطری است و همیشه باید در نهاد انسان آن را زنده نگه داشت. امام (ره) در کتاب ولایت فقیه، در تأکید بر عدالت نوشته‌اند:

حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته است که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است. [۷]

تعبیر حضرت امام خمینی (ره) در مورد عدالت به قرار زیر است (۸)

الف) عدالت به معنای قایل نشدن امتیاز برای قشرهای (خاص) است، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند.

ب) عدالت به معنای این که: طبقات مختلف به طبقه پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده شود. . . در نظام عادلانه‌ی (جمهوری اسلامی) اینطور مسائلی که زورگویی باشد نیست. طبقه‌ی غنی نمی‌تواند بر طبقه‌ی فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار بکند، نمی‌تواند آنها را با اجر کم وادار به عمل‌های زیاد بکند. . . باید مستضعفین حمایت شوند، تقویت بشوند، مستکبر باید مستضعف شود، بلکه همه با هم برادر وار در این مملکت همه با هم باشند.

ج) عدالت به معنای «قیام انسانها به قسط» که به معنای «رفع ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها» است.

د) اقامه‌ی عدل یعنی «نجات مستمندان از زیر بار ستمگران» و «کوتاه کردن دست ستمکاران».

ه) بسط عدالت یعنی «رفع یادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی، تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام».

با توجه به اینکه اصل برقراری عدالت هم یکی از اصول رهبری و ولایت در دیدگاه امام بوده و گسترش عدالت به‌ویژه عدالت اجتماعی را موجب پیشرفت و تعالی انسانها می‌دانستند مدیران امروز هم باید نسبت به گسترش عدالت در محدوده مسئولیتشان توجه ویژه داشته باشند.

اصول مدیریت نوین در شیوه مدیریتی امام (ره)

با مطالعه شیوه‌های مدیریتی امام خمینی (ره) در طول دوران رهبری انقلاب، می‌توان دریافت کلیه اصول و مبانی دانش مدیریت از قبیل هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقسیم‌سازی، تصمیم‌گیری، کنترل و نظارت در تمام تصمیمات‌شان به کار گرفته شده است و از آنها در سیاست کلان کشور و امر توسعه و سیاست خارجی و عدالت اجتماعی در کنار آرمان‌های اسلامی و انقلابی و اصول دینی بخوبی استفاده کرده‌اند. مدیریت سیستمیک بحران‌های سیاسی و جنگ و همچنین مدیریت کارزماتیک بحران‌های سیاسی برآیند چنین مدیریتی بود که توانست مردم را در تمام صحنه‌های انقلاب حفظ کند.

امام خمینی (ره) با برخورداری از بینش عمیق نسبت به انسان، هستی و رابطه آن با یکدیگر و نقش اسلام و توجه به کرامت انسان و الهی بودن و رهبری بر توده‌های مردم مدیریت می‌کردند. ایشان معتقد بودند تا زمانی که انسان بر نفس خویش مدیریت پیدا نکند نمی‌تواند بر دیگران مدیریت نماید و در آنها نفوذ نماید.

امام خمینی (ره) در دوران رهبری خویش بر انقلاب نشان دادند که در تمام زمینه‌های علم مدیریت نوین تسلط کامل دارند و تمام تئوری‌ها و نظریات این علوم را در قالب اسلام بصورت عملی و علمی اجرا کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به (مدیریت بحران) اشاره کرد. امروزه مدیریت بحران یکی از اجزای بلاتفکیک و از مشغله‌های عمده در سطوح عالی مدیریت امنیتی محسوب می‌گردد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان داخلی و خارجی در تلاش بودند تا از پیشرفت‌ها و پیروزی‌های چشمگیر این انقلاب به هر نحو ممکن جلوگیری کنند، لذا دست به اقداماتی از قبیل ایجاد ناامنی، آشوب، کودتا، تفرقه افکنی و تحریم می‌زدند که امام هوشمندانه با اعتماد به نفس و با استعانت از قدرت بی‌منتهای الهی و با پشتیبانی مردم متدین موفق به اداره این بحران‌ها گردیدند و در شرایط دشوار جنگ تحمیلی و وجود تحریم‌های اقتصادی و نظامی با درایت و استراتژی خاص ایشان با کمترین فشار به مردم توانستند موانع را پشت سرگذارند و جهانیان را متعجب و دشمنان را مأیوس نمایند.

یکی دیگر از توانایی‌های حضرت امام خمینی (ره) که اندیشمندان را و سیاستمداران را به تأمل واداشته بود (مدیریت راهبردی و مدیریت سیاست خارجی) ایشان بود. امام براساس جهان‌بینی اسلامی به انقلاب می‌نگریست و آن را محدود و محصور در مرزهای ایران نمی‌دانست و در جهت احیای امت اسلامی واحد و ساخت حکومت الگو و ام القری برای جهان اسلام و سایر کشورهای

آزادیخواه و مستضعفین از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. امام نگاهی جهانی داشتند و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی را مبین نوعی احساس مسئولیت نسبت به جامعه جهانی تلقی می‌کردند، تأکید بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری و نفی سلطه و سلطه‌گری از مبانی فکری امام بود. نمونه‌ای از این مدیریت سیاست خارجی را می‌توان به ارشادات کریمانه امام (ره) در نامه معروف خود به گورباچف آخرین رهبر شوروی سابق اشاره کرد. امام در این نامه دریا و دنیایی از کرامت را برای جهانیان به نمایش گذاشت و همچنین حاوی یک پیش‌بینی بود که پس از چندی تمام این پیش‌بینی‌ها تحقق یافت.

امام خمینی (ره) در نگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران شرق و غرب [۹]

اندیشمندان و صاحب‌نظران معتقدند با پیروزی انقلاب اسلامی و نشر اصول الهی آن و رهبری امام خمینی (ره) دین و دینداری در جهان گسترش یافته است و کلیساها جان تازه گرفته‌اند و حتی مذهبی بودن در اروپا ارزش و معنای تازه‌ای پیدا کرده است. عصر امام، عصر احیای دین و معنویت در جهان معاصر می‌باشد.

پرفسور حمید مولانا که رئیس و بنیانگذار بخش ارتباطات بین‌المللی دانشگاه امریکن در واشنگتن دی سی است اظهار می‌دارد: به عقیده من هیچ صدایی در قرن بیستم مثل صدای امام خمینی (ره) جهان را به لرزه در نیاورد. امام خمینی (ره) پس از جنگ جهانی اولین شخصیتی بودند که به صورت جهانی طلسم سکوت را در مقابل طاغوت و ظلم شکستند. اگر این طلسم شکسته بود امروز شوروی زنده بود.

روزنامه هرالد تریبون هم درباره امام خمینی (ره) لب به اعتراف می‌گشاید و می‌نویسد: آیت الله خمینی یک انقلابی خستگی‌ناپذیر بود که تا آخرین لحظه حیات به آرزوی خود برای پی‌ریزی یک جامعه اسلامی و حکومت اسلامی در ایران وفادار ماند. آیت الله خمینی در آنچه برای سرزمین باستانی‌اش می‌خواست لحظه‌ای درنگ نکرد. وی خود را مأمور می‌دانست که می‌باید ایران را از آنچه فساد و انحطاط غرب می‌دید پاک کند و خلوص اسلامی را به ملت بازگرداند.

روزنامه تایمز لندن که به سخنگوی دو‌بیست ساله دولت استعماری انگلیس معروف بوده است، در توصیف امام خمینی (ره) می‌نویسد: امام خمینی (ره) مردی بود که توده‌ها را با کلام خود مسحور می‌کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و به طرفداران فقیر و محروم خود اعتماد به نفس می‌بخشید. این احساس آنها را قادر ساخت تا هر کسی را که سر راهشان باشد از بین ببرند. وی به مردم نشان داد که حتی می‌توان در برابر قدرت‌هایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید.

ولی امروز، آن رهبر الهی، اکنون در میان ما نیست و در بستر رضوان الهی آرمیده است، اما پیامش، آرامش و راهش و ارزش‌هایی که آفرید در دست ما به امانت باقی است.

نتیجه‌گیری

مدیریت و رهبری موضوعی است که تقریباً به عمر تاریخ قدمت دارد. اهمیت این موضوع در بسیاری از حرکت‌های اجتماعی و وقایع تاریخی به خوبی نمایان است. ولی چگونه می‌شود اندیشه‌ای جاودانه می‌ماند و سرلوحه عملکرد و تفکر بسیاری از اندیشمندان و آزاداندیشان این جهان می‌شود. بقای این جاودانگی در رفتار مدیریتی و رهبری امام خمینی (ره) بر می‌گردد، به نگرش الهی و قرآنی و آزادیخواهانه امام که موجب تقویت نفوذ ایشان بر قلب‌های مستضعفین جهان شد و لرزه بر بنیان کاخ ظالمان انداخت.

کتاب کشف الاسرار امام خمینی (ره) که به ترسیم اهداف به صورت بیان ارزش‌ها، بایدها و نبایدها پرداخته است و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از سؤالات ما باشد که مطالعه آن به دانشجویان و دانش‌پژوهان گرامی توصیه می‌شود و می‌تواند بر دیدگاه مدیران تأثیر ژرفی بگذارد.

منشور اخلاقی امام خمینی در مدیریت [۱۰]

اگر نظری به نحوه رفتار مدیریتی امام خمینی (ره) داشته باشیم اخلاق‌مداری و احساس تعهد و رفتار عمیق دینی را در مشی سیاسی و مدیریتی ایشان خواهیم دید. در بین معتقدین به جایگاه مثبت اخلاق در عالم سیاست برخی اخلاق را بازتاب شعور دینی و التزام به هنجارهای ارزشی که از سوی دین تجویز شده دانسته‌اند. برخی اخلاق را بازتاب شعور اجتماعی دانسته و درک و تعریف آن را به صورت اصولی و معیاربندی شده در اجتماع میسر می‌دانند. اخلاق فردی نزد ایشان جایگاهی ندارد چرا که انسان در اثر تعامل با دیگران است که به مصداق‌یابی در ارزش‌گذاری معیارهای اخلاقی می‌پردازد. گروهی دیگر، اخلاق را امری فردی و بر مبنای وجدان، توجیه و تعریف می‌کنند (کاظمی، ۱۳۷۶، ۳۷، ۳۴) گروه اول را الهیون، دومین گروه را اجتماعيون و گروه آخر را وجدانیون می‌نامیم.

برخی امام را در گروه اول قرار می‌دهند و نظریه اخلاقی سیاست امام را از آن منظر بررسی و توجیه می‌کنند که البته تلقی درستی بوده و قابل انکار نیست لیکن نباید ابعاد دیگری که امام علاوه بر دیگر دیدگاه‌های الهیون مورد توجه قرار دادند مغفول واقع شود لذا نگارنده معتقد است جایگاه اخلاق در نظر و عمل سیاسی امام فقط محدود به تعهد دینی نمی‌شود بلکه تعهد به جامعه و مردم و تعهد به نفس و وجدان را نیز باید به آن اضافه نمود.

البته این تعهد ناشی از اعتماد ایشان به خدا، به نفس و به مردم و بیانگر قاعده حسن ظن به عنوان یک اصل اخلاقی مؤکد در اسلام است.

تبلور تعهد در نگرش امام (ره)

تعهد امام به حوزه‌های سه‌گانه دین، جامعه و نفس، منجر به شکل‌گیری یک مثلث اساسی در نگرش امام می‌شود. ثمره تعهد به دین، تکلیف‌گرایی است و تعهد به جامعه، نظریه مصلحت را شکل می‌دهد و تعهد به نفس منجر به آرامش روحی و روانی امام می‌گردد.

تکلیف‌گرایی

حضرت امام (ره) با الهام از آموزه‌های قرآنی که هدف بعثت انبیاء را برقراری عدالت می‌دانند، سیاست را وسیله‌ای برای رسیدن به عدل به حساب می‌آورد. «عاهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام اسلام است» (خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ۴۴).

در جایی دیگر در یک موضع‌گیری تاریخی می‌فرمایند: «ما مأمور به انجام وظیفه و تکلیفیم نه حصول نتیجه». (کلمات قصار، ۱۳۷۴، ۵۰)

امام (ره) با تأثیر از نهضت سیدالشهداء (ع) تأکید داشتند: «سیدالشهداء (ع) و اصحاب او آموختند تکلیف را؛ فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان». (صحیفه، ۱۷، ۵۹)

او استراتژی مدیریتی خویش را با الهام از تکلیف‌گرایی قرآن و سیدالشهداء(ع) اتخاذ کرده و توجیه قواعد عرفی «نادرستی مبارزه اقلیت در برابر اکثریت» را به شدت رد می‌کردند. سیاست مداری از نظر امام یک شغل نبوده بلکه یک وظیفه است. (سادات نقوی، سایت امام خمینی(ره))

آرامش روحی

حضرت امام(ره) با نیروی الهی اعتماد به نفسی که داشتند در موضع‌گیری‌های خویش در برابر بحرانی‌ترین حوادث و شرایط، خونسردی و آرامش خود را چنان حفظ می‌کردند که در پاره‌ای مواقع اسباب شگفتی می‌شد.

وقتی خبر شهادت حاج آقا مصطفی (ره) (فرزند ارشد امام که خیلی محبوب امام بودند) به ایشان رسید، امام در پیامی به ملت ایران فرمودند: «این طور قضایا مهم نیست. خیلی پیش می‌آید. برای همه مردم پیش می‌آید. . . یک الطاف خفیه‌ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم. . .» (صحیفه، ۱، ۲۵۵) ایشان حتی در مراسم تشییع و خاکسپاری هم شرکت نکردند و شب هنگام پس از زیارت حرم مطهر حضرت علی (ع) بر سر مزار فرزندش رفته و با چهره‌ای باز و آرام نخست برای یکایک عالمان مدفون در آن مقبره، اعلام قرائت فاتحه کردند و در پایان از حاضران خواستند برای مصطفایش طلب مغفرت کنند و در حالی که همه چشم‌ها گریان بود، در پایان بدون کوچک‌ترین آزرده‌گی و گرفتگی از حاضران تشکر و از آنجا بیرون رفتند. (روزها و رویدادها، ۳، ۱۳۷۷، ۴-۱۲۳)

امام در شب کودتای نوژه مورخه ۱۳۵۹/۴/۱۹، علیرغم اطلاع از آن و اینکه ممکن است محل سکونتش بمباران شود، منزل خود را ترک نکرد و این خبر نه تنها هیچ تأثیری در زندگی روزمره‌اش نمی‌گذاشت بلکه او را در تصمیم بر ادامه راه جدی‌تر و مستحکم‌تر می‌کرد (گونه‌شناسی بحران‌ها، ۱۳۸۱، ۱۰۵)

او پس از قریب یک قرن عمر پر برکت خویش در وصیت‌نامه الهی سیاسی خویش تصریح می‌کند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت شما خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.»

جایگاه مصلحت اندیشی

یکی از ابتکارات حضرت امام (ره) طرح مقوله مصلحت است که بر مبنای فقه پویای جواهری ارائه و منجر به ارائه الگوی حکومتی جمهوری اسلامی شد (افتخاری، ۱۳۸۴، ۹۴۱) و این امر براساس اخلاق و تعهد به مردم، منجر به انجام برخی از رفتارهای سیاسی امام با توجه به مصلحت بود.

امام در خصوص اهمیت مصلحت فرمودند: «مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال ببرد». جایگاه مصلحت به قدری مهم است که حاکم اسلامی می‌تواند قراردادهای شرعی که خود با مردم بسته است را در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند. تصریح کلام امام (ره) و اقدام عملی ایشان در ارتباط با مسأله حج حکایت از آن دارد که اولویت مصلحت از معنا و محتوای نظریه ولایت فقیه، امری پذیرفته شده می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۸۳، ۱۶) تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در اواخر بهمن ۱۳۶۶ با فرمان ایشان و تأکید بر اینکه غفلت از مصلحت گاهی موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد صورت گرفت. [۱۱]

استراتژی مدیریت مبارزاتی امام

امام (ره) در رهبری انقلاب تا ۲۲ بهمن ۵۷، چهار دوره را پشت سر گذاشتند:

— فردسازی (از ابتدا تا ۱۶ مهر ۱۳۴۱)

— رهبری سیاسی مذهبی (از ۱۶ مهر ۴۱ تا ۱۳ آبان ۴۳)

— رهبری در تبعید (از ۱۳ آبان ۴۳ تا ۱ آبان ۵۶)

— فرماندهی مبارزات (از ۱ آبان ۵۶ تا پیروزی انقلاب ۵۷)

طی این چهار دوره، امام با اتخاذ دو استراتژی تعلیم و تبلیغ و مبارزه منفی، هدایت گروه‌های انقلابی را به دست گرفتند و ضمن مخالفت با استراتژی پارلمانی که توسط برخی گروه‌ها تجویز می‌شد، به مبارزه مسلحانه نیز اعتقادی نداشتند.

استراتژی پارلمانی که استراتژی اصلی نهضت آزادی علیه رژیم شاه بود در دیدگاه امام جایی نداشت چراکه مبارزه را در آن دوران مشکل می‌نمود. قبول این گونه مبارزه مستلزم به رسمیت شناختن رژیم و قانون اساسی بود که برابر بود با زیر پا گذاشتن تعهد نسبت به دین و جامعه دیندار و حتی نفس مهذب، وقتی حکومت هیچ تعهدی نسبت به دین و مردم ندارد چطور امام آن حکومت را به رسمیت بشناسد «هل جزاء سیئه سیئه مثلها» (شوری، ۳۰) حضرت امام (ره) شجاعانه، در برابر این استراتژی ایستاد و در نامه‌ای به اتحادیه دانشجویان در تاریخ ۵۶/۱۱/۲۴ تصریح کردند: «... و جدا از خواسته‌هایی که لازمه‌اش تأیید رژیم پهلوی است اجتناب کنید». (صحیفه نور، ۱، ۴۶)

غیر اخلاقی بودن و ناکارآمدی این استراتژی دلیل مخالفت امام با آن بود:

۱. ثقل گسترده انتخاباتی که بیانگر نادیده گرفتن حقوق و آزادی مردم و برگزاری انتخابات فرمایشی بود.
۲. فقدان تشکیلات سیاسی مردمی و آزاد: تنها احزابی که قدرت داشتند، احزاب دست پرورده رژیم مثل حزب ملیون و حزب مردم بودند و در سال ۱۳۵۳ با انحلال احزاب، حزب واحد رستاخیز روی کار آمد.
۳. بی‌توجهی به آراء و حقوق مردم: طبق اصل ۴۸ قانون اساسی، شاه می‌توانست هر یک از مجلسین شورای ملی و سنا یا هر دو را در آن واحد، منحل کند. (خسروی، ۱۳۷۹، ۲۳۰)

در خصوص استراتژی مسلحانه، امام مخالفت علنی و جدی نکردند چون نمی‌خواستند گروه‌هایی مثل سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق را از همان ابتدا طرد کنند و مهلت دادند تا با اصلاح انحرافات خویش در صف انقلابیون باقی بمانند چراکه مدیریت امام (ره) مبتنی بر استفاده از هر گونه ظرفیت برای وحدت و همبستگی مردم بوده و تعهد امام به مردم مانع از هر گونه تدبیر مغایر آن بود. از طرفی با توجه به اقتضای شرایط داخلی و خارجی، احتمال تلفات گسترده و اعتقاد به سیاست پیروزی خون بر شمشیر، اعتقادی به مبارزه مسلحانه نداشتند. (همان، ۲۸۲) و با هوشمندی می‌دانستند رویارویی ملت مسلح، منجر به تقویت دشمنی بین ارتش و ملت شده و دیگر نمی‌شود در قلوب ارتشیان نفوذ کرد و امام با برادر خواندن ارتش برای ملت، از آنان خواست تا در کنار ملت قرار گیرند. (همان، ۷۱) تز مردمی بودن ارتش در زمان انقلاب یکی از بهترین تدابیر امام بود که با تاکتیک اهداء گل در برابر گلوله به ثمر نشست. (صدر، سایت امام خمینی (ره) مهم‌ترین استراتژی امام تعلیم و تبلیغ بود: «تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. وظیفه فقها، است که عقاید و احکام و نظامات اسلام را تبلیغ کنند و به مردم تعلیم دهند تا زمینه برای اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام در جامعه فراهم شود». (خمینی، ۱۳۷۹، ۱۲۰) ایشان تمامی اجتماعات مسلمین را در خدمت تبلیغات و تعلیمات به منظور تقویت عواطف برادری و همکاری، راه‌حل پیدا نمودن برای مشکلات جاری، جهاد و کوشش دسته جمعی می‌خواستند. (همان، ۲-۱۳۱)

تعهد به دین

امام (ره) با شناخت کامل و جامعی که از دین داشتند به صورت تئوری و عملیاتی به مخالفت جدی با تز جدایی دین از سیاست پرداختند. درس‌های امام در خصوص حکومت اسلامی در نجف (۴۸/۱۱/۱ تا ۴۸/۱۱/۲۰ هـ ش) و تلاش عملی ایشان در مبارزه با رژیم طاغوت که ضد دین بود مؤید این ادعا است. ایشان با اعتقاد به قاعده تدریج در عمل، مبارزه را با نوشتن کتاب کشف‌الاسرار آغاز کردند و در آنجا تصریح کردند که «جز سلطنت خدایی، همه سلطنت‌ها خلاف مصلحت مردم است. جز قانون خدایی، همه قوانین باطل و بیهوده است». (کشف‌الاسرار، بی تا، ۱۸۶) سپس با موعظه و نصیحت، فرستادن نماینده به دربار، تهدید و درنهایت مخالفت جدی با سلطنت، اصل تبلیغی مبارزه را که قاعده تدریج باشد را حفظ کرد و بر انجام ادای تکلیف تأکید داشتند.

تعهد به جامعه

حضرت امام (ره) به نیروی مردم، اعتماد عجیبی داشتند؛ شهید مطهری (ره) در این باره فرموده‌اند: «من با رهبران بزرگ دنیا اعم از مذهبی، غیر مذهبی و ضد مذهبی آشنا هستم، هیچ کدام به اندازه امام به مردم معتقد نبودند». (صدر، پیشین) امام به پاکی و خلوص مردم ایران و جهان اعتقاد داشتند و آنان را دارای فطرت پاک انسانی می‌دانستند و خلاف شاه که لبخند به خارج و اخم به مردم داشت، ایشان لبخند به مردم و اخم به خارج (قلدر و مستکبر) داشتند. امام، مردم را جانشین خدا در زمین و آنان را خانواده باریتعالی می‌دانستند. ایشان اعتقاد داشتند مردم پاک و فداکار بوده برای انجام هر کار مثبتی آمادگی دارند. مردم ایران را با یاران نزدیک پیامبر و ائمه اطهار (ع) مقایسه نموده و بر مردم زمان صدر اسلام ترجیح می‌دادند و می‌فرمودند: «اینها آقای ما هستند، اینها به ما منت دارند» (صحیفه، ج ۱۸، ۱۵۹) و (من دست اینها را می‌بوسم). (صحیفه، ج ۱۰، ۲۱۹)

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: (امام) در سخت‌ترین مراحل به مردم اطمینان فراوان داشتند. در یکی از پیام‌های خود به مردم فرمودند: «من شما را خوب می‌شناسم، شما هم من را خوب می‌شناسید». (خسروی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷) اما در جواب طرفداران سیاست گام به گام که مبارزه با استبداد را توأمان ناممکن می‌دانستند، می‌نویسند: «من با شاه با یک قلم و چند صفحه کاغذ مبارزه می‌کنم و اگر یک وقت محتاج به کمکی باشم ملت من به من کمک خواهد کرد.» (سلطانی، ۱۳۶۲، ۹۷) این اعتقاد و اعتماد به مردم پشتوانه تعهد امام به مردم بود.

حضرت امام (ره) بر اثر تهذیب نفس و خودباوری و اعتماد به نفس، به مراتب بالای آرامش رسیده بودند. تصمیم‌گیری‌های امام ناشی از نگرش اعتقاد به وجود رابطه مستحکم بین بینش‌ها و گرایش‌ها است که براساس آن ریشه تمام معضلات بشر فقط در مسائل اجتماعی نیست بلکه عامل اساسی، عدم تهذیب و تزکیه و فقدان گرایش‌های معنوی است. (عیوضی، سایت امام خمینی) لذا با اساس خواندن روح و نفس انسان، خاستگاه تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای انسان به آن برمی‌گردد. پس باید به نفس و روح توجه کرد و آن را پرورش داد و تقویت نمود و با طی سیر مراتب عرفانی نفس به نفس مطمئنه رسید که قادر به خالقیت و تحول‌آفرینی و امور «کن فیکون» است. لذا امام نظریه انقلاب درونی را مطرح می‌کردند که انسان دارای روحی است و جسمی، که انسان به روح انسان است نه جسم؛ لب انسان، روح انسان است. (صحیفه، ج ۵، ۱۱۴)

شجاعت، صراحت، صلابت، عدم ذلت‌پذیری و عزت نفس بالا از ثمرات اعتماد به نفس امام بود که تاریخ مبارزات امت مسلمان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، در هر لحظه و هر صحنه آنها را به تصویر می‌کشد، وقتی دکتر امینی، نخست وزیر وقت، قرار بود خدمت امام (ره) در قم برسد، امام با اکراه پذیرفتند اما با رسیدن امینی سریع اتاق را ترک کرده و به اندرونی رفتند امینی و

اطرافانش آمدند و منتظر ماندند، امام که آمدند همه به احترام امام بلند شدند و پس از نشستن، امام شروع به نصیحت و انتقاد از امینی کردند امام در این برخورد، دو درس دادند:

- ۱- از طرفی نمی‌توانستند حضور داشته باشند و به مهمان احترام نگذارند که حمل بر بی‌ادبی و عدم رعایت شئون معاشرتی شود.
 - ۲- از طرفی نمی‌توانستند احترام بگذارند که تأیید نظام ظالمانه شاهنشاهی باشد، لذا غایب شدند و ضمن نشان دادن عزت یک مسلمان و اسلام، اعتراض خود را با نصیحت و نقادی به رژیم ظلم و ستم اعلام نمودند. (فرامرز قراملکی، ۸۳)
- امام هرگز تن به سازش و ذلت در برابر اجانبی که متکبران و قلدرانه در پی ربودن منابع معنوی و مادی ملت ایران بودند نمی‌داد و می‌فرمودند: «ما باید سال‌های طولانی زحمت و مشقت بکشیم یا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیاییم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم. اگر این مهم را انجام دادیم مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضرر بزند» (صحیفه، ۱۵، ۱۹۲) در جای تأکید کردند: «اطمینان داشته باشید اگر بخواهید می‌شود، اگر بیدار شوید می‌خواهید، شما بیدار شوید و بفهمید... غربی‌ها از ما بالاتر نیستند.» (صحیفه، ۱۳، ۲۸۶)
- امام (ره) اعتماد به نفس خویش را با کلام نافذ خویش به مردم تلقین می‌کردند و آنان را صبور و با شهامت می‌نمودند. نشریه تایمز لندن می‌نویسد: «خمینی مردی بود که توده‌ها را با کلام خویش مسحور می‌کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و به طرفداران فقیر و محروم، اعتماد به نفس می‌بخشید. این احساس آنها را قادر می‌ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستد، با مشت از بین ببرند. وی به مردم نشان داد که حتی می‌توان در برابر قدرت‌هایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید.» (خسروی، ۳۱۴) امام با القای امید و نوید پیروزی به ملت برای تقویت روحیه فرمودند: «من به شما و آقایان محترم و به ملت ایران، اطمینان می‌دهم که دستگاه با شکست مواجه خواهد شد. (همان، ۳۱۱)

وظایف مردم و دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) [۱۲]

یکی از ابعاد مهم نظریه سیاسی امام، بحث از «مردم» و نقش آنان در حکومت است. و ما در این قسمت از درسنامه به دنبال بررسی نظر حضرت امام در باب جایگاه مردم در حکومت اسلامی و حقوق متقابل مردم و دولت اسلامی هستیم.

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که در پرتو پایبندی به این حقوق و ایفا و استیفای آنها، پایه‌های حکومت استحکام یافته و جامعه سامان می‌یابد.

نقش مردم در حکومت اسلامی

نقش مردم در حکومت اسلامی را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد، سپس با تحلیل و بررسی مبانی فقهی و نظری امام خمینی و ملاحظه سیره عملی ایشان در طول دوران استقرار حکومت اسلامی دیدگاه ایشان را در هر یک از این موارد به دست آورد:

۱- سطح مشروعیت نظام سیاسی

منظور از مشروعیت نظام سیاسی این است که در صورتی که نظام سیاسی به شیوه‌ای مشروع مستقر شده باشد حق حکمرانی بر مردم را دارد و مردم نیز متقابلاً وظیفه اطاعت دارند. همان‌گونه که بیان شد نظام سیاسی مشروع از دیدگاه حضرت امام (ره) نظامی ولایی است که مبتنی بر ولایت فقیه باشد و غیر آن - هر چند مورد رضایت مردم باشد- مصداقی از حکومت طاغوت می‌باشد.

بر این اساس، نقش مردم در بعد مشروعیت نظام سیاسی منحصر به پذیرش آن و فراهم نمودن زمینه تحقق آن می‌باشد. بدین معنا که نظام سیاسی مشروعیت خود را از فقیه جامع‌الشرایط می‌گیرد و فقیه نیز ولایت خود را - بر طبق ادله ولایت فقیه - به نصب از سوی امام معصوم (ره) داراست. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۴۲) در این مرحله مردم نه ولایتی دارند که آن را به فقیه اعطا کنند و نه اعراض آنان از ولایت فقیه موجب عدم ولایت وی خواهد بود. تنها در صورتی که مردم با چنین نظامی همراهی و همکاری نکنند زمینه تحقق آن فراهم نخواهد شد و لذا مردم در این مرحله نقش مؤثری در پذیرش و مقبولیت چنین نظامی دارا می‌باشند.

۲- سطح مشروعیت فقیه حاکم

پس از آن که مردم با پذیرش نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه خواهان استقرار آن در جامعه شدند و زمینه تحقق آن را فراهم آوردند بر فقها واجد شرایط واجب می‌گردد که بر این امر اقدام نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۴۲) در صورتی که تنها یک فقیه حائز شرایط وجود داشته باشد همان یک فقیه هم ولایت دارد و هم حق حکومت و اعمال ولایت؛ اما از آنجا که در دوران غیبت امام معصوم (ع) فقها متعددی وجود دارند و فرض بر آن است که حکومت بیش از یک فقیه معقول نیست؛ بنابراین در مقام اعمال ولایت سیاسی، تنها یک فقیه می‌تواند حکومت کند و فقها دیگر حق مزاحمت با او را ندارند. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «از ادله ولایت، ولایت فقیهان بر یکدیگر استفاده نمی‌شود بلکه معقول نیست که فقیهی بر فقیه دیگر ولی و دیگری مولی علیه او باشد... لکن اگر فقیهی در یک امر وارد شد فقیه دیگر حق مزاحمت با او را ندارد». (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۹۴ - ۶۹۱)

حال فقیهی که می‌خواهد برای اعمال ولایت خود اقدام کند باید دارای شرایطی باشد. یکی از شرایطی که در متون دینی برای فقیه حاکم بیان شده است عدم اکراه و تحمیل شخص خاصی بر مردم است. این شرط هر چند از ادله ولایت فقیه استنباط نشود لکن طبق تصریح بسیاری از روایات، در صورتی که مردم به هر دلیل به حکومت فقیه خاصی رضایت ندهند چنین حکومت مبتنی بر زور و غلبه مشروع نمی‌باشد. این نکته ای مهم در باب مشروعیت حکومت دینی است که کمتر به آن توجه شده است، اما در اندیشه حضرت امام (ره) به ظرافت به آن اشاره شده است. ایشان در بدو ورود به ایران پس از ۱۵ سال تبعید در بیانات خود در بهشت زهرا پس از نفی نظام سلطنتی و تبیین پیامدها و نتایج مخرب آن، پشتیبانی و رضایت مردم را مبنای تشکیل دولت آینده در ایران دانسته و فرمودند من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد دولت تعیین می‌کنم. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶ ص ۱۶)

وی در بیانی دیگر در همان روزها فرمود: «امروز همه مقدرات مملکت به دست خود مردم باید اداره بشود. مردم حق دارند که یکنفری را به عنوان سلطان، به عنوان رئیس جمهور، به هر عنوانی انتخاب کنند. این صحیح است. خود مردم به اختیار خودشان اینکار را کردند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۹۷)

امام خمینی پس از آنکه در بسیاری موارد بر حق مردم برای تعیین سرنوشت خود تأکید می‌کند، به جایگاه رأی مردم در حکومت اشاره کرده و بر این باور است که حکومت اسلامی حکومتی است که صد در صد متکی به آراء ملت باشد. وی در این باره می‌فرماید: «ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هرطور رأی داد ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیز را تحمیل کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۳۴) «اینجا آراء ملت حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگانها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۱۶۵) ایشان رأی مردم را در انتخاب رهبر جامعه اسلامی دخیل دانسته و در نامه‌ای که به مجلس بازنگاری قانون اساسی می‌نویسد، می‌فرماید: «اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری

را به عهده بگیرد، قهراً او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است». (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۳۷۱)

بنابراین از دیدگاه امام خمینی (ره)، براساس دلایلی که حکومت مبتنی بر زور و غلبه را در شریعت اسلام نامشروع می‌داند، حکومت فقیه‌ای که از پشتوانه مردم برخوردار نباشد نیز مقبول نیست. و لذا مردم می‌توانند به منظور داشتن نظامی مشروع، فقیه مورد رضایت خود را از بین فقها برای حکومت و اعمال ولایت انتخاب نمایند. بدین ترتیب مشارکت مردم نقش مشروعیت بخشی نه به اصل ولایت فقیه، بلکه به حکومت فقیه دارد.

۳- سطح تصمیم‌سازی

پس از پذیرش نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه توسط مردم و اندراج آن در قانون اساسی و پس از استقرار حکومت توسط فقیه منتخب مردم، نوبت به اتخاذ تصمیمات عمومی و اجرایی شدن آن می‌رسد. سازوکاری که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پیرامون فرایندهای تصمیم‌گیری و مکانیسم‌های اجرایی آن در نظر گرفته شده است مبتنی بر شورا و مشورت با مردم یا نمایندگان مردم است. برخی از ابعاد و نمودهای عینی مشارکت مردم در این سطح عبارتند از:

- مشارکت در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس جمهور، رهبری و سایر مسئولین نظام به صورت مستقیم یا غیر مستقیم
 - نظارت بر مسئولین و داشتن حق انتقاد و مطالبه پاسخگویی از آنان
 - تأثیرگذاری بر حفظ و استمرار نظام از راه حمایت از نظام و مسئولین
- به نظر می‌رسد تأکیدات فراوان امام بر نقش مردم را باید در اهتمام شخص امام به تأسیس و استمرار حکومت اسلامی و مصلحت ملزمه آن جستجو نمود. از نظر امام اجرای احکام اسلام و ارزش‌های اسلامی در جامعه به‌طور کامل، جز با تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست و این واجب از چنان مصلحتی برخوردار است که مقدم بر همه مصالح است. لذا وجود حکومتی اسلامی با ولایت و سرپرستی فقیه جامع‌الشرایط و دارای اختیارات مطلقه و مفوضه از جانب خداوند از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی است. امام خمینی با بصیرت و آگاهی کاملی که از شکست و عدم استمرار حکومت‌های شیعی و غیر شیعی در طول تاریخ داشته است - به خوبی بر این نکته واقف بود که تحقق چنین ارزشی در جامعه بدون همراهی مردم و حمایت و مشارکت آنان به سرانجام نخواهد رسید. بنابراین چه در دوران قبل از تشکیل نظام جمهوری اسلامی که با سؤالات متعدد خبرنگاران خارجی مواجه بود و چه بعد از استقرار نظام همواره بر نقش مردم و همراهی آنان تأکید می‌کرد و سخت معتقد بود که بدون حمایت مردم نمی‌توان اهداف عالی اسلام را در جامعه محقق نمود. در فرایند تشکیل و استقرار نظام اسلامی نیز هرگاه با ایرادات و انتقادات گروه‌های سیاسی داخل و خارج مواجه می‌شد همراهی و حمایت مردم را مورد استناد خود قرار داده و از دموکراسی به گونه‌ای جدلی و بر طبق قاعده الزام سخن می‌گفت. امام این محتوای ارزشمند و اصیل را نه در قالب دموکراسی بلکه در قالب نظام جمهوری قابل تحقق می‌داند. به همین جهت نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی مشتمل بر ولایت فقیه را به مردم پیشنهاد داده و آن را با آراء عمومی مستحکم می‌کند. بدین طریق هم آرمان حکومت اسلامی مورد نظر خود را محقق نموده و هم مردم را با این آرمان والا همراه ساخته است.

پشتوانه اصلی برنامه‌های دولت، حضور مردم و حمایت‌های بی‌دریغ آنان از دولت‌مردان است. حضرت امام خمینی رحمه‌الله همواره در سخنان خود، به حضور جدی ملت تأکید داشتند و صاحبان اصلی این کشور و انقلاب را، مردم می‌دانستند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خویش فرمودند: «این ملت است که آمد و شما را از این همه گرفتاری‌ها بیرون آورد و با رأی خودش،

مجلس درست کرد و جمهوری اسلامی را تنفیذ کرد و رئیس جمهور درست کرد و آن‌ها هم دولت درست کردند. همه چیزهایی که ما داریم، از این مردم است... تا این مردم را دارید، خوف این که بتوانند به شما آسیب برسانند، هیچ نداشته باشید».

وظایف دولت در برابر مردم

از آنجایی که مردم نقش اصلی و محوری در پیروزی انقلاب و برپایی حکومت اسلامی داشتند، برنامه‌های دولت نیز باید با خواست‌های اساسی آنان هماهنگ باشد و دولت‌مردان، برنامه‌ریزی کشوری را هم‌سو با نیازهای ملت ساماندهی و تنظیم کنند. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی ره با تأکید بر این مسأله فرمودند: «در رأس برنامه‌های دولت، باید این مطلب باشد که این هماهنگی را حفظ بکنند و خیال نکنند که ما دولت هستیم و باید مسأله‌ای را که مطرح می‌کنیم، ملت بپذیرد؛ چه روی مصالحش باشد، چه نباشد... شما نمی‌توانید کارهایی را که الآن در ایران هست انجام دهید، الا با هماهنگی با ملت. هماهنگی با ملت هم این است که شما توجه کنید به خواست‌های این‌ها». مثلاً یکی از حقوق اساسی مردم که دولت و دولت‌مردان

در نظام دینی موظف به رعایت و تحقق آن هستند، توجه به آرای ملت و احترام به نظریات و افکار توده‌های مردم است. [۱۳] این مسأله به مناسبت‌های مختلف در بیانیه‌ها و اظهارات امام عنوان شده و مورد تأکید نیز قرار گرفته است. از جمله اینکه ایشان فرمودند: «حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما، از رویه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت است و نیز شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد.» و در جای دیگر با عنایت به جایگاه خاص مردم و احترام به آرای آنها، تبعیت از رأی ملت را وظیفه دولت دانسته، می‌فرماید: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام (ص) به ما حق نداده است که ما به ملت مان یک چیزی را تحمیل کنیم» [۱۴]

استقلال در برابر نیروهای خارجی و بیگانه، حاکمیت داخلی مستقل براساس ارزش‌ها و معتقدات مکتبی مردم و تأمین آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و... از حقوق مسلم و اساسی تمامی جوامع و انسان‌ها است که تمامی ملل جهان در راستای نیل به آن تلاش مستمر و مبارزات جدی و پیگیری را از خود به یادگار گذاشته‌اند. در اندیشه سیاسی حضرت امام، تأمین استقلال جامعه و تضمین آزادی‌های مردم، از مهم‌ترین حقوق ملت بر دولت است، امام رحمه الله در این زمینه می‌فرماید:

«این مردم هستند که حق می‌گویند، حق خودشان را طلب می‌کنند، آزادی حق مردم است؛ استقلال یک مملکت حق اهل این مملکت است.» [۱۵]

امام در خصوص گروه‌های مختلف سیاسی اعتقاد داشتند که هیچ‌گاه آزادی هیچ فرد و گروهی سلب نشده و هر کس آزاد است اظهار عقیده کند ولی افراد و گروه‌ها برای توطئه کردن آزاد نیستند. [۱۶] سیاست و حکومت از دیدگاه اسلام و بالطبع در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، به نفس هدف نبوده، بلکه ابزاری برای انجام وظایف دینی، احقاق حقوق مظلومین و اقامه قسط و عدالت اجتماعی است. اگر امام علی (ع) به عنوان زمامدار ایده‌آل و فرمانروای دادگستر، حکومتی را که در پرتو آن حقوق بیچارگان از گردنکشان اعاده نگردد، در پست‌ترین جایگاه توصیف می‌کند، در اندیشه حکومتی حضرت امام (ره) نیز، «عهددار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است» [۱۷] اما در همین راستا امام (ره) به بحث پاسخگویی تأکید می‌ورزند و شایسته می‌دانند که مسئولان پیوسته درباره عملکرد خود در دوره مدیریتشان پاسخگو باشند و گزارشی از فعالیت‌های خود را به مردم ارائه دهند. ایشان همواره بر بازگو کردن خدمات ارزنده قوای سه‌گانه به مردم تأکید فراوان داشتند.

از جمله اقدامات ارزشمند حضرت امام (رحمۃ الله علیه) صدور فرمان هشت ماده‌ای جهت رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی کلیه آحاد ملت بود که در آن ایشان حداقل بر ۲۰ مورد حقوق شهروندی و لازم الاجرا بودن آن تأکید ورزیدند. در خصوص حقوق دولت بر مردم و در باب حمایت و پشتیبانی باید گفت: همانگونه که در کلام امیرمؤمنان علی (ع) نیز آمد، قوام و استحکام دولت منوط به حمایت همه‌جانبه از دولت بوده و این از حقوق زمامدار اسلامی بر مردم است که او را در انجام برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و خدماتی اش مساعدت و یاری رسانند. در نظریات حکومتی امام خمینی رحمه الله، حمایت و پشتیبانی مردم از دولت به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دولت عنوان شده که انجام آن آثار و برکات گرانبار و مهمی را برای نظام اسلامی به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر بجا نیوردن این حق، پیامدهای تلخ و ناگواری را برای جامعه و مردم موجب خواهد شد. اگر حضرت امام در موارد مختلفی از بیانات خویش، بر اتکای به مردم، امید دادن به آنها و جلب حمایت آنان تأکید می‌کنند، از این‌روست که حمایت مردم را موجب استحکام نظام و وظیفه آنان در برابر دولت می‌دانند. [۱۸]

از دیگر حقوق مهم دولت بر مردم در اندیشه سیاسی اسلام و دیدگاه حضرت امام ره، مسئولیت نظارتی و مشورتی مردم در برابر دولت و زمامداران اسلامی است. مردم در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی زمامداران خود بی‌تفاوت باشند. مردم موظف‌اند بر سیاستگذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی نظارت نموده و با اظهار نظریات مشورتی و خیرخواهانه خود، موجبات استحکام و بهبودی دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش را فراهم سازند. عنصر نظارت مردم بر دولت اسلامی، از طریق روش‌های مشخصی چون امر به معروف، استشاره و نصیحت حاکم و حسب انجام می‌شود. [۱۹]

و مردم موظف‌اند در تمامی شئون مربوط به اجتماع، سیاست و حکومت این حق را به اجرا گذارند. در اندیشه سیاسی و دیدگاه‌های حکومتی حضرت امام نیز این حق به صورت جدی طرح و مورد توجه قرار گرفته است:

«با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان معممین یک قدم برخلاف بر ندارند که خدای نخواستہ چهره اسلام را برخلاف آن‌طوری که هست قبیح نشان دهند» [۲۰]

«... و آقایان توجه کنند و همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور... همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است.» [۲۱]

حضرت امام در جای دیگر عنصر نظارت و حساسیت در سرنوشت جامعه را فراتر از حق - به عنوان یک تکلیف و مسئولیت دینی - عنوان نموده، می‌فرمایند:

«باید همه قشرها برای خودشان تکلیف فرض کنند. بگویند ما موظفیم، همانطوری که هر آدمی خودش را موظف می‌داند که بچه خودش را، اطفال خودش را اداره کند. این احساس باید در ما پیدا بشود که این مملکت عائله ما هستند و خانه ماست... همه ملت است و همه کشور، همه کشور مال همه ملت است.» [۲۲]

در این مشارکت ارشادی، مردم قادر خواهند بود سهم اساسی در نظارت بر اعمال دولت و سالم‌سازی جامعه را بر عهده داشته باشند. بنابراین در ارتباط با حقوق متقابل دولت و مردم از دیدگاه امام رحمه الله، چند عنصر می‌تواند مهم‌تر از همه و در خور توجه و اهمیت باشد، عناصری چون حمایت و پشتیبانی مردم از دولت، اعمال نظارت و دادن نظریات مشورتی خیرخواهانه، که از طریق نصیحت زمامدار و کارگزار اسلامی صورت می‌گیرد.

از دیگر محورهای به نسبت مهم در مطالعه حقوق دولت بر مردم که در منابع دینی و اندیشه سیاسی حضرت امام نیز عنوان شده است، لزوم مقاومت و پایداری مردم در برابر مشکلاتی است که از ناحیه درون و بیرون مرزهای کشور اسلامی متوجه نظام می‌گردد و زمامداران و دولت اسلامی را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌سازد. حضور مداوم و همیشگی مردم در صحنه، علاوه بر

استحکام بخشیدن پایه‌های حکومت، دولتمردان را در اجرای برنامه‌های عالی که دارند یاری رسانیده و دولت اسلامی را در برابر حمله‌های بیگانگان استوار و مقاوم می‌سازد. امام رحمه‌الله در این زمینه می‌فرماید:

«مهم این است که انقلاب اسلامی، اسلامی است و به دست مردم صورت گرفته. مردم انقلاب کرده‌اند؛ مردم باید آن را به آخر برسانند. مردم قیام کرده‌اند، شاه را بیرون کرده‌اند و رژیم او را سرنگون نموده و نظام اسلامی را که به نفع مستضعفین است جایگزین آن کرده‌اند؛ پس مردم باید پای کاری که کرده‌اند بایستند. هر چه عمل بزرگ باشد، دشمنش بیشتر و بزرگتر است.» [۲۳]

با توجه به این فراز، حضور مداوم و همیشگی مردم در حراست و حفاظت از انقلاب و دستاوردهای آن در برابر دشمنان، از اهمیت خاصی برخوردار است که حضرت امام آن را تنها راه مقابله نظام با دشمنان و مبنای استواری نظام اسلامی عنوان نموده‌اند. در جای دیگر حضرت امام ضمن سفارش به دولتمردان و مجلسیان، احترام و اعتنا به آرای مردم را وظیفه دولت و جمهوری اسلامی را رهاورد حضور و فداکاری ملت و مردم دانسته، می‌فرماید:

«به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان، خصوصاً مستضعفین و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم ما هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید.» [۲۴]

خلاصه فصل

- * نظریه امام تفکری است کاربردی و توانایی رقابت با سایر اندیشه‌ها را دارد و می‌تواند عظیم‌ترین حرکت‌ها را رهبری کند و راهگشای بسیاری از بحران‌های مدیریتی باشد.
- * از دیدگاه امام اصولی که در بحث تربیت مدیران باید به آنها توجه کرد عبارتند از: ۱. اسلام‌محوری، ۲. اصل خدمت، ۳. اصل ساده‌زیستی، ۴. برقراری عدالت.
- * اگر نظری به نحوه رفتار مدیریتی امام خمینی (ره) داشته باشیم اخلاق‌مداری و احساس تعهد و رفتار عمیق دینی را در مشی سیاسی و مدیریتی ایشان خواهیم دید.
- * حضرت امام (ره) بر اثر تهذیب نفس و خودباوری و اعتماد به نفس، به مراتب بالای آرامش رسیده بودند.
- * تصمیم‌گیری‌های امام ناشی از نگرش اعتقاد به وجود رابطه مستحکم بین بینش‌ها و گرایش‌ها است.
- * شجاعت، صراحت، صلابت، عدم ذلت‌پذیری و عزت نفس بالا از ثمرات اعتماد به نفس امام بود.
- * از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که در پرتو پابندی به این حقوق و ایفا و استیفای آنها، پایه‌های حکومت استحکام یافته و جامعه سامان می‌یابد.
- * یکی از ابتکارات حضرت امام (ره) طرح مقوله مصلحت است که بر مبنای فقه پویای جواهری ارائه و منجر به ارائه الگوی حکومتی جمهوری اسلامی شد.
- * ثمره تعهد به دین، تکلیف‌گرایی است و تعهد به جامعه، نظریه مصلحت را شکل می‌دهد و تعهد به نفس منجر به آرامش روحی و روانی امام می‌گردد.
- * نقش مردم در حکومت اسلامی را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد: ۱. سطح مشروعیت نظام سیاسی، ۲. سطح مشروعیت فقیه حاکم، ۳. سطح تصمیم‌سازی.

* امام خمینی ره با عنایت به جایگاه خاص مردم و احترام به آرای آنها، تبعیت از رأی ملت را وظیفه دولت دانسته، می‌فرماید: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام (ص) به ما حق نداده است که ما به ملت مان یک چیزی را تحمیل کنیم»

* از جمله اقدامات ارزشمند حضرت امام (رحمه‌الله علیه) صدور فرمان هشت ماده‌ای جهت رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی کلیه آحاد ملت بود که در آن ایشان حداقل بر ۲۰ مورد حقوق شهروندی و لازم‌الاجرا بودن آن تأکید ورزیدند.

* از دیگر حقوق مهم دولت بر مردم در اندیشه سیاسی اسلام و دیدگاه حضرت امام ره، مسئولیت‌نظارتی و مشورتی مردم در برابر دولت و زمامداران اسلامی است. مردم در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی زمامداران خود بی‌تفاوت باشند. مردم موظف‌اند بر سیاستگذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی نظارت نموده و با اظهار نظریات مشورتی و خیرخواهانه خود، موجبات استحکام و بهبودی دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش را فراهم سازند.



منابع مکمل

- ۱- ذاکری صالحی، غلامرضا، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، انتشارات سروش.
- ۲- برزگر، ابراهیم، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به مثابه صراط، ۱۳۹۱.
- ۳- حاجتی، احمدرضا، عصر امام خمینی، مؤسسه بوستان کتاب قم.
- ۴- طاهرزاده، اصغر، امام خمینی و خودآگاهی تاریخی، نشر لب المیزان.
- ۵- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، نشر معارف.
- ۶- شفیعی، عباس، الگوی رهبری امام خمینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



پی‌نوشت‌ها

- ۱- علیرضا اژدری، امام خمینی (ره)، «مدیریت و رهبری»، <http://www.aftabir.com> مرداد ۱۳۸۹، شهریورماه ۹۵.
- ۲- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد دوازدهم، ص ۳۴۸.
- ۳- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد پانزدهم، ص ۷۶.
- ۴- صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، صص ۱۵۷ تا ۱۵۸، ناشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۵- پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران.
- ۶- آئین انقلاب اسلامی گزیده‌ای از اندیشه و آرا امام خمینی «ره»، ص ۱۷۴.
- ۷- امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، قم، انتشارات آزادی، ص ۳۱.
- ۸- صحیفه نور، جلد ۸، ص ۱۱۴، جلد ۵، ص ۲۳۷، جلد ۱۵، ص ۱۸۶، جلد ۱۸، ص ۳۱، جلد ۲، ص ۱۹.
- ۹- حق دوست، حامد، «امام خمینی در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب»، خیرگزاری فارس.
- ۱۰- ابوالحسن حسین‌زاده، «منشور اخلاقی امام خمینی در مدیریت»، روزنامه کیهان، شماره ۱۹۳۸۰، مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۸.
- ۱۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۷۶.
- ۱۲- مسعود معینی‌پور، عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، حقوق متقابل دولت و مردم در اندیشه امام خمینی (ره).
- ۱۳- مقاله: حقوق متقابل دولت و مردم در اندیشه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴، مهرماه ۹۵.
- ۱۴- صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۷.
- ۱۵- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۱۶.
- ۱۶- آیین انقلاب، صص ۳۳۰-۳۳۱.
- ۱۷- همان، ص ۱۴۱.
- ۱۸- آیین انقلاب، صص ۴۳۹ و ۳۳۳.
- ۱۹- فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۲، ص ۱۰۸.
- ۲۰- صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۳.
- ۲۱- همان، ج ۷، ص ۳۴.
- ۲۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۳.
- ۲۳- صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۵۸-۵۹.
- ۲۴- نگرش موضوعی بر وصیتنامه حضرت امام، ص ۹۸.

<http://www.dmsonnat.ir>

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

۱- پشتوانه اصلی برنامه‌های دولت، چیست؟

- الف) حضور مردم و حمایت‌های بی‌دریغ آنان از دولت‌مردان است.
 ب) داشتن منابع مالی است.
 ج) داشتن برنامه مدون است.
 د) هیچ‌کدام

۲- تنها راه مقابله نظام با دشمنان و مبنای استواری نظام اسلامی از دیدگاه امام کدام گزینه است؟

- الف) حضور مداوم و همیشگی مردم در حراست و حفاظت از انقلاب و دستاورد های آن
 ب) عمل به مصلحت
 ج) تکلیف‌گرایی
 د) تلاش و فعالیت اقتصادی

۳- کدام گزینه به نمودهای عینی مشارکت مردم اشاره دارد؟

- الف) مشارکت در انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور، رهبری و سایر مسئولین نظام به صورت مستقیم یا غیر مستقیم
 ب) نظارت بر مسئولین و داشتن حق انتقاد و مطالبه پاسخگویی از آنان
 ج) تأثیرگذاری بر حفظ و استمرار نظام از راه حمایت از نظام و مسئولین
 د) همه موارد

۴- تصمیم‌گیری‌های امام ناشی از چیست؟

- الف) نگرش اعتقاد به وجود رابطه مستحکم بین بینش‌ها و گرایش‌ها
 ب) نگرش اعتقاد به وجود رابطه بین کنش و واکنش
 ج) نگرش اعتقاد به وجود رابطه بین منابع مادی و معنوی
 د) هیچ‌کدام

۵- نظام سیاسی مشروعیت خود را از کجا بدست می‌آورد؟

- الف) از فقیه جامع‌الشرایط می‌گیرد و فقیه نیز ولایت خود را بر طبق ادله ولایت فقیه به نصب از سوی امام معصوم (ره) داراست.
 ب) از حاکمیت و قدرت مطلقه
 ج) از رابطه بین مردم و ولی فقیه
 د) هیچ‌کدام

۶- استراتژی اصلی نهضت آزادی علیه رژیم شاه بود.

- الف) استراتژی پارلمانی
 ب) استراتژی تدین
 ج) استراتژی نظامی
 د) همه موارد

۷- این جمله از کیست؟

- «من با رهبران بزرگ دنیا اعم از مذهبی، غیرمذهبی و ضدمذهبی آشنا هستم، هیچ‌کدام به اندازه امام به مردم معتقد نبودند».
 الف) شهید بهشتی
 ب) شهید مطهری (ره)
 ج) شهید مفتح
 د) مقام معظم رهبری

۸- کدام عبارت صحیح است؟

- الف) مشارکت مردم نقش مشروعیت بخشی نه به اصل ولایت فقیه، بلکه به حکومت فقیه دارد.
 ب) امام در خصوص گروه‌های مختلف سیاسی اعتقاد داشتند که هیچگاه آزادی هیچ فرد و گروهی سلب نشده و هر کس آزاد است اظهار عقیده کند ولی افراد و گروه‌ها برای توطئه کردن آزاد نیستند
 ج) امام عنصر نظارت و حساسیت در سرنوشت جامعه را فراتر از حق به عنوان یک تکلیف و مسئولیت دینی عنوان نموده‌اند.
 د) همه موارد

۹- کدامیک از ثمرات اعتماد به نفس امام نیست؟

- (الف) شجاعت
(ب) صراحت
(ج) صلابت
(د) سازش

۱۰- از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که در پرتو پابندی به این حقوق و ایفا و استیفای آنها..... می یابد.

- (الف) وفور نعمت تداوم
(ب) مسئولیت دینی گسترش
(ج) پایه های حکومت استحکام یافته و جامعه سامان
(د) هیچ کدام

۱۱- منظور از مشروعیت نظام سیاسی این است که:

- (الف) در صورتی که نظام سیاسی به شیوه ای مشروع مستقر شده باشد حق حکمرانی بر مردم را دارد و مردم نیز متقابلاً وظیفه اطاعت دارند.
(ب) در صورتی که اکثریت رای دهند
(ج) در صورتی که حاکم قدرت را از حزب حاکمه بگیرد.
(د) هیچ کدام

۱۲- جایگاه..... به قدری مهم است که حاکم اسلامی می تواند قراردادهای شرعی که خود با مردم بسته است را در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند.

- (الف) صراحت
(ب) تکلیف
(ج) مصلحت
(د) مشروعیت

۱۳- نقش مردم در حکومت اسلامی را در کدامیک از این سطح ها مورد بررسی قرار می دهند؟

- (الف) سطح مشروعیت نظام سیاسی
(ب) سطح مشروعیت فقیه حاکم
(ج) سطح تصمیم سازی
(د) همه موارد

۱۴- نشریه تایمز لندن می نویسد: «خمینی مردی بود که.....»

- (الف) تمام جهان را به زانو درآورد
(ب) توده ها را با کلام خویش مسحور می کرد
(ج) همه وجودش را وقف مردم کرد.
(د) همه موارد

۱۵- امام خمینی ره در مورد چه موضوعی فرمودند: یک الطاف خفیه ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم.

- (الف) وقتی خبر شهادت حاج آقا مصطفی (ره) به ایشان رسید.
(ب) وقتی آیت اله بهشتی به شهادت رسید.
(ج) وقتی آیت اله مطهری به شهادت رسید.
(د) هیچ کدام

سؤال های تشریحی

- ۱- دیدگاه امام خمینی (ره) را پیرامون مدیریت بیان کنید.
- ۲- منشور اخلاقی امام خمینی (ره) در مدیریت را تشریح نمایید.
- ۳- وظایف مردم و دولت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) را برمی شمیرید.
- ۴- جایگاه مصلحت اندیشی را از دیدگاه امام خمینی (ره) توضیح دهید.
- ۵- وظایف مردم و دولت اسلامی را از دیدگاه امام خمینی ره توضیح دهید.

کلید سؤال‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۳		فصل ۲		فصل ۱	
گزینه صحیح	شماره سؤال	گزینه صحیح	شماره سؤال	گزینه صحیح	شماره سؤال
الف	۱	الف	۱	الف	۱
الف	۲	ب	۲	د	۲
د	۳	د	۳	ج	۳
الف	۴	الف	۴	الف	۴
الف	۵	الف	۵	د	۵
الف	۶	د	۶	الف	۶
ب	۷	الف	۷	الف	۷
د	۸	ج	۸	د	۸
د	۹	الف	۹	ب	۹
ج	۱۰	الف	۱۰	الف	۱۰
الف	۱۱	د	۱۱	الف	۱۱
ج	۱۲	د	۱۲	ب	۱۲
د	۱۳	ب	۱۳	الف	۱۳
ب	۱۴	ج	۱۴	الف	۱۴
الف	۱۵	ب	۱۵	ب	۱۵

منابع و مأخذ

- ۱- امام خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۲۲ جلد، ۱۳۸۵.
- ۲- امام خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، پنج جلد، ۱۴۲۱ق.
- ۳- امام خمینی، روح الله، الرسائل، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ۲ جلد، ۱۳۸۵ق.
- ۴- امام خمینی، روح الله، المکاسب المحرمه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۲ جلد.
- ۵- امام خمینی، روح الله، آداب الصلوة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۴ق.
- ۶- اشتراوس، لئو، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۷- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ۸- بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- ۹- توحیدی، علی اصغر، قرائت امام خمینی از سیاست، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۸۱.
- ۱۰- حق دوست، حامد، امام خمینی در نگاه صاحب‌نظران شرق و غرب، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۰۴/۱۷.
- ۱۱- جونز، و. ت.، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جمشیدی، محمدحسین، اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۳- زرگر، ابراهیم، مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۴- سجادی، عبدالقیوم، جزوه دست‌نوشته «مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی».
- ۱۵- شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
- ۱۶- شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۱۷- آئین انقلاب اسلامی گزیده‌ای از اندیشه و آرا امام خمینی (ره).
- ۱۸- مارکوزه، هربرت، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن مویدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۱۹- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران، صدرا، بی تا.
- ۲۰- پایگاه اطلاع‌رسانی اسلام کوئینست.
- ۲۱- جهان‌بین، اسماعیل، مقاله آشنایی با اندیشه‌های سیاسی مسلمین.
- ۲۲- اژدری، علیرضا، مدیریت و رهبری امام خمینی (ره)، مرداد ۱۳۸۹، (۱۳۹۵-۶-۱۲۷). (<http://www.aftabir.com>)
- ۲۳- مقاله: حقوق متقابل دولت و مردم در اندیشه امام خمینی (ره)، آبان ۹۳، ۱۳۹۵. (<http://www.dmsonnat.ir>)
- ۲۴- معنی فرهنگ چیست (چگونه می‌توان انسان با فرهنگی بود) (<http://www.cloob.com/timeline/answer>)
- ۲۵- سیدمحمدحسینی شاهرودی، نقش مصلحت در احکام فقهی، ۱۳۹۱، (۱۲-۰۷-۹۵) (<http://nvf-kordestan.ir/publish/archive/1>)
- ۲۶- زنگنه پور، غلامحسین، «هویت»، خرداد ۱۳۸۹، ۱۳۹۵. (<http://hoviayatallami.mihanblog.com>)
- ۲۷- جمشیدی، محمدحسین، اندیشه سیاسی چیست؟ گفتگوی اطلاعات حکمت و معرفت، سایت MyStudents، ۱۳۹۱، ۱۳۹۵مهر.
- ۲۸- جی. ویت من، پل؛ «دین فلسفه‌ی سیاسی»، ترجمه رحمت‌الله رضایی، مجله‌ی معرفت، تیر ۱۳۸۱، شماره‌ی ۵۵، ص ۵۶-۶۱.
- ۲۹- زلسفلی، محمدتقی، بازخوانی اندیشه، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۶، جهت مطالعه‌ی بیشتر؛ ر. ک: یوسفی راد، مرتضی؛ امکان فلسفه‌ی سیاسی اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۳۰- کوئینتن، آنتونی؛ فلسفه‌ی سیاسی، ترجمه‌ی مرتضی اسعدی، تهران، الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۱.